



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# پیکرِ وودہ حدیثِ معارف

حضرت آیۃ اللہ شیخ حیدر تریبی کربلائی  
حضرت آیۃ اللہ شیخ حیدر تریبی کربلائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# یکصد و ده حدیث معارفی

نویسنده:

حیدر تربتی کربلایی

ناشر چاپی:

حیب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	یکصد و ده حدیث معارفی
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	دعای سلامتی حضرت حجت بن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۰	زیارة الإمام صاحب الزمان صلوات الله علیه
۱۱	الصلاة على وليّ الأمر المنتظر (صلوات الله عليه و عجل الله فرجه الشریف)
۱۳	فهرست
۱۶	مقدمه
۱۸	اجازات
۳۸	انحصار طریق وحی و عصمت آن
۳۹	احیاء امر آل محمد (صلی الله علیهم)
۳۹	محتمل حدیث آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کیست؟
۴۰	قرآن و عترت دو یادگار و خلیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)
۴۳	اهمیت و جایگاه معرفت و ولایت اهل بیت اطهار (علیهم السلام)
۶۱	تنها قرآن شناسان، اهل بیت نبوت (علیهم السلام) می باشند
۶۱	شهادت ثالثه مقدسه
۶۱	علم دین چیست؟
۶۲	احکام شرع ثابت اند
۶۵	تفقه در دین
۷۱	جایگاه فقیه صالح
۷۸	وظیفه فقیه صالح در مقابله با بدعت ها
۸۰	لزوم احتیاط و توقّف در موضع شبهه
۹۴	جایگاه خمس

- ۹۶ ..... جایگاه حدیث و سخن اهل بیت اطهار (علیهم السلام)
- ۹۸ ..... صوفیان همگی مخالف اهل بیت نبوت (علیهم السلام) می باشند -
- ۱۰۰ ..... کمال ایمان: ... قول قول آل محمد است و بس
- ۱۰۳ ..... تسلیم معصوم
- ۱۰۴ ..... ولایت فاطمی
- ۱۰۴ ..... حدیث لوح، سزای الله و دین انبیاء و ملائکه
- ۱۱۶ ..... پی نوشت ها
- ۱۳۷ ..... درباره مرکز

سرشناسه : تربتی کربلایی، حیدر، 1338 -

عنوان و نام پدیدآور : یکصد و ده حدیث معارفی / حیدر تربتی کربلایی.

مشخصات نشر : قم: حیب، 1393.

مشخصات ظاهری : 118 ص.؛ 12×17 س م.

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. 131-135؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : حدیث

رده بندی کنگره : 1388 2ت2/BP106/5

رده بندی دیویی : 297/29

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

گزیده ای از

فقه طه و آل یاسین

صلوات الله و سلامه علیهم أجمعین

یکصد و ده

حدیث معارفی

حضرت آیت الله شیخ حیدر تربتی کربلایی

ص: 1

اشاره

سرشناسه: یکصد و ده حدیث معارفی، قسمتی از کتاب «گزیده ای از فقه طه و آل یاسین صلی الله علیهم أجمعین»

نام پدیدآورنده: حضرت آیه الله حیدر تربت کربلائی مد ظله

تایپ و ویرایش: محدثه تربتی

طرح جلد: محدثه تربتی

رایانامه: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه: Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس: 09137004612

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است

ص: 2



## دعاى سلامتى حضرت حجت بن الحسن المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ

صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ

وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَانِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيًّا وَعَيْنًا

حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا

وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

ص: 3

## زيارة الإمام صاحب الزمان صلوات الله عليه

زيارة الإمام صاحب الزمان صلوات الله عليه يوم الجمعة و هو يومه الذي يظهر فيه (عجل الله فرجه الشريف)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ، وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَدِّ لِي اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَلُ اللَّهِ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَأُخْرَاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَ ظُهُورُ ظُهُورِكَ وَظُهُورُ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَدِّ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ لَكَ وَالتَّابِعِينَ وَالتَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَدِّ لِمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ صَدِّ يُفَكُّ وَجَاؤَكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ، وَمَأْمُورٌ بِالصِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَاصْنُفْنِي وَأَجْرِنِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

جمال الأسبوع: ص 37.

ص: 4

## الصَّلَاةُ عَلَىٰ وَلِيِّ الْأَمْرِ الْمُنْتَظَرِ (صلوات الله عليه و عجل الله فرجه الشريف)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاؤِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. اللَّهُمَّ انتصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَاَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ أَنْ يُوَصَّلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا. وَأَمَلًا بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ السَّلَامُ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

مصباح المتعجد: ص 405، جمال الأسبوع: ص 493، البلد الأمين: ص 306.

الْقَوْلُ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ

قَوْلُ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)

فِي مَا أَسْرُوا وَ مَا أَعْلَنُوا

وَ فِي مَا بَلَغَنِي عَنْهُمْ

وَ فِي مَا لَمْ يَبْلُغَنِي

(حَدِيثُ شِمَارِهِ 104)

ص: 6

مقدمه...9

اجازات...11

انحصار طریق وحی و عصمت آن...31

احیاء امر آل محمد (صلی الله علیهم)...32

محتمل حدیث آل محمد کیست؟

قرآن و عترت دو یادگار و خلیفه رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)...33

اهمیت و جایگاه معرفت و ولایت اهل بیت اطهار علیهم السّلام...36

تنها قرآن شناسان، اهل بیت نبوت می باشند...51

شهادت ثالثه مقدّسه...52

علم دین چیست؟

احکام شرع ثابت اند...53

تفقه در دین...56

جایگاه فقیه صالح...61

وظیفه فقیه صالح در مقابله با بدعت ها...68

لزوم احتیاط و توقف در جای شبهه...70

جایگاه خمس...80

جایگاه حدیث و سخن اهل بیت اطهار علیهم السّلام...81

صوفیان همگی مخالف اهل بیت نبوت می باشند...83

کمال ایمان:... قول قول آل محمد است و بس...85

تسلیم معصوم...87

ولایت فاطمی...88

حدیث لوح، سزّالله و دین انبیاء و ملائکه...88

ص:7



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين،

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى أبد الآبدين.

برای شیعیان آگاه به سنت مطهّرة اهل بیت اطهار (علیهم صلوات الله) اهمّیت و جایگاه والای حدیث آن حضرات مخفی نیست، بایسته است برای ضبط و حمل و احتمال علوم اهل بیت اطهار (علیهم السّلام) از واسطه های امین و مستنّ به حبّ آنان فراگرفته و با اخذ اجازه به افراد قابل انتقال داد. لذا این کمترین عبد محمّد و آل محمّد (صلوات الله وسلامه علیهم) این کتاب شریف که شامل بیش از یکصد و ده حدیث از احادیث ارزشمند اهل بیت نبوت (صلوات الله علیهم اجمعین) در برخی معارف مهمّ است را که در آغاز کتاب «گزیده ای از فقه طه و آل یاسین صلی الله علیهم» برای خود نوشته ام تا توشه ای نورانی برای دنیا و آخرت خود فراهم نموده باشم، و بدینوسیله به اهل مودّت خالصانه به آن حضرات تقدیم می کنم، مشروط به آن که در مظانّ اجابت دعا مرا از دعای خیرشان محروم ننمایند. و برخی از طرق اجازات ضمیمه می گردد.

در این جا بعضی از طرق این جانب به احادیث و روایات اهل بیت اطهار (صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین) را ذکر می نمایم؛ از جمله آن ها از استاد بزرگوارم عالم گرانقدر، مدافع ولایت اهل بیت (علیهم السلام) آیه الله سیّد محمّد علی موحد ابطحی فرزند آیه الله سیّد مرتضی موسوی موحد ابطحی اصفهانی قدّس سرهما. که این جانب از محضر شریف این عالم بزرگوار و فقیه عالیقدر - که در سال های درازی بهره علمی وافر در زمینه تفسیر و فقه و حدیث و معارف اهل بیت اطهار (علیهم السّلام) برده ام - از مشایخ ایشان و از آنها سیّد طائفة و رهبر شیعیان در



عصر خود، آیه الله حاج آقا سید حسین طباطبایی بروجردی و آیه الله سید عبدالهادی شیرازی و شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب کتاب «الذریعة فی تصانیف الشیعة» و سایر مشایخ ایشان به طرق و اسانید ایشان به حاجی میرزا حسین نوری طبرسی صاحب کتاب «مستدرک الوسائل» به طرق ذکر شده ایشان در «خاتمة المستدرک» نقل می نمایم.

و نیز روایت می کنم از سید استاد آیه الله سید محمد علی موحد ابطحی از آیه الله مرعشی نجفی قدس سرهما به طرق ایشان از کتب حدیث ائمة و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام).

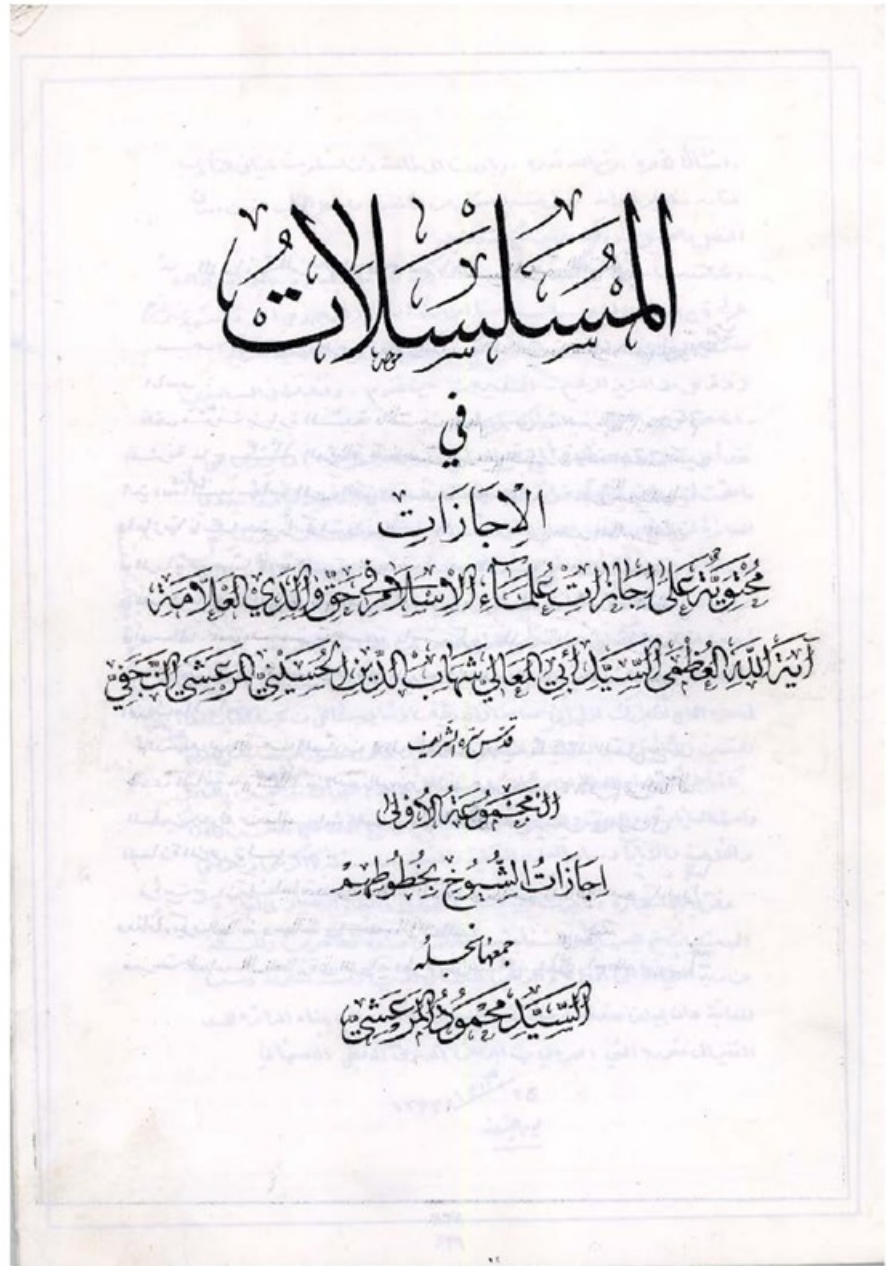
و از دایی مکرم ایشان مرحوم حاج سید محمد فقیه احمد آبادی فرزند بزرگ صاحب مکیال المکارم شهید آیت الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی قدس سرهما به طریق خود که در اجازه ایشان به این جانب آورده است.

و از مرجع عالیقدر مرحوم آیت الله سید محمد باقر شیرازی قدس سره به طرق ایشان.

و از محقق و نویسنده عالیقدر و پرتلاش صاحب تالیفات فراوان و ریاست مرکز احیاء میراث اسلامی حضرت آقای سید احمد حسینی اشکوری سلمه الله و حفظه به طرق ایشان و از آن ها از شیخ اجازه و استادش صاحب الذریعة به طرق و اسانیدش که در کتاب «الإسناد المصفی إلى آل المصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)» ذکر نموده است.

و از مرحوم محقق عالیقدر آقای شیخ اسماعیل معزی ملایری محقق و جامع موسوعه ارزشمند «جامع احادیث الشیعة»، و دیگر علماء اعلام شیعه که یا کتباً و یا شفهاً این جانب را مفتخر به اجازه نموده اند رضوان الله علیهم و اسکنهم جناته.





الإجازة للزعيم الميمني في عصرنا السيد المرعشي النجفي العمي

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين

الأمير :

فلقد تشرفت بزيارة السيدة فاطمة بنت الإمام موسى بن جعفر عليهم السلام ببلدة قم  
 المشرفة عام ١٤١٤ الهجرية القمرية فاحتمت مع زعيم السيدة في وقتة المقدسة الكريمة  
 آية الله السيد شهاب الدين النجفي المرعشي دام ظلّه المزارف ، فخرجتني عن الرطوبة  
 واجازتها فاستبده حضوراً ، كراسة وانصلاً سنة بالاستجازة من السيد العامر الثاني  
 في الرواية عن مشايخي في الحديث والرواية إلى اصول مشايخ الحديث وسيرتهم  
 في طلب الإجازة في الرواية ، ثم أصدرت ذلك غير مرة بواسطة غير واحد من الأفاضل  
 فأرسلها ، لكنني استصغرت نفسي واستعظمت طلب منسلة عن مثل الإجازة  
 في الرواية ، وله المنزلة الأسيرة والعام الرشح في العلم الاسلاميه ، وخاصة في  
 الحديث والرواية .

ثم انصرف ليوم الاثنين المصادف لاول شهر فروردين ١٣٤٤ الهجرية القمرية مع شهر  
 جمادى الثانية عام ١٣٥٤ من شهر الربيعه جارفي بعض السادة الكرام من الأفاضل  
 المعظمين رسولاً من قبله ، ان السيد دام ظلّه ، أكد قبل يومين في ارسال  
 الإجازة المزبورة لسماحة .

فرايت ح ان ذلك اجابته دعوة منسلة والتأخير في طاعة وان كان اسماً وارادوا  
 دعافاً ، بكرن اهانة ومهانة واستصغار الطلبه ،

فعدت على ارسال اجازة في الرواية بطريقي عن مشايخي والحمد لله دام ظلّه عن سائره

، امثالاً لأمره ، رضع الله صدره ، وبارك في طامته وان أسلمت أماناً في التأديب  
 لتمامه ، فأجره فغداً ، وفي جنبه اعتبار من مخالفة ريسه الطيب فمن من من  
 الفضل والتوصل ، وروى في من الفرجة وروى .  
 . وقامت في بأهل في في الاستمارة من الله ببارك في في الإجازة . كما في الجازة الملا  
 لمرك تاج الدين الرازي ، والسيد مهدي ابن سينا البغدادي . وفيه من روي في الإجازة السوية  
 من الله ارواحهم ، واستمرت بالقرآن الكريم فقد جازت هذه الآية الكريمة  
 لا تدعى على النبي الرحيم - الذي يملك حين تغرب - وقد ثبت في الصحاحين  
 - انه هو الصحيح المليم . الخ

الاجازة السوية

قد أجزت له انام الله طه وأيام تمتع المسلمين بجموده الشريف ان يروي يحيى  
 ما حدث لي روايته بما دعا وقراءة وإجازة سائمة او كتابية ، ما جاز في روايته وفي  
 العبارة لمداية من نسب اصحابنا السلفين والاصول والمصنفات ورواياتهم  
 هي وروايتي عن سلفي الا اعلم من سلفي خلفاً من سلف اجازة صلته منهم الى هذا  
 الجراح والاصول والمصنفات لم يروى المطرورة في الإجازة . هم سيد الطائفة وروى للشيعة  
 في عصره استاذي الامام آية الله العظمى الحاج آقا حبيب الطباطبائي البروجردي ،  
 والمزمع من تسمية السيد استاذ آية الله العظمى السيد محمد باقر الشيرازي ، وشيخنا  
 في عصره الحاج آقا بزرگ الطهراني صاحب الزبدة ، وسائر شايخ من كرامة آية الله العظمى  
 المحققين : الشافعي ، والعمري ، والصفهاني ، والعمري ، فمسلسلهم من روي في الإجازة  
 كما جازت له اتمام العظيمة ان يروي عن جميع معاني في علوم القرآن ، والتفسير ، والتأويل  
 واصول المنايا ، والحدائق ، والمدائح ، والتهنئة ، والسير ، والفتاوى ، والتمهيد ، والمن والادب  
 والادعية والزيارات وسائر العلوم العقلية والعملية ، واسئلة كالاتي وشرفي  
 فخرتي بالاجازة ، كما جرت عليه سلف الابرار والعلما والحناء في اجازة  
 التمام ، ان تم الاجازة بالسفاعة عند آباءه واجداده الطاهرين والسئلة  
 من ربه العلي الاعلى المنيرة والتوفيق للعقد في الدين وشكره وحسن  
 المعابة وان يجعلني عند لقائه مطمئناً راضياً مرضياً . لئلا يبناء الدائرة البعد  
 المعقبات في عصره العتيق ، يبر علي من الرضى المدرسي الذي يظن انه يظن في

٢٥  
 ١٣٦٢ هـ  
 يوم النيروز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْسَدَنَا بِآيَاتِهِ  
 الْقَوِيَّةِ وَحَجَّجَنَا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ إِلَى  
 الشَّرِيعَةِ الْمَرْضُوعَةِ وَالطَّرِيقَةِ  
 السَّوِيَّةِ وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِصَوْتِ  
 النِّعَمِ الْجَسِيمَةِ وَالْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ  
 وَمَنْ أَعْظَمَ النِّعَمِ وَأَسْنَى الْمَوَاهِبِ  
 وَجُودِ الْمُحَدِّثِينَ النَّاطِقِينَ الْمُرُوجِيِّينَ  
 لِشَرِيعَةِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَأَخْبَارِ  
 الْأُمَّةِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ  
 وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

۲

اما بعد فان العالم الفاضل المحمّد  
 الصالح الورع اللوزعی الأملعی  
 الشیخ حیدر علی الکریملائی ابد  
 الله تعالی ووفقه لمراضیه  
 التمسنی ان اجزله روایة الاخبار  
 المرویة عن الأئمة الأکابر الأبرار  
 صلی الله عزوجل علیهم ما اظلم  
 اللیل و اضاء النهار و هو حقیق بن  
 و اهل السلوک هذه المسالك  
 فاجبت و اجزته ان یروی عتی

ما جاز لي روايته بطرق المتعددة  
 عن مشايخي الكرام باسانيدهم  
 المنصلة الى الائمة البررة المحضين  
 الغظام عليهم الصلوة والسلام  
 ما جازني به العالم النحرير والحجرا  
 النجيب اسوة العلماء والمجاهدين  
 الحاج اقاميرزا محمد الاحمد آبادي  
 الشهير بالاحمد ابادي (طبيب)  
 وهذه صورة اجازته اكتبها  
 لان فيها فوائد جملة



۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَفَعَ قَدْرَ الْعُلَمَاءِ وَفَضَّلَ  
 مَدَادَهُمْ عَلَى دَمِ الشُّهَدَاءِ وَأَوْطَأَ  
 لَهُمْ أَجْنَحَ مَلَائِكَةِ السَّمَاءِ وَجَعَلَهُمْ  
 وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَأَمْنَاءَ عَلَى عِبَادِهِ  
 بَعْدَ الْحَبِجِّ وَالْأَوْصِيَاءِ وَخَصَّهُمْ بِآيَةٍ  
 إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ وَأَنَّ  
 مَنْ عَلَى مِنْ حَقِّهِ مِنْهُمْ أَرْبَعِينَ حَيْثُ  
 بَانَ بَعَثَهُ فِيهَا عَالِمًا يَوْمَ الْجَزَاءِ وَالْ  
 الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ  
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَمْنَاءِ  
 الَّذِينَ أَشْرَفَتْ بِأَنْوَارِ صِفَاتِهِمُ الشَّرِيعَةَ

٥  
 الغراء، وخلقنا لأجلهم الأرض والسماء  
 وما بينهما وما تحث الصخرة الصماء، و  
 على أوصيائه وعشرته الذين قرئهم  
 النبي صلى الله عليه وآله بالكتاب الذي  
 أنزل عليه من السماء حيث قال صلى  
 الله عليه وآله أتى تارك فيكم الثقلين  
 كتاب الله وعشرته ما إن تمسكتم بهما  
 إن تضلوا أبدا وفرض طاعتهم ومودتهم  
 على الخلائق وجعلهم رزق الأرض و  
 لعن من تخلف عنهم أو قدم لهم من الأعداء  
 أو لهم المنصوص بكلمة من كتب مولاه فهذا  
 علي مولاه والمنصوص بكرمته اليوم

اکملت لكم آه و بقوله تعالى وانتم في ام  
 الكتاب لدينا لعلی حکیم و لتسئلن  
 يومئذ عن النعيم ثم الحسن المزكي ثم  
 الحسين سيد الشهداء ثم علي بن الحسين  
 زين الأصفياء ثم محمد بن علي باقر علوي  
 الأقبياء ثم جعفر ابن محمد الصادق في  
 الأرض والسماء ثم موسى ابن جعفر سيد  
 الأقبياء والكاظم عن الأصفياء ثم علي ابن  
 موسى عن ربيب الغرباء ثم محمد ابن علي امام  
 الأئمة كبا ثم علي ابن محمد الهادي الى  
 طر بقى سواء ثم حسن ابن علي الشافع يوم  
 الجراء والمظهر عسكريه علي اشق الأصفياء  
 ثم سمي جدّه وكنيته ومظهر كما لا شك

٧  
 ومظهر احكامه واپائمه والمنتم من اعدائه  
 غوث الزمان صاحب العصر والزمان خاتم  
 الأوصياء الذي بعلا الله تعالى به الأرض  
 قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا  
 لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك  
 اليوم حتى يخرجهم ويظهره على الدين كله ولو كره  
 المشركون ذلك ابن النبي المصطفى وابن علي المرتضى  
 وابن فاطمة الزهراء وروحي له الفداء صلوات  
 الله عليهم اجمعين صلواته توجب لهم الرضا و  
 اللعن على اعدائهم والقاصين لحقوقهم و  
 المقدسين عليهم والمنكرين لفضائلهم وشؤونهم  
 الى يوم الجزاء وبعد فان من فضل الله تعالى  
 على العباد ان سهل لهم طريق السداد وبين

۱  
 لهم منبع الرشاد فجعل لدينه واحكامه حفظه  
 وعلما فضلاء مستودعين فصار ينقل الخلف  
 منهم عن السلف ما استودعوا من اهل العصمة  
 والشرف حفظا لها عن الضياع وصونا عن  
 الانقطاع والتلف واهتم اهل الدين والعلماء  
 في ضبط ما ورد عنهم ورواية اخبارهم واتباع  
 اثارهم خلفا عن سلف (ومن جملة من اقتدى  
 بهم واهتم في ضبط اثارهم واخبارهم واستند  
 في الزبير والذفاتر جناب السيد السند والحبر  
 المعتمد الناهج مناهج الرشاد والرشاد و  
 الدارج مدارج الفضل والتداد ذوالفهم  
 العالي والفكر الكافي نور عيون العلماء ومشكاة  
 طوب الفقهاء اللوزعي الامعي سيدنا المجدد  
 وسندنا الامجد (حاج انا محمد) جعل الله

٩ عواقب امره خيرا من اولمه وايد للزوج شريفة  
 جدّه وارشاد الغافلين وتذكر العالمين ابن  
 المرحوم المتفوق البرور السيد الفقيه العالم الكامل  
 والورع الناطق الباذل والمجاهد اعانت العيال  
 ذى الصانعة والتأليف الأنيقة والخصيصة  
 الرشيقه ابوالمكارم سيدنا الفضال صاحب  
 ابواب الجنات والمكبال العالم الرباز والحبر  
 الصمد في مولانا الزكي النقي الحاج ميرزا محمد  
 حشر الله تعالى مع النبي والوحي فانه دام توفيقه  
 مع اشتغاله في الأقيام واللباني بتحصيل العلم و  
 ارشاد الناس بالمواعظ ونشر آثاره الجادة الطاهرة  
 حفظه الله تعالى عن اعيين الحاسدين لم يخل عن  
 التأليف والتصنيف فاضد الف كتاب كتر المرام في  
 اعمال شهر الصيام مشتملا على وظائف الأنام في شهر

۱۰ الصیام محروبا علی تحقیقات علمیه و شیفته و  
 ندقیقات انبغه فلعمری مع انه وام ما پید  
 في عنقوان شبابه و اوائل اظهار شئونه و کماله  
 و وفق الامر خیر ماله من نظیر و کذا کتاب  
 مفتاح الشرف مصباح لشئونه و جلاله  
 فشکر الله سبحانه و جلده من حفظه اثار اهل  
 البيت و العصمة صلوات الله علیهم اجمعین  
 ثم انه حفظ الله تعالی و ابدا قد حضر عندی  
 من الزمان لمذاکره منا جر الشیخ الامتداد  
 فاستجارتی لحسن خدیجی فوجدته اهل جلیلا  
 فاجزته ثینا و ثیرا کلا لا یتظام فی سلك الرواه  
 و الا ندرج فی خربهم ان پروی عن الحفیر القوی  
 کلها صحیحی و ابینه و حسنتی در ابینه من کتب  
 الاخبار التي علیها المدار فی الامصار و الامصار

الكفاية والوفاء والنهذ بيب الأستبصار والنجاة  
 وبماتر الدرجات للصفار وسائر الكتب المعينة  
 عند أولى العلم والأبصار وكلها روى عن  
 مشايخي العظام وأسائيد الكرام عليهم رضوان  
 الله الملك العلام منهم الشيخ الفقيه العالم  
 الرياني والعالم الحبر الضيفاني أفند ففها عصره  
 اسناد المحققين تاهر الملة والدين بحمد الله  
 والمسلمين الحاكم القاضى السيد بد مجرى الحد  
 على المولى والعبيد مذكر أهل البقين بمواعظ  
 وكماله الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر و  
 القامع للمحدثين الذي صار مرجعاً للعلماء والشعراء  
 وانتهت إليه الرئاسة والأسبجاسة والقضاة  
 علم الأعلام أئمة الله الملك العلام أبو الأمل  
 والأبنام عز العلماء الاسلام حامي شريعة



صید الأنام مرغم افون اهل الفنون والأمام  
 شجنتنا واستنادنا الأعظم ومولانا المعظم  
 الوفي مولا محمد حسين المعروف بالفشارك  
 طاب الله رمسه الشريف عن شيخه  
 واستاده قبله اهل الدين وكعبة المسلمين  
 الشيخ زين العابدين المازندراني عن شيخه  
 واستاده استناد الفقهاء الكرام صاحب  
 الكلام عن شيخه العماد السيد جواد عن شيخه  
 البحر النبل والبحر العميق بحر العلوم عن شيخه  
 الأسلام انا محمد باقر الاستاد عن شيخه  
 محمد اكل عن شيخه المجلسي عن والده النقي محمد  
 عن بهاء الملة والدين الشيخ البهائي عن مشايخه  
 باستناده الكثرة الصحبة النقية المنبورة في كتابنا  
 المسني بالأربعين عن الأئمة الطاهرين صلوات الله عليهم

ومنهم الشيخ الفقيه العالم الزاهد العابد  
 الناطق الحام الواعظ الباكي المناجي ربه  
 في الأيام والليالي جامع المعقول والمنقول  
 ملاذ العلماء والمجاهدين العالم الرباني مولانا  
 الشيخ أبو الفضل الربزي اللخاني حشره الله مع  
 الأئمة الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين  
 عن شيخه وامته اسناد الصفياء والمجاهدين  
 رؤيس العلماء والمحققين حجة الاسلام والمسلمين  
 ابنه الله على العالمين العالم الرباني الحاج ميرزا  
 حبيب الله الخروزي الجبلافي باسناده المشهيرة  
 الى الأئمة الطاهرين المحفوظة في حقه ثم  
 اوصيك يا ولدي وقرّة عيني بثقوى الله  
 المنجي من الهلكات في المعاش والمعاد وان  
 تروى كل حديث تريد ان ترويه ثم ترويه

۱۶

فقال عليه السلام حديث ترويه خير من ألف  
 حديث ترويه والشمس منك وأصبعك إن لا نفساً  
 من السموات في الجبوة وبعد الممات سبما في  
 مظان الأجابات وفي الوثيرات وعقب الصلو  
 وإذا وقعت للنسب بأحد العنقات العالبا  
 للنسب يارات كما أوصاني بذلك مشايخي في طي  
 النصد بقات والأجازات فانه خير فغير الدعوى  
 في الجبوة والممات حرره العبد الأثم محمد بن أبو القاسم  
 الطبيب الشهير بالأحمد آبادي في ليلة الثالث من شهر  
 رجب المرجب من سنة ١٣٥٨ (أخوه الأعمى)

وانما الشمس منك الدعاء في الجبوة والممات  
 حرره (أخوه) محمد بن محمد بن موسى قتيبة آبادي

٢٤ زيجته الحرام ١٤٢٣ هـ

دفتر آیت الله شیرازی

مشهد مقدس

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره ...  
 تاریخ ...  
 شماره ...

الحمد لله الذي انزل حسن الحديث ليكون للعالمين نورا وهدى واستقام على الصواب  
 بالامر والنهي بالحق الذي يستبطن اشرف الرسل محمد بن عبد الله الأئمة والهداية المعصومة  
 وبسببها  
 انه لما كان علم الحديث بفقوه المشيخة وفضونه الهدى لمن استم علوم الشريعة الا ان نسبة  
 انصرف الى انظار الفطال من علماء الاسلام فلم من حديث فقهاء وناظر كسيرة وكاتب سير  
 بذل غاية الجهد في تدوينه وضمه وفسقه وتبريه حيث الفتت شيخة كتابه وهو المشيخة  
 اجماع الكبار والصغار فقهاء وتسم عليه اجزاهم .  
 ولما كان لا شك في سلسله رواة انا وبيت الرسول الا انظم والائمة الهداية المعصومين  
 وجمع الله اليهم من مصايح الدين واعلام النبي وذريته التي اولى الحق عليهم آلاف التحية والثناء والثناء  
 في زمره الحديث منهم مما تفيض في القاصون استجارتهم بغير الاسلام وليس صحيحه من غيرهم  
 في رواية كتاب الامار المغنفة والمودعة في جوامع الحديث من الكتب للربعة وغيره من الزواجر المغنفة  
 حيث كان بديرا في كتاب اجرة ان يروى عنى بالاطراف مهتدة لهم ، ما لم ينجح بغيره  
 حيث لا مجال فيما لم يخصص لهم بغيره الواحدة او ميسرة بل اقره التقوى الكاشفة  
 في السر والعلانية وان لا ينافي من مصايح الدعاء كما لا ان شاء الله  
 محمد بن  
 الزكي

٣٠ / قسمتي از كتاب «گزیده ای از فقه طه وال ياسين»

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، والصلاة والسلام على محمد سيد الانبياء والمرسلين ، وعلى آله  
الطيبين الطاهرين ، ولعنة الله على أعدائهم ومخالفيهم أجمعين إلى يوم الدين .  
وبعد ، فان شيخنا المجليل العلامة المحجة الشيخ حيدرة التريبي الكركلائي طلب اليّ وكرّر  
الطلب تواتراً منه أن أجيزه في الرواية ونقل الحديث المأثور عن أهل البيت عليهم السلام ، ولما  
رأيت إجابته ذرياً عليّ بتمام الصعوبة ورابطة الولاء الخالص عن الشوائب أجيزت له الرواية  
عني بطريقي المعروفة عن أعلامنا الأجلاء ، وأخص منهم بالذكر شيخني الثقة الأمين المؤمن  
الشيخ محمد حسن المعروف بالشيخ آقا بزرك الطهراني - تغمده الله بالرحمة والرضوان - بطريقه  
المذكور في ثبته المطبوع « الأستاد المصطفى إلى آل المصطفى » ، فلشيخ التريبي حفظه الله  
أن يروي عني عن مشايخي ما صحت في روايته ، ولذا رأيت بحاجة إلى وصية بشئ من  
لوائيم التحفظ على الموازين الصحيحة بهذا الشأن ، فانه حفظه الله عني عن التوجيه وسائر  
طريق الدقة ولوائيم الغرض الدمين .

أشهدنا الله تعالى جميعاً إلى ما فيه صلاح الدنيا والآخرة وجبتنا عن متابعة الأهواء  
وما يمسئ بدنياً ويشكل في معتقداتنا ، وهو خير موفى ومعين .

كتبت في يوم الأحد الثاني والعشرين من شعبان المعظم سنة ١٤٣٧ بيد المراجع عفو

السيد احمد الحسيني



ر به الشئ

## انحصار طریق وحی و عصمت آن

حضرت الله تبارک و تعالی فرموده است:

«... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (1).

... و تمام آنچه را که پیامبر برای شما آورده (بیاورد) بگیریید (پذیرفته و عمل کنید) و از آنچه شما را از آن نهی کرده (کند) خودداری کرده و از (نافرمانی) خدا بپرهیزید. همانا خداوند سخت کیفر است.

حضرت الله عزّ و جلّ فرموده است:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ . إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (2).

و او (پیامبر) هرگز از روی هوی سخن نمی گوید. همانا سخن او جز وحی نیست که (به وی) وحی می شود.

ص: 31

---

1- سوره (59) الحشر آیه 8.

2- سوره (53) التّجم آیه 4 و 5.

## احیاء امر آل محمد (صلی الله علیهم)

حدیث 1- عبد السلام بن صالح هروی گوید: از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا».

خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده بدارد.

عرض کردم: چگونه می شود امر شما را زنده داشت؟ فرمود:

«يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا، وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا».(1)

علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد، زیرا اگر مردم محاسن و تدارك کلام ما را بدانند بی گمان از ما پیروی کنند.

## محتمل حدیث آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کیست؟

2- شعیب حداد گوید: از امام جعفر صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

«إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصَعَبٌ، لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ اِمْتَحَنَ اللهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ أَوْ مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ».

البته حدیث ما سخت و سختی طلب است، آن را تحمل نمی تواند بکند جز؛ فرشته مقرب (درگاه الهی)، یا پیغمبر مرسل، یا بنده (مؤمنی) که خدا دلش را با ایمان آزموده

ص: 32

---

1- عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج 1 ص 307 ب 28 ح و معانی الأخبار: ص 180 ح 1. وسائل الشیعة: ج 27 ص 92 ب 8 ح 33297 - 52 از العیون، بحار الأنوار: ج 2 ص 30 ب 9 ح 13 از المعانی والعیون.

باشد، یا شهری بارودار (نفوذ ناپذیر).

عمر و از شعیب پرسید: ای شعیب! مقصود از مدینه حصینه (شهر با برج و بارو) چیست؟ گفت: من خود معنی آن را از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم به من فرمود:

«الْقَلْبُ الْمُجْتَمِعُ» (1).

(مقصود) دل خاطر جمع (و قلبی مطمئن به معرفت صحیح که بر اثر شک ها و هواها و شبهه ها متفرق نشده، و در او وهم داخل نشده باشد) است.

### قرآن و عترت دو یادگار و خلیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

3- حدیث ثقلین را رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) حدّ اقل در پنج زمان و مکان مختلف بیان فرمودند و روایات آن فوق حدّ تواتر است در منابع فرق، و جای هیچ شک و شبهه ای در صدور و متن آن نیست، و از آن هاست روایت ابن عباس که گوید: رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بر فراز منبر رفتند، و خطبه ای ایراد فرمودند و مردم گرد آن حضرت جمع شدند، پس فرمودند:

«يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ أَنِّي مَقْبُوضٌ وَأَنَّ ابْنَ عَمِّي عَلِيًّا مَقْتُولٌ وَإِنِّي أَيُّهَا النَّاسُ أُخْبِرُكُمْ خَبْرًا إِنَّ عَمَلَكُمْ بِهِ سَ لِمْتُمْ وَ إِن تَرَكْتُمْوه هَلَكْتُمْ إِنَّ ابْنَ عَمِّي عَلِيًّا هُوَ أَخِي وَ هُوَ وَزِيرِي وَ هُوَ خَلِيفَتِي وَ هُوَ الْمُبَلِّغُ عَنِّي وَ هُوَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ إِن اسْتَرَسَدْتُمْوه أُرْسَدَكُمْ وَ إِن تَبِعْتُمْوه نَجَوْتُمْ وَ إِن خَالَفْتُمْوه ضَلَلْتُمْ وَ إِن أَطَعْتُمْوه فَاللَّهِ أَطَعْتُمْ وَ إِن عَصَيْتُمْوه فَاللَّهِ عَصَيْتُمْ وَ إِن بَايَعْتُمْوه فَاللَّهِ بَايَعْتُمْ وَ إِن نَكَحْتُمْ بَيْعَتَهُ فَبَيْعَهُ اللَّهُ نَكَحْتُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ الْقُرْآنَ وَ هُوَ الَّذِي مَنْ خَالَفَهُ ضَلَّ وَ مَنْ ابْتَغَى عِلْمَهُ عِنْدَ غَيْرِ عَلِيٍّ هَلَكَ أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا قَوْلِي وَ اعْرِفُوا حَقَّ نَصِيحَتِي وَ لَا تَخْلَفُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَّا بِالَّذِي أُمِرْتُ بِهِ مِنْ

ص: 33

---

1- الأمالی، الشیخ الصدوق: ص 4 ح 6 و الخصال: ج 1 ص 207 ح 27 و معانی الأخبار: ص 189 ح 1. روضة الواعظین: ج 1 ص 211 و مختصر البصائر: ص 339 ح 18/372 از شیخ صدوق.



حَفِظْتَهُمْ فَإِنَّهُمْ حَامَتِي وَقَرَابَتِي وَإِخْوَتِي وَأَوْلَادِي وَإِنَّكُمْ مَجْمُوعُونَ وَمُسَاءِلُونَ عَنِ الثَّقَلَيْنِ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي فَمَنْ آذَاهُمْ آذَانِي وَمَنْ ظَلَمَهُمْ ظَلَمَنِي وَمَنْ أَدْلَهُمْ أَدَلَّنِي وَمَنْ أَعَزَّهُمْ أَعَزَّنِي وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنِي وَمَنْ نَصَرَهُمْ نَصَرَنِي وَمَنْ خَدَلَهُمْ خَدَلَّنِي وَمَنْ طَلَبَ إِلَهِي فِي غَيْرِهِمْ فَقَدْ كَذَّبَنِي أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ وَانظُرُوا مَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ إِذَا لَقِيتُمُوهُ فَإِنِّي خَصَمٌ لِمَنْ آذَاهُمْ وَمَنْ كُنْتُ خَصَمَهُ خَصَمْتُهُ أَقُولُ قَوْلِي هَذَا وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ» (1).

ای مؤمنان! همانا خداوند عز و جلّ به من وحی کرده است که من جان می دهم و پسرعمویم علی (علیه السلام) کشته می شود و همانا من ای مردم! به شما خبری می دهم که اگر بدان عمل کنید، سالم بمانید و اگر آن را وانهدید، هلاک شوید: همان پسرعمویم علی (علیه السلام)، او برادر و وزیر و جانشین من است و همانا اوست تبلیغ کننده از سوی من و اوست امام متقیان و رهبر دست و روسفیدان. اگر از او ره جویی کنید، شما را ره نماید و اگر از پی او روید، نجات می یابید و اگر با او مخالفت کنید، گمراه شوید و اگر از او اطاعت کنید، خدا را فرمانبرداری کرده اید و اگر از او نافرمانی کنید، خدا را نافرمانی کرده اید و اگر با او بیعت کنید با خدا بیعت کرده اید و اگر بیعت با او را بشکنید، بیعت خدا را شکسته اید. خداوند عز و جلّ قرآن را بر من فرو فرستاده و قرآن همان است که هرکس با او مخالفت کند، گمراه شود و هر که علم خود از نزد جز علی (علیه السلام) جوید، (بر اثر طی نمودن مسیر باطل)، هلاک شود. ای مردم! سخنم را بشنوید و حق اندرزم را بشناسید و پس از من با خاندانم جز آن که دستور حفظ آن ها را دادم، مخالفت نکنید؛ زیرا آنها حوزه (و پیرامون) من و خویشان و برادران و فرزندان من هستند. همانا (در قیامت) گرد هم خواهید آمد و در مورد ثقلین مورد بازرسی قرار خواهید گرفت. پس بنگرید پس از من

ص: 34

1- الأُمالي، الشَّيخ الصَّدوق: ص 64 المجلس 15 ح 11، التَّحسين: ص 598، بشارة المصطفى ص 39، مشارق أنوار اليقين: ص 52  
مرسل با اختلاف. نهج الإيمان: ص 154 و بحار الأنوار: ج 38 ص 94 ب 61 ح 10 از الأُمالي.

درباره ی آن ها چگونه رفتار می کنید. همانا آن ها خاندان من هستند، پس هرکس آن ها را بیازارد، مرا آزرده و هر که به آنان ستم کند، به من ستم کرده و هرکس آنان را خوار کند، مرا خوار کرده و هرکس آنان را عزیز بدارد، مرا عزیز داشته و هرکس آنان را گرامی بدارد، مرا گرامی داشته و هرکه آنان را یاری کند، مرا یاری کرده و هرکس آنان را خوار نماید، مرا خوار نموده است و هرکه از غیر آن ها هدایت بجوید، پس به درستی که مرا تکذیب کرده است. ای مردم! از (نافرمانی) خدا بپرهیزید و بنگرید آن گاه که او را ملاقات خواهید کرد، چه خواهید گفت. من خصم آن کسی هستم که آزارشان دهد و هرکس که من خصم وی باشم، او را مغلوب خواهم ساخت. این سخن خود را می گویم و از خدا برای خود و شما آمرزش می جویم.

4- رسول الله (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمودند:

«إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ، وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ - وَجَمَعَ بَيْنَ مُسَدِّ بَحْتِيهِ - وَلَا - أَقُولُ كَهَاتَيْنِ - وَجَمَعَ بَيْنَ الْمُسَدِّ بَحْتِهِ وَالْوُسْطَى - فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَا تَزَلُّوا وَلَا تَضِلُّوا، وَلَا تَقْدَمُوهُمْ فَتَضِلُّوا» (1).

به درستی که دو چیز را برای شما به یادگار می گزارم، تا آن هنگام که به آن دوروی آورید (از ایشان پیروی نمایید)، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خداوند و عترتم، اهل بیت من؛ زیرا خداوند مهربان و آگاه، با من عهد نموده است که آن دو هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا زمانی که در کنار حوض کوثر، همچون این دو انگشتم، بر من وارد شوند (و در این حال پیامبر دو انگشت تسبیح گو (اشاره) را کنار هم قرار داد) و نه همچون این دو انگشت (و انگشت اشاره و وسط را کنار هم قرار داد و هیچ کدام از آن دو بر دیگری

ص: 35

---

1- الکافی: ج2 ص 414 باب أدنی ما یكون به العبد مؤمنا... ح 1.

پیشی نخواهد گرفت. پس به آن دو چنگ زنید (از آنان پیروی نمایید) و دور و گمراه نشوید و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد.

و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (وَاعْلَمُوا أَن عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَكُمْ أَفْضَلُ) مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لِأَنَّهُ مُتْرَجَمٌ لَكُمْ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى» (1).

به درستی که دو چیز گران بها (که مسئولیت آن ها سنگین است) را در میان شما به جا می گذارم: کتاب الله و علی بن ابی طالب را، و همانا علی بن ابی طالب او برای شما از کتاب الله افضل (بهتر) است، زیرا به تحقیق او برای شما ترجمه (و تفسیر کننده و زبان) از کتاب الله می باشد.

### اهمیت و جایگاه معرفت و ولایت اهل بیت اطهار (علیهم السلام)

5- حذیفة بن اسید غفاری گوید: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«يَا حَذِيفَةُ إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْكُفْرُ بِهِ كُفْرٌ بِاللَّهِ وَالشِّرْكُ بِهِ شِرْكٌ بِاللَّهِ وَالشُّكُّ فِيهِ (بِهِ) شَكٌّ فِي اللَّهِ وَالْإِلْحَادُ فِيهِ إِلْحَادٌ فِي اللَّهِ وَالْإِنْكَارُ لَهُ إِنْكَارٌ لِلَّهِ (بِاللَّهِ) وَالْإِيمَانُ بِهِ إِيْمَانٌ بِاللَّهِ لِأَنَّهُ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَوَصِيُّهُ وَإِمَامُ أُمَّتِهِ وَمَوْلَاهُمْ وَهُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَعُرْوَةُ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَسَيَهْلِكُ فِيهِ اثْنَانِ وَلَا ذَنْبَ لَهُ مُحِبُّ عَالٍ وَمُقَصِّرٌ (و مُبْغِضٌ) يَا حَذِيفَةُ! لَا تُفَارِقَنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَتُفَارِقَنِي وَلَا تُخَالَفَنَّ عَلِيًّا فَتُخَالَفَنِي إِنَّ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ مَنْ أَسْحَطَهُ فَقَدْ أَسْحَطَنِي وَمَنْ أَرْضَاهُ فَقَدْ أَرْضَانِي» (2).

ای حذیفة! همانا پس از من، حجّت خدا بر شما علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. کافر شدن (نسبت به جایگاه او)، مانند کافر شدن نسبت به خداست و شریک قرار دادن کسی با

ص: 36

1- مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة (عليهم السلام): ص 116 المنقبة 16.

2- الأملی، الشیخ الصدوق: ص 197 المجلس 36 ح 2، جامع الأخبار: ص 13 الفصل 5. بحار الأنوار: ج 38 ص 97 ب 61 ح 14 از الأملی.

او در جایگاه وی، شرک به خداست. شک کردن در منزلت ها و جایگاه او، شک به خدا و الحاد ورزیدن در مورد او الحاد به خداوند و انکار (برتری ها و منزلت های او)، انکار خداست و ایمان به (ولایت) او، ایمان به خداوند است؛ زیرا او برادر پیامبر خدا و جانشین او و امام (پیشوای) امت او و مولای (سرور) آنان است و اوست ریسمان محکم و ناگسستی خداوند. و به زودی در مورد او دو گروه به هلاکت خواهند افتاد، در حالی که او در این مورد گناهی ندارد: گروه اول: دوست دار غلوکننده و گروه دوم: آنان که در مورد منزلت های او، کوتاهی کنند. ای حذیفة! از علی (علیه السلام) جدا مشو که اگر چنین کنی، از من جدا شده ای، و با علی (علیه السلام) مخالفت نکن که اگر چنین کنی، با من مخالفت ورزیده ای. همانا علی (علیه السلام) از من است و من از اویم. هر که او را به غضب آورد، پس به تحقیق مرا به غضب آورده است و هر که او را خشنود سازد، پس به تحقیق مرا خشنود ساخته است.

6- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: ابن الکوّاء نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و عرض کرد (از معنی این آیه پرسید):

«وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ».

براعراف مردانی باشند که همه را از رخسارشان می شناسند.

(به چه معناست؟) فرمود:

«نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسِيمَاهُمْ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يَعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَعَرَفْنَاهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَنَا وَأَنْكَرْنَاهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَصِيْرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَايَتِنَا أَوْ فَضَلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ فَلَا

سَوَاءٌ مَنِ اعْتَصَمَ النَّاسُ بِهِ وَلَا سَوَاءٌ حَيْثُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونٍ كَدِرَةٍ يُفْرَعُ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ وَذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا إِلَى عُيُونٍ صَافِيَةٍ تَجْرِي بِأَمْرِ رَبِّهَا لَا تَفَادُ لَهَا وَلَا انْقِطَاعًا» (1).

ما (اهل بیت) بر اعراف هستیم. یاران خود را از چهره هایشان می شناسیم. ما هستیم اعراف که خداوند عزّ و جلّ جز از راه معرفت ما، شناخته نمی شود. و ما هستیم اعراف که خداوند عزّ و جلّ، روز قیامت (جایگاه) ما را روی صراط می شناساند. بنابراین وارد بهشت نخواهد شد مگر آن که (منزلت های) ما را بشناسد (علم و اقرار داشته باشد) و ما او را (به این ویژگی) بشناسیم. و وارد آتش نخواهد شد مگر آن که (منزلت های) ما را انکار کند و ما (علم و ایمان) او را انکار کنیم. همانا خداوند تبارک و تعالی، اگر اراده می نمود، خود را (بی واسطه) به بندگان می شناساند، اما (چنین اراده نفرمود، بلکه) ما را درها و راه و مسیر (شناخت) خود، قرار داد. (ما اهل بیت را، واسطه و راه شناخت خود و وسیله رسیدن به فیوضات (معرفتی و قربی و حبّی) خود قرار داد). و ما را همان جهتی قرار داد که باید از آن سو به خدا روی آورده و توجه کنند. پس کسانی که از ولایت (و هدایت) ما سرباز زنند، یا دیگر آن را بر ما برتری دهند،

فَاتَّهَمَ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ» (2).

پس همانا آنان از (دریافت حقیقت) صراط مستقیم دور افتادند.

هرگز برابر نیستند آنان که مردم به آن ها پناه می برند (اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم))، با آنان که خود محتاج پناهندگی به دیگران (جز رهبران معصوم) هستند؛ زیرا اینان به سوی چشمه های آب تیره و اندک که از چشمه ای به چشمه ی دیگر می ریزد، رفتند و آن کسانی که به سوی ما (اهل بیت (علیهم السّلام))، برای دریافت معارف) آمدند، به سوی چشمه های صاف و زلالی روی آوردند که آب آن ها به فرمان پروردگار جاری است و پایانی ندارد و همواره جاریست.

7- اصبع بن نبأة گفت: خدمت مولا امیرالمؤمنین (علیه السّلام) نشسته بودم که ابن الکوّاء وارد

ص: 38

1- الکافی: ج 1 ص 184 باب معرفة الإمام و الرّدّ إليه ... ح 9 و بصائر الدّرجات: ص 497 ب 16 ح 8، منتخب البصائر: ص 55، تفسیر فرات: ص 142 ح 142-174.

2- سوره (23) المؤمنون آیه 74: «وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ».

شد، عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! این کلام خداوند عزّ و جلّ:

«وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا».

و نیکی آن نیست که از پشت (جز مسیر اصلی)، وارد خانه ها شوید، بلکه نیکی آن است که تقوا پیشه کنید و از درب خانه ها، وارد آن شوید.

(چه معنایی دارد؟) فرمود:

«نَحْنُ الْبُيُوتُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُوتَى مِنْ أَبْوَابِهَا وَ نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ بُيُوتُهُ الَّتِي يُوتَى مِنْهُ فَمَنْ بَايَعَنَا وَ أَقْرَبَ بَوْلًا يَتَنَا فَقَدْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ مَنْ خَالَفَنَا وَ فَضَلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَقَدْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا» (1).

ما همان خانه هایی هستیم که خداوند دستور داده از درب آن وارد شوید. ما درب خانه های خدا هستیم که از آن باید به سوی او رفت. هرکس با ما بیعت کند و به ولایت ما اقرار نماید، خانه ها را از در آن وارد شده است و هر کس با ما مخالفت کند و دیگری را بر ما مقدم دارد، از پشت وارد خانه ها شده است.

8- مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصیتی به کمیل فرمودند:

«... يَا كَمَيْلُ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ ، وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ . يَا كَمَيْلُ ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . يَا كَمَيْلُ لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا ، تَكُنْ مِنَّا...» (2).

ای کمیل! دانشی نیست مگر این که من آن را گشودم و هیچ چیزی (رازی) نیست مگر این که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن را به پایان خواهد رساند. ای کمیل! (این است مقصود از «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». ذرّیه ای که بعضی از آن ها از بعضی دیگرند، و خدا شنوا و داناست، تمام اهل بیت (علیهم السلام) چنین هستند). ای کمیل! جز از ما (معارف را) نگیر تا

ص: 39

1- الاحتجاج: ج 1 ص 227، مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام): ج 2 ص 24، تفسير فرات: ص 142 ح 174-142. بحار الأنوار: ج 23 ص 328 ب 19 ح 9 از الإحتجاج، و ج 24 ص 248 ب 62 ح 2 و ج 4 ص 205 ب 94 ح 12 از المناقب از امیرالمؤمنین و امام محمد باقر (عليهما السلام).

2- تحف العقول، ص 171، بشارة المصطفى: ص 24. وسائل الشيعة: ج 27 ص 103 ح 33328 از تحف العقول.

9- حضرت امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) در خطبه ای فرمودند:

«... وَابْعُدُوا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - مِمَّنْ أَخْفَى الْغَدْرَ وَطَلَبَ الْحَقَّ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ فَتَاهُ...» (1)

... و دوری گزینید؛ خدا شما را رحمت کند، از آن که بی وفایی (و مکر) خود را مخفی کرده و حق را از غیر اهل حق، طلب نموده و گمراه شده است ...

10- امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقِّ وَ مَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقِنَا غَرِقَ...» (2)

هرکس پیرو آثار ما شود، به ما پیوسته است و هرکه از غیر راه ما رود، غرق شود.

11- امام علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) فرمودند:

«... مَنْ فَارَقَنَا هَلَكَ وَ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَ الْجَاهِدُ لَوْلَا يَتَنَا كَافِرٌ وَ مُتَّبِعُنَا وَ تَابِعَ أَوْلِيَانِنَا مُؤْمِنٌ لَا يُحِبُّنَا كَافِرٌ وَ لَا يُبْغِضُنَا مُؤْمِنٌ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ مُحِبُّنَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَهُ مَعَنَا نَحْنُ نُورٌ لِمَنْ تَبِعَنَا وَ نُورٌ لِمَنْ افْتَدَى بِنَا مَنْ رَغِبَ عَنَّا لَيْسَ مِنَّا وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ الدِّينَ وَ بِنَا يَخْتِمُهُ وَ بِنَا أَطْعَمَكُمُ اللَّهُ عُسْبَ الْأَرْضِ وَ بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ فِطْرَ السَّمَاءِ وَ بِنَا أَمَنَكُمُ اللَّهُ مِنَ الْغَرَقِ فِي بَحْرِكُمْ وَ مِنَ الْخُسْفِ فِي بَرْكُمُ وَ بِنَا نَفَعَكُمُ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ وَ فِي قُبُورِكُمْ وَ فِي مَحْشَرِكُمْ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ دُخُولِكُمُ الْجَنَّةِ...» (3)

... هر کسی که از ما [اهل بیت] جدا شود هلاک گردد، و کسی که از ما پیروی کند نجات یابد، و جدا شونده از ما و منکر ولایت ما کافر است ... ما [اهل بیت] نوری روشنگر برای کسی که از ما پیروی کند هستیم، و هدایت هستیم برای کسی که بخواهد به ما هدایت شود، و هرکس که با ما [اهل بیت] نباشد [در راه و پیرو ما نباشد] از اسلام نصیب و بهره ای ندارد. همانا خدا به سبب ما دین را گشوده و به سبب ما به اتمام

ص: 40

1- بحار الأنوار: ج 29 ص 558 - از کتاب الإرشاد لكيفية الطلب في أئمة العباد تصنيف محمد بن الحسن الصفار.

2- الخصال، حديث الأربعة: ج 2 ص 626 ح 10. از او: بحار الأنوار: ج 27 ص 88 ب 4 ح 39 و ج 10 ص 104 ب 7 ح 1.

3- تفسير القمي: ج 2 ص 104 - فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعَ أَسْأَلُ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»، فَكَتَبَ إِلَيَّ الْجَوَابَ: أَمَا بَعْدُ. وَ تَفْسِيرُ فِرَاتِ الْكُوفِيِّ: ص 283 ح 388 - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَرَزَارِيُّ مُعْتَمِدًا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: أَخْرَجَ إِلَيْنَا صَحِيفَةً فَذَكَرَ أَنَّ أَبَاكَ كَتَبَ إِلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ كَبِرْتُ وَ صَعُفْتُ وَ عَجَزْتُ عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا كُنْتُ أَقْوَى عَلَيْهِ فَأُحِبُّ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَنْ تُعَلِّمَنِي كَلَامًا يَقْرُبُنِي مِنْ رَبِّي وَ يَزِيدُنِي فَهْمًا وَ عِلْمًا. فَكَتَبَ إِلَيْهِ قَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِكِتَابٍ فَأَقْرَأْهُ وَ تَفَهَّمْهُ... قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... مَانَد تَفْسِيرِ قَمِي بَا اِنْدَك اِخْتَلَفِي. وَ تَفْسِيرُ فِرَاتِ الْكُوفِيِّ: 285 ح 385 - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جُنْدَبٍ إِلَيَّ

عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَجِبْتُ فِيمَا كَانَتْ فِي [إِنْ] فِي ضَعْفِ فَقَوَّيْتُ قَالَ فَأَمَرَ عَلِيُّ الْحَسَنَ ابْنَهُ أَنْ يَكْتُبَ إِلَيْهِ كِتَابًا قَالَ فَكَتَبَ الْحَسَنُ: ... مَنْ فَارَقَنَا هَلَكٌ - مانند تفسیر قمی با اندک اختلافی - .



می رساند، و به سبب ما به شما از گیاهان زمین روزی می دهد، و همانا خداوند به سبب ما قطرات آب را از آسمان برای شما فرو می فرستد، و خداوند به خاطر ما [و انتساب شما به ما] شما را از غرق شدن در دریای تان و فرورفتن در بیابانتان حفظ می نماید، و خداوند در زندگانی دنیا و در میان قبر و در روز محشر و هنگام عبور از پل صراط و هنگام ارزش گذاری اعمال و هنگام وارد شدن شما در بهشت، به سبب ما، شما را نفع می رساند ...

12- حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ. فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَعْني الْوَلَايَةَ» (1).

اسلام روی پنج پایه نهاده شده: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به هیچ چیز مانند ولایت فریاد زده نشد؛ (اما) مردم آن چهارتا را گرفتند و این یکی. ولایت. را رها کردند.

13- امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَحِجِّ الْبَيْتِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَجُعِلَ فِي أَرْبَعٍ مِنْهَا رُحْصَةٌ وَلَمْ يُجْعَلْ فِي الْوَلَايَةِ رُحْصَةٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ لَمْ تَكُنْ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَالٌ فَلَيْسَ عَلَيْهِ حَجٌّ وَمَنْ كَانَ مَرِيضاً صَلَّى قَاعِداً وَأَفْطَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَالْوَلَايَةَ صَحِيحاً كَانَ أَوْ مَرِيضاً وَذَا مَالٍ أَوْ لَا مَالٌ لَهُ فَهِيَ لِأَزْمَةِ (وَاجِبَةٌ). (2).

اسلام بر پنج پایه استوار شده است: بر پاداشتن نماز، به مصرف رساندن زکات، حج خانه کعبه، روزه ماه رمضان، ولایت (مخصوصاً برای) ما اهل بیت، در چهار قسمت از این احکام تخفیفی منظور شده است ولی در دوستی ما تخفیفی نیست. کسی که ثروتی

ص: 41

1- الکافی: ج 2 ص 18 باب دعائم الإسلام... ح 3 والمحاسن: ج 1 ص 286 ب 46 ح 429.

2- الخصال: ج 1 ص 277 ح 21. از او: وسائل الشیعة: ج 1 ص 23 ب 1 ح 24 و بحار الأنوار: ج 65 ص 376 ب 27 ح 21.

نداشته باشد، پرداخت زکات بر او واجب نیست و کسی که هزینه موجود نداشته باشد، حج بر او واجب نیست. و کسی که بیمار باشد، باید نماز را نشسته بخواند و روزه ماه رمضان را افطار کند. اما در مورد ولایت، شخص سالم باشد یا بیمار، ثروت مند باشد یا مالی در اختیار نداشته باشد، (در هر صورت) ولایت بر او لازم و واجب است.

14- سلیمان بن خالد گوید: مردی از اهل بصره از امام باقر (علیه السلام) چنین پرسید: همانا عثمان اعمی (کور) از حسن (بصری) روایت می کند که او گفته است: آنان که علم را پنهان می کنند، بوی ناخوشایند شکم آنان، اهل آتش (جهنمیان) را آزار می دهد. شنیدم امام (علیه السلام) در پاسخ او فرمودند:

«فَهَلْكَ إِذَا مُؤْمِنٌ آلِ فِرْعَوْنَ كَذَبُوا إِنَّ ذَلِكَ مِنْ فُرُوجِ الرُّنَاهِ وَ مَا زَالَ الْعِلْمُ مَكْتُومًا قَبْلَ قَتْلِ ابْنِ آدَمَ فَلْيَذْهَبِ الْحَسَنُ يَمِينًا وَ شَيْءًا مَالًا لَا يُوجَدُ الْعِلْمُ إِلَّا عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) نَزَلَ عَلَيْهِمْ جِبْرَائِيلُ.» (1)

بنابراین سخن او، مؤمن آل فرعون (که علم خویش را پنهان می داشت) هلاک شده است؟ آنان دروغ می گویند. آن بوی ناخوشایند (که اهل جهنم را می آزارد)، بوی عورت زناکاران است. و همواره پیش از کشته شدن فرزند آدم (هابیل)، علم پنهان بوده است (حاملان آن، بسیار کم بوده اند). پس حسن، (در پی علم) به راست و چپ برود. علم جز در نزد اهل بیتی (علیهم السلام) که جبرئیل بر آنان نازل شده است، جایی دیگر یافت نخواهد شد.

15- ابوبصیر گوید: از امام محمد باقر (علیه السلام) درباره شهادت زنازاده پرسیدم که آیا پذیرفته می شود؟ فرمود: نه. گفتیم: حکم بن عتیبه می پندارد که پذیرفته می شود، پس حضرت فرمود:

«اللَّهُمَّ لَا تَغْفِرْ لَهُ ذَنْبَهُ مَا قَالَ اللَّهُ لِلْحَكَمِ: «إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تَسْأَلُونَ» فَلْيَذْهَبِ الْحَكَمُ يَمِينًا وَ شَيْءًا مَالًا فَوَاللَّهِ لَا يُوجَدُ الْعِلْمُ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) نَزَلَ عَلَيْهِمْ جِبْرَائِيلُ.» (2)

ص: 42

1- بصائر الدرجات: ص 10 ب 6 ح 5. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 91 ب 14 ح 17.

2- الكافي: ج 1 ص 400 ح 5، بصائر الدرجات: ص 9 ب 6 ح 3. بحار الأنوار: ج 2 ص 91 ب 14 ح 19 و ج 101 ص 317 ب 3 ح 13.

خدایا! گناه او را بروی مورد بخشش قرار نده. خداوند به حکم نغموده است: «إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ»، (بلکه این مطلب را به پیامبر فرموده است). بنابراین حکم، باید به راست و چپ (خاور و باختر) روی آورده (به هر دری بزند). پس به خدا سوگند! علم و دانش (درست و بدون خطا و اشتباه) را جز از خانواده ای که جبرئیل بر آنان فرود آمده است، به دست نخواهد آورد.

16- حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) به سلمة بن کُهیل و حکم بن عتیبه فرمودند:

«شَرِّقًا وَ غَرِّبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ». (1)

(در جستجوی علم) به شرق و غرب عالم بروید. هرگز هیچ علم صحیحی (خالی از اشکال) نمی یابید مگر آنچه از جانب ما اهل بیت خارج می شود.

17- زید شحام گوید: از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر سخن خداوند عز و جل: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ». پس بایسته است که آدمی به خوراک خود نظر کند». عرضه داشتم: مقصود از «خوراک انسان» در این آیه چیست؟ فرمود:

«عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ». (2)

(مقصود) علمی است که اخذ می کند (و بر اساس آن ایمان می آورد)، بنگرد از چه کسی اخذ می کند.

18- زراره گوید: خدمت حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) بودم که مردی از اهل کوفه از آن حضرت درباره کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) که فرمود: «سَلُونِي عَمَّا سِئْتُمْ، وَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِهِ». هر چه خواهید از من پرسید، پس درباره چیزی از من نخواهید پرسید جز آن که شما را به آن خبر دهم»، پرسید، حضرت در پاسخ فرمود:

«إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاؤُوا، فَوَاللَّهِ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنْ هَاهُنَا». (3)

ص: 43

1- الكافي: ج 1 ص 399 ح 3، بصائر الدرجات، ص 10 ب 6 ح 4. از هردو: بحار الأنوار: ج 2 ص 92 ب 14 ح 20 و ج 46 ص 335 ب 8 ح 21.

2- الكافي: ج 1 ص 49 باب التوادر ... ح 8.

3- الكافي: ج 1 ص 399 باب أنه ليس شيء من الحق في ... ح 2.

همانا هیچ کس نیست که درباره چیزی بداند جز آن که این دانش او از نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) خارج شده است. بایسته است که مردم هر کجا خواهند بروند. پس به خدا سوگند! علم درست جز اینجا نیست». و در این حال، حضرت، با دست خود، به خانه خود اشاره فرمود. (مقصود خانه نبوت است).

19- حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) درباره آیه کریمه: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پس اگر نمی دانید از اهل ذکر پرسید» فرمود: رسول الله (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمود:

«الذِّكْرُ أَنَا، وَ الْأَيْمَةُ أَهْلُ الذِّكْرِ»

مقصود از «الذکر» من هستم، و امامان (معصوم) اهل ذکر می باشند.

و حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) درباره سخن الله تعالی: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» و همانا آن (قرآن) ذکر است برای تو و برای قوم تو و بزودی پرسیده شوید» فرمود:

«نَحْنُ قَوْمُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ» (1).

ما (اهل بیت نبوت) قوم او (رسول الله (صلی الله علیه وآله و سلم)) هستیم، و آنان که (باید مرجع علمی و) مورد سؤال قرار گیرند ما هستیم.

20- حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«عَشْرٌ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حُجُّ الْبَيْتِ وَ الْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ اجْتِنَابُ كُلِّ مُسْكِرٍ» (2).

ده چیز است که هرکس (هنگام مرگ) خداوند عز و جل را با (ایمان و عمل به) آن ها ملاقات نماید، داخل بهشت خواهد شد: گواهی دادن به این که خدایی جز الله نیست، و این که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر اوست. و اقرار به آنچه که او از جانب خدای عز و جل آورده

ص: 44

---

1- الكافي: ج 1 ص 210 باب أن أهل الذِّكْرِ الَّذِينَ ... ح 1، بصائر الدرجات: ص 40 ب 19 ح 13 ... عن أبي جعفر (عليه السلام) في قول الله تعالى: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): ... الْأَيْمَةُ هُمْ أَهْلُ الذِّكْرِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» قَالَ نَحْنُ قَوْمُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ. وَ بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ: ص 37 ب 18 ح 6 ... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» قَالَ الذِّكْرُ الْقُرْآنُ وَ نَحْنُ قَوْمُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ. وَ بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ: ص 37 ب 18 ح 1 و الكافي: ج 1 ص 211 باب أن أهل الذِّكْرِ ... ح 5 ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» وَ تَفْسِيرِ الْقَمِي: ج 2 ص 286 ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُهُ: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» فَقَالَ: الذِّكْرُ الْقُرْآنُ، وَ نَحْنُ قَوْمُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ.

2- ثواب الأعمال: ص 14، الخصال: ج 2 ص 432، المحاسن: ج 1 ص 13 ب 8 ح 38، بشارة المصطفى: ص 269. بحار الأنوار: ج 27 ص 53 ب 1 ح 5 و ج 65 ص 377 ب 27 ح 24.

است. و به پا داشت نماز، پرداخت زکات، روزه ی ماه رمضان، به جا آوردن حج، و ولایت اولیاء خدا و بیزاری جستن از دشمنان خداوند و پرهیز کردن از هر چیز مست کننده ای .

21- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ)» (1).

اسلام بر پنج ستون بنا شده است. بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) و امامان از فرزندان او (صلوات الله علیهم).

22- عبدالرحمان بن کثیر می گوید: از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) در مورد آیه: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» پرسیدم، فرمود:

الذِّكْرُ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، وَنَحْنُ أَهْلُهُ الْمَسْئُولُونَ».

«ذکر» محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است و ما «اهل ذکر» و پرسش شوندهگان هستیم.

ابن کثیر می گوید: عرض کردم: (مراد از ذکر در این سخن خدا: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» چیست؟ فرمود:

«إِيَّانَا عَنِي، وَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ» (2).

مقصود خداوند ما هستیم و ما «اهل ذکر» هستیم و ما هستیم آنان که مورد سؤال قرار می گیرند (مرجع علمی).

23- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«وَاللَّهِ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ خَيْرَةً فِي اتِّبَاعِ غَيْرِنَا وَإِنَّ مَنْ وَافَقَنَا خَالَفَ عَدُوَّنَا وَمَنْ وَافَقَ عَدُوَّنَا فِي قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَلَا نَحْنُ مِنْهُمْ» (3).

به خدا سوگند! خداوند برای هیچ کس اختیاری برای پیروی از غیر ما (اهل بیت (علیهم السلام)) قرار نداده است. به درستی که هر کس موافق ما باشد، با دشمنان ما مخالفت می کند و کسی

ص: 45

1- الأمالی، الشیخ الصدوق: ص 268 المجلس 45 ح 14، و فضائل الأشهر الثلاثة: ص 86 ح 65 و ص 112 ح 106، و روضة الواعظین: ج 1 ص 42 باب فی فضل التوحید. وسائل الشیعة: ج 1 ص 25 ب 1 ح 29 و بحار الأنوار: ج 65 ص 376 ب 27 ح 22 از الأمالی، و بحار الأنوار: ج 93 ص 257 ب 30 ذیل حدیث 39 از الفضائل.

2- الکافی: ج 1 ص 210 ح 2. از او: وسائل الشیعة: ج 17 ص 64 ب 7 ح 3320.

3- وسائل الشیعة: ج 27 ص 119 ب 9 ح 33366 از رساله الزاوندی قدس سره فی أحوال أحادیث أصحابنا (رضی الله عنهم).

که با دشمنان ما در گفتار و کردار، موافقت کند، به سبب پیروی از دشمنان ما، از ما نیست و ما از او نیستیم.

24- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«... یا یونس! إذا أزدت العلم الصحيح فعندنا أهل البيت؛ فإنا ورثناه وأوتينا شرع الحكمة وفصل الخطاب».

ای یونس! اگر خواستار علم صحیح هستی، (بدان) نزد ما اهل بیت (علیهم السلام) است. پس به درستی که ما وارث علم صحیح هستیم، و شرح حکمت و فصل الخطاب (داوری) به ما داده شده است».

(راوی گوید:) عرض کردم: ای فرزند پیامبر خدا! (آیا) هرکس از اهل بیت (علیهم السلام) باشد، آنچه را اهل بیت از فرزندان علی و فاطمه (علیهما السلام) (امامان اهل بیت (علیهم السلام))، ارث برده اند (ودیعت های علم و امامت را به ارث می برند؟ فرمود:

«ما ورثته إلا الأئمة الاثنا عشر».

جز امامان دوازده گانه هیچ شخص دیگری، این میراث را به ارث نمی برد.

عرض کردم: ایشان را برایم نام ببرید، ای فرزند پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم). فرمودند:

«أولهم علي بن أبي طالب وبعده الحسن والحسين وبعده علي بن الحسين ومحمد بن علي ثم أنا وبعدي موسى ولدي وبعده موسى علي ابنه وبعده علي محمد وبعده محمد علي وبعده علي الحسن وبعده الحسن الحجة اصطفانا الله وطهرنا وأوتينا ما لم يؤت أحداً من العالمين».

(1)...

اول آنها علی بن ابی طالب علیه السلام است و پس از او حسن و حسین و پس از ایشان، علی بن الحسین و بعد از او محمد بن علی باقر، سپس منم، و پس از من فرزندانم

ص: 46

موسى، و پس از موسى، فرزندش على، و پس از على، محمد، و بعد از محمد على است و پس از على، حسن و پس از حسن، حجت است. خداوند ما را برگزيده و پاكيژه نموده است و آنچه را به هيچ يك از جهانيان نداده، به ما عطا فرموده است.

25- حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام) به يونس بن ظبيان فرمود:

«يَا يُونُسُ إِذَا أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ فَخُذْ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَإِنَّا رَوَيْنَاهُ وَأُوتِينَا شَرَحَ الْحِكْمَةِ وَفَصَلَ الْخِطَابِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَانَا وَآتَانَا مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (1).

ای یونس! هرگاه علم صحیح خواستی از اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) بگیر. علم را به ما داده اند و حکمت و فصل الخطاب (آشنایی به همه زبان ها) را برای ما تشریح کرده اند، خداوند ما را برگزيده و به ما داده است چیزی که به هيچ کس در جهان نداده است.

26- حضرت امام جعفر صادق عليه السلام فرمود:

«كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مِنْ شِيعَتِنَا وَهُوَ مُتَمَسِكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا» (2).

دروغ گوید آن که گمان می کند از شیعیان ماست، حال آن که به غیر ما تمسک می جوید.

و فرمود:

«كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُنَا وَهُوَ مُتَمَسِكٌ بِعُرْوَةِ غَيْرِنَا» (3).

دروغ می گوید آن که می پندارد (حقوق و منزلت) ما را می شناسد در حالی که به ريسمان دیگری چنگ زده است (احکام، معارف و علوم را از غیر ما اخذ می کند).

27- علی بن سويد سائی گفت: حضرت ابوالحسن اول (موسی بن جعفر عليه السلام)) هنگامی که در زندان بودند به من نوشتند:

وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ يَا عَلِيُّ مِمَّنْ تَأْخُذُ مَعَالِمَ دِينِكَ لَا تَأْخُذَنَّ مَعَالِمَ دِينِكَ عَنْ غَيْرِ شَيْعَتِنَا فَإِنَّكَ إِن تَعَدَّيْتَهُمْ أَخَذْتَ دِينَكَ عَنِ الْخَائِنِينَ الَّذِينَ خَانُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَخَانُوا

ص: 47

1- بحار الأنوار: ج 26 ص 158 ب 11 ح 5 از کتاب المحتضر از کتاب سيّد حسن كبش: باسناده إلى يونس بن ظبيان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) أنه قال له:.

2- صفات الشيعة: ص 3 ح 4.

3- معاني الأخبار: ص 399 باب نوادر المعاني ... ح 57.



أَمَّا تَبِعَهُمْ إِنَّهُمْ أُوتِمُوا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ جَلَّ وَعَلَا فَحَرَفُوهُ وَبَدَّلُوهُ فَعَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ رَسُولِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ لَعْنَةُ آبَائِي الْكَرَامِ الْبَرَّةِ وَ لَعْنَتِي وَ لَعْنَةُ شِيعَتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (1)

ای علی (بن سوید)! و اما آنچه ذکر کردی در این مورد که از چه کسی نشانه های راه دینت را فراگیری: نشانه های دین خود را از غیر شیعیان ما فرا نگیر؛ زیرا همانا اگر از ایشان تجاوز نمایی (راه شریعت را از آنان یاد نگیری، احکام) دینت را از خیانت کاران. همان کسانی که به خداوند و پیامبرش و سپرده های (اوامر و نواهی) ایشان خیانت کردند. فرا گرفته ای. آنان را بر کتاب خدای بزرگ و برتر (قرآن عظیم) امین قرار دادند، پس آنان کتاب خدا را تحریف و دگرگون کردند. پس بدین جهت لعنت خدا و پیامبر و فرشتگان الهی و پدران گرامی و نیکو رفتار من و لعنت من و شیعیانم تا روز رستاخیز بر ایشان باد.

28- حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) در حالی که در زندان بودند، در جواب پرسش های علی بن سوید سائی چنین مرقوم فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي بَعَّظَمَتِهِ وَ نُورِهِ أَبْصَرَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَعَّظَمَتِهِ وَ نُورِهِ عَادَاهُ الْجَاهِلُونَ وَ بَعَّظَمَتِهِ وَ نُورِهِ ابْتَغَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ بِالْأَعْمَالِ الْمُخْتَلَفَةِ وَ الْأَدْيَانِ الْمُتَضَادَّةِ فَمُصِيبٌ وَ مُخْطِئٌ وَ ضَالٌّ وَ مُهْتَدٍ وَ سَمِيعٌ وَ أَصَمٌّ وَ بَصِيرٌ وَ أَعْمَى حَيْرَانٌ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَفَ وَ وَصَفَ دِينَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّكَ أَمْرٌ أَنْزَلَكَ اللَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بِمَنْزَلِهِ خَاصَّهُ وَ حَفِظَ مَوَدَّةَ مَا اسْتَرْعَاكَ مِنْ دِينِهِ وَ مَا أَلْهَمَكَ مِنْ رُشْدِكَ وَ بَصْرِكَ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ بِتَفْضِيلِكَ إِيَّاهُمْ وَ بَرَدَكَ الْأُمُورَ إِلَيْهِمْ كَتَبْتُ تَسْأَلُنِي عَنْ

ص: 48

1- رجال الكشي (إختيار معرفة الناقلين): ص 3 الجزء 1 ح 4. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 82 ب 14 ح 2.

أُمُورٍ كُنْتُ مِنْهَا فِي تَقِيَّتِهِ وَ مِنْ كِتْمَانِهَا فِي سَعَةِ فَلَمَّا انْقَضَى سَلْطَانُ الْجَبَابِرَةِ وَ جَاءَ سَلْطَانُ ذِي السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ بِفِرَاقِ الدُّنْيَا الْمَدْمُومَةِ إِلَى أَهْلِهَا الْعَتَاهِ عَلَى خَالِقِهِمْ رَأَيْتُ أَنْ أُفَسِّرَ لَكَ مَا سَأَلْتَنِي عَنْهُ مَخَافَةً أَنْ يَدْخُلَ الْحَيْرَةُ عَلَى صُدُوقِ شِيعَتِنَا مِنْ قَبْلِ جَهَالَتِهِمْ فَاتَّقِ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرَهُ وَ خُصَّ لِذَلِكَ الْأَمْرِ أَهْلُهُ وَ أَحْذَرْ أَنْ تَكُونَ سَبَبَ بَلِيَّةٍ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ أَوْ حَارِشًا عَلَيْهِمْ بِإِفْشَاءِ مَا اسْتَوْدَعْتَكَ وَ إِظْهَارِ مَا اسْتَكْتَمْتَكَ وَ لَنْ تَفْعَلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِنْ أَوَّلَ مَا أَنْهَى إِلَيْكَ أَنِّي أَنْعَى إِلَيْكَ نَفْسِي فِي لَيْالِي هَذِهِ غَيْرَ جَانِعٍ وَ لَا نَادِمٍ وَ لَا شَاكٍ فِيمَا هُوَ كَائِنٌ مِمَّا قَدْ قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَتَمَ فَاسَةً تَمَسِكُ بِعُرْوَةِ الدِّينِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الْوَصِيَّ بَعْدَ الْوَصِيِّ وَ الْمُسَالَمَةَ لَهُمْ وَ الرِّضَا بِمَا قَالُوا وَ لَا تَلْتَمِسْ دِينَ مَنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِكَ وَ لَا تُحِبَّنَّ دِينَهُمْ فَإِنَّهُمْ الْخَائِنُونَ الَّذِينَ خَانُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ خَانُوا أَمَانَاتِهِمْ وَ تَدْرِي مَا خَانُوا أَمَانَاتِهِمْ ائْتَمِنُوا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَحَرِّفُوهُ وَ بَدِّلُوهُ وَ دُلُّوا عَلَى وُلاهِ الْأَمْرِ مِنْهُمْ فَأَنْصَرِفُوا عَنْهُمْ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ لِيَأْسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (1).

بسم الله الرحمن الرحيم، ستایش خاص خداوند والای بزرگی است که با عظمت و نور خود، دل های مؤمنین را بینا کرد. به سبب عظمت و نور او، افراد نادان با او دشمنی کنند. و از جهت عظمت و نور اوست که هرکس در آسمان ها و زمین است، وسیله به درگاه او می جوید، با انجام کارهای گوناگون و آیین های متضاد. پس یکی به راه درست و آن دیگری به خطا رود. یکی گمراه و دیگری راه یافته است. یکی شنوا و آن دیگری ناشنوا. یکی بینا و آن دیگری کور و سرگردان است. پس ستایش برای خدایی است که

ص: 49

1- الكافي: ج 8 ص 124 ح 95، رجال الكشي (إختیار معرفة التّأقّلین): ص 454 ح 859 به اختصار.

دین خود را به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) شناساند و آن را برای وی توصیف نمود.

اما بعد؛ پس به راستی که تو مردی هستی که خداوند منزلت مخصوصی را به تو در میان خاندان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) عنایت کرده است و در قلب تو دوستی آنچه از دین الهی به تو سپرده و آنچه را که از رشد و هدایت به تو الهام فرموده است، قرار داده است. و تو را در امر دینت، چنان بینا ساخته است که آن ها (امامان حق) را برتری دادی و امور را به آنان بازگرداندی. (باری) در نامه ات درباره چیزهایی از من پرسیده ای که من از پاسخ به آن ها در تقیه بودم و به ناچار بایستی آنها را کتمان کنم. پس، آنگاه که دوران سلطنتی ستمگران سلطه جو سپری شد و زمان چیرگی سلطانی که سلطنت عظیم دارد (خدا) فرا رسید (عمرم به آخر رسید)، دنیای نکوهیده را به اهل آن . که از (دستورات) خالق خویش سرپیچی کردند . وامی گزارم؛ صلاح دیدم آنچه را از من پرسیده بودی برایت شرح دهم، از ترس این که مبادا شیعیان کم بصیرت ما، از روی نادانی، به سرگردانی دچار شوند. پس از (نافرمانی) خداوند، عزّ ذکره، بترس و این امر (امامت یا آنچه برایت می نویسم) را، به اهل آن مخصوص دار (دیگران را شایسته آن ندان یا برای غیر اهل آن فاش نکن). و برحذر باش از این که سبب گرفتاری اوصیاء شوی یا کسی را علیه آنان به شورش اندازی؛ بدین وسیله که آنچه به عنوان امانت به تو سپرده ام افشا کنی و رازهایی را که پوشاندن آن را از تو خواسته ام، آشکار سازی، و ان شاء الله هرگز چنین نخواهی کرد. همانا نخستین مطلبی را که به تو گزارش می دهم، خبر مرگ خودم است که در همین شب ها، رخ خواهد داد در حالی که هیچ بی تابی، پشیمانی و شگّی (یا شکایتی) درباره آنچه شدنی خواهد بود و خداوند عزّ و جلّ مقرر فرموده است، ندارم. پس به دستاویز محکم دین که آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند، و به دستاویز محکمی که وصیّ پس از وصیّ (امامی پس از امام دیگر) باشد، چنگ زده و تسلیم آن ها باش و بدان چه گفته اند، راضی و خشنود باش. و خواستار دین کسی جز شیعیان نباش و دین آنان را دوست

نداشته باش؛ زیرا که همانا آنان خیانت کارانی هستند که به خدا و پیامبرش (صلی الله علیه و اله و سلم) خیانت کردند و به امانت‌هایی که به آن‌ها سپرده شده بود نیز خیانت نمودند. و آیا می‌دانی چه خیانتی به امانت‌های آنان کردند؟ کتاب خدا به آنان سپرده شده بود، آن را تحریف کرده و تغییر دادند. به (پیروی از) سرپرستان خود، راهنمایی شده بودند ولی از آن‌ها روگرداندند. پس به جهت خیانت در امانت، خدا جامه گرسنگی و ترس را برای کیفر کاری که کردند در بر آنان کرد».

29- حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به ابراهیم بن ابی محمود فرمودند:

«يَا بَنَ أَبِي مَحْمُودٍ! إِذَا أَخَذَ النَّاسُ يَمِينًا وَشِمَالًا فَالْزِمْ طَرِيقَتَنَا، فَإِنَّ مَنْ لَزِمَنَا لَزِمْنَا وَمَنْ فَارَقَنَا فَارَقَنَا» (1).

ای پسر ابی محمود! وقتی مردم به طرف راست و چپ گرایش پیدا کنند، تو از راه ما منحرف نشو؛ زیرا به درستی که هرکس دست از ما برندارد، ما نیز از او دست برنمی‌داریم و هر که از ما جدا شود ما نیز از او جدا می‌شویم (به سبب پوییدن راهی جز راه ما، از ما جدا خواهد شد).

30- حسین بن خالد گوید: حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود:

«شِبَعَتْنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا الْأَخْذُونَ بِقَوْلِنَا الْمُخَالَفُونَ لِأَعْدَائِنَا فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا» (2).

شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر ما هستند و به دستورات ما گردن می‌نهند. با دشمنان ما مخالفت می‌کنند. بنابراین هرکس چنین نباشد از (شیعیان) ما نیست.

31- حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«كَمَالُ الدِّينِ وَلَايَتُنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا» (3).

کمال دین ولایت ما اهل بیت و بیزاری جستن از دشمنان ما است.

ص: 51

1- عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ص 303 ب 28 ح 63، بشارة المصطفى (صلی الله علیه و آله و سلم): ص 221. بحار الأنوار: ج 2 ص 15 ب 16 ح 11 و ج 26 ص 239 ب 4 ح 1 و وسائل الشیعة: ج 27 ص 128 ب 10 ح 33394 از العیون.

2- صفات الشیعة: ص 3 ح 2. از او: الوسائل: ج 27 ص 116 ب 9 ح 33358 و بحار الأنوار: ج 65 ص 167 ب 19 ح 24.

3- مستطرفات السرائر: ص 640 از کتاب أنس العالم تصنیف صفوانی. از او: بحار الأنوار: ج 27 ص 58 ب 1 ح 19.

## تنها قرآن شناسان، اهل بیت نبوت (علیهم السلام) می باشند

32- قتاده بن دعامة مفسر و فقیه اهل بصره بر امام محمد باقر (علیه السلام) داخل شد و حضرت از او پرسش هایی فرمود و وی به رای خود پاسخ داد و در پایان امام (علیه السلام) به او فرمودند:

«وَيَحَاكَ يَا قَتَادَةَ، إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ» (1).

وای بر تو ای قتاده! (معارف) قرآن را تنها آن کسی می شناسد که به او (قرآن و وحی) خطاب شده است (خاندان وحی و نه غیر آنان).

## شهادت ثالثه مقدسه

33- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّمَا أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّ اللَّهِ بِأَسْمَانِنَا إِنَّهُ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثَلَاثًا أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ثَلَاثًا أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا ثَلَاثًا» (2).

ما نخستین خاندانی هستیم که خداوند نام ما را بزرگ داشت. چون خدا آسمان ها و زمین را آفرید، به یک ندادهنده دستور داد تا فریاد زد: گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست - سه بار - گواهی می دهم محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسول الله است - سه بار - گواهی می دهم که علی به حق امیر مؤمنان است - سه بار - .

## علم دین چیست؟

34- حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ أَيْةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ»

ص: 52

1- الكافي: ج 8 ص 311 و 312 ح 485. از او: الوسائل: ج 27 ص 185 ب 13 ح 33556-25.

2- الكافي: ج 1 ص 441 أبواب التاريخ، باب مولد النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) و وفاته ح 8، الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 604 المجلس 88 ح 4. تأويل الآيات الظاهرة: ص 191 و بحار الأنوار: ج 16 ص 368 ب 11 ح 78 از الكافي، و بحار الأنوار: ج 37 ص 295 ب 54 ح 10 از الأمالي.

همانا علم (منحصر فقط در) سه چیز است: آیه محکمه (معارف و عقائد صحیح)، فریضه عادلّه (علم فقه یا اخلاق)، سنت قائمه (اخلاق یا علم فقه). و غیر از این ها فضل (زاید) است.

35- حضرت مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیهما السلام) در ضمن نامه ای که برای قاضی خود در اهواز مرقوم فرمودند، نوشتند:

«... الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، وَسُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ، وَفَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، وَمَلَائِكَةٌ أَمْرُنَا» (2).

... علم سه چیز است: آیه محکمه (معارف حقّه) و سنت متّبعه (پیروی از معصوم) فریضه عادلّه (اخلاق) و ملاک (صحّت و قبول آن)، امر ما اهل بیت (علیهم السلام) است.

### احکام شرع ثابت اند

36- پیامبر عظیم الشان اسلام، حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) ضمن خطبه ای که در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت در غدیر خم ایراد نمود، فرمود:

«... لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا عَرَفْتُ عَلِيًّا مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَكُلِّ عِلْمٍ عَلَّمَنِيهِ قَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ الْمُتَّقِينَ مِنْ وُلْدِهِ وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ بَسِّ وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ، ... مَعَاشِرَ النَّاسِ: كُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَانِي لَمْ أُزَجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أَبَدِّلْ، أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ

ص: 53

1- الكافي: ج 1 ص 32 باب صفة العلم و ... ح 1. از او: وسائل الشيعة: ج 27 ص 43 ب 6 ح 33167.

2- دعائم الإسلام: ج 2 ص 534 كتاب آداب القضاة ... ح 1899. از او: مستدرک الوسائل: ج 17 ص 245 ب 4 ح 21245-12 و ج 17/347 ب 1 ح 21542-1. رک. بحار الأنوار: ج 75 ص 229 ب 23 ح 107 از تحف العقول، ص 315-322.

وَ احْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ، أَلَا وَ إِنِّي أَجَدُّ الْقَوْلِ، أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَ تَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْهُ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنِّي، وَ لَا أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا نَهْيٌ مِّنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَّعْصُومٍ...» (1).

... ای مردم!... حلالی نیست جز آنچه خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیهم السلام) حرام کرده باشند. خداوند عزّ و جلّ حرام و حلال را به من شناسانده است و من آن را به علی شناسانده ام. ای مردم! هیچ علمی نیست مگر آن که خدا آن را در من جمع نموده است و هر علمی را که فرا گرفته ام، به علی و متّقین از فرزندان او، آموخته ام. اوست «امام مبین» که خداوند در سوره یاسین از آن یاد نموده است: «وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ - و همه چیز را در امام مبین جمع کردیم»، ... ای مردم! و هر حلالی که شما را به آن راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز از آن بازنگشته و تغییر نداده ام. آگاه باشید. این مطلب را به یاد داشته باشید و آن را حفظ و به یکدیگر سفارش کنید و آن را تبدیل نکنید و تغییر ندهید (در حلال و حرام خداوند، تغییری ایجاد نکنید). آگاه باشید! و من سخن را تکرار می کنم: هشیار باشید! نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و به کار نیک امر کنید و از کار ناپسند، نهی نمایید. آگاه باشید که بالاترین امر به معروف آن است که سخن مرا بپذیرید و ملاک قرار دهید و آن را به آن که حاضر نیست، برسانید و او را از طرف من به قبول سخن من امر کنید و از مخالفت با آن باز دارید؛ چرا که این دستوری از جانب خدای عزّ و جلّ و از جانب من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکری (میسر) نیست، مگر با امام معصوم ...

ص: 54

1- الیقین: ص 358-369 ب 127 و التّحصین، السیّد علی بن طاووس قدّس سرّه: ص 589 ب 29، روضة الواعظین: ج 1 ص 98، الاحتجاج: ج 1 ص 65، الصّراط المستقیم: ج 1 ص 301، العدد القویة: ص 180. بحار الأنوار: ج 37 ص 215 ب 52 ح 86 از الإحتجاج و الیقین.

37- امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: جدّم رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَلَا وَقَدْ بَيَّنَّهَمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْكِتَابِ وَ بَيَّنَّتُهُمَا لَكُمْ فِي سِيرَتِي وَ سُنَّتِي وَ بَيَّنَّهَمَا شَيْطَانُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ بَدَعَ بَعْدِي مَنْ تَرَكَهَا صَدَّ لِحُ لَهْ أَمْرُ دِينِهِ وَ صَلَحَتْ لَهُ مَرْوُتُهُ وَ عَرِضُهُ وَ مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا وَ وَقَعَ فِيهَا وَ اتَّبَعَهَا كَانَتْ كَمَنْ رَعَى غَنَمَهُ قُرْبَ الْحِمَى وَ مَنْ رَعَى مَا شَاءَ يَتَّهَمُ قُرْبَ الْحِمَى نَارَ عَنَتِهِ نَفْسُهُ إِلَى أَنْ يَرْعَاهَا فِي الْحِمَى أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى أَلَا وَ إِنَّ حِمَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَحَارِمُهُ فَتَوَقَّوْا حِمَى اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ» (1).

ای مردم! حلالی من (آنچه را به امر خدا حلال کرده ام) تا روز قیامت حلال است و حرامی من (آنچه را به امر خداوند حرام کرده ام) تا روز قیامت حرام است. آگاه باشید که خداوند آن ها را در قرآن بیان نموده و من در سنت و سیره ام آن ها را بیان کرده ام و در میان آن ها (حلال و حرام)، شبهه هایی از شیطان و بدعت هایی پس از من است. هرکس این شبهه ها و بدعت را ترک نماید، امر دین، مروّت و آبروی خود را نیکو قرار داده است، و هرکس خود را به آن (شبهه ها) آلوده کند، به بدعت ها دچار شده و در پی آن رود، مانند کسی است که گوسفندان را نزدیک مرز چراگاه بچراند؛ نفس او و سوسه اش می کند که آن ها را در چراگاه پس مرز نیز بچراند. آگاه باشید سرزمین هر پادشاهی مرزی دارد و مرز خدا، محرّمات (ممنوعیت های) اوست. پس مراقب مرزهای فرمان های خدا و محرّمات او باشید.

38- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«حَلَالٌ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ) حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَ لَا يَجِيءُ غَيْرُهُ» (2).

آنچه حلال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است برای همیشه تا روز قیامت حلال است و آنچه حرام محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است

ص: 55

1- کنزالفوائد، الكراجكي: ج 1 ص 352. از او: وسائل الشريعة: ج 27 ص 169 ب 12 ح 33515، و بحار الأنوار: ج 2 ص 260 ب 31 ح

17 و ج 28/71 ب 18 ح 7 و مستدرک الوسائل: ج 12 ص 217 ب 14 ح 13924-2.

2- الكافي: ج 1 ص 58 باب البدع والرأي و المقاييس ح 19. از او: الوافي: ج 1 ص 260 ح 201 - 24، و مرآة العقول: ج 1 ص 200.



برای همیشه تا روز قیامت حرام است و جز این نبوده و نباید جز این باشد.

39- و امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«ما أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدَعَةٍ إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً» (1).

کسی نیست که بدعتی بنیان نهد مگر این که سنتی را ترک کرده باشد.

4- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَلَا حَرَامًا إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ كَحَدِّ الدُّورِ وَإِنَّ حَلَالَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (2).

خداوند حلال و حرامی را نیافریده مگر این که برای آن مانند حدّ و مرز خانه، حدّ و مرز قرار داده است و به درستی که حلال محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حلال است تا روز قیامت ...

## تفقه در دین

41- رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به صحابی گران قدر خود ابوذر (رضی الله عنه) چنین فرمود:

«... يَا أَبَا ذَرٍّ! إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقِّهُ فِي الدِّينِ، وَ زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا، وَ بَصَّرَهُ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ...» (3).

... ای ابوذر! هنگامی که خداوند عزّ و جلّ بخواهد به بنده ای خیر برساند، او را در امور دین بینا و آشنا ساخته و وی را در دنیا زاهد قرار می دهد و عیب هایش را به او می نمایاند، ...

62- حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّقِيُّ فِي الدِّينِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى التَّائِبَةِ، وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ» (4).

به درستی که کمال انسان و اوج به کمال رسیدن او؛ تقفه نمودن در دین (پذیرش دین همراه با فهم و درک)، و صبر نمودن در هنگام سختی، و داشتن اقتصاد (میان روی) در زندگی است.

ص: 56

1- الکافی: ج 1 ص 58 ح 19. و نهج البلاغة.

2- بصائر الدرجات: ص 148 ب 13 ح 7. از او بحار الأنوار: ج 26 ص 35 ب 1 ح 60 و مستدرک الوسائل: ج 18 ص 11 ب 83 ح 21855-8 به اختصار.

3- الأمالی، الشیخ الطوسی: ج 2 ص 144. و مکارم الأخلاق: ص 458 إلى 463 الفصل 5- يَقُولُ مَوْلَايَ أَبِي طَوَّلَ اللَّهُ عُمرَهُ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ هَذِهِ الْأوراقُ مِنْ وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) الَّتِي أَخْبَرَنِي بِهَا الشَّيْخُ الْمُفِيدُ أَبُو

الْوَفَاءِ عَبْدُ الْجَبَّارِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُقْرِي الرَّازِي وَالشَّيْخُ الْأَجَلُّ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ بَابَوَيْهِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا) إِجَازَةً قَالَا أَمَلَى عَلَيْنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُّ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ قُدَّسَ سِرُّهُ وَأَخْبَرَنِي بِذَلِكَ الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْحُسَيْنُ بْنُ الْفَتْحِ الْوَاعِظُ الْجُرْجَانِيُّ فِي مَشْهَدِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ قُدَّسَ سِرُّهُ قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ رَجَاءُ بْنُ يَحْيَى الْعَبْرَتَائِيُّ الْكَاتِبُ سَنَةَ أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَثَلَاثِمِائَةٍ وَفِيهَا مَاتَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمُّ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهِنَاءِ [الْهِنَائِيُّ] قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَرْبٍ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِيِّ عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ قَالَ: قَدِمْتُ الرَّبَذَةَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي ذَرٍّ جُنْدَبِ بْنِ جُنَادَةَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) فَحَدَّثَنِي أَبُو ذَرٍّ قَالَ دَخَلْتُ ذَاتَ يَوْمٍ فِي صَدْرِ نَهَارِهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي مَسْجِدِهِ فَلَمْ أَرِ فِي الْمَسْجِدِ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَوَصِيَّةٌ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا فَقَالَ: جَالِسٌ فَأَعْتَمْتُ خَلْوَةَ الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَآمِي أَوْصِنِي بِوَصِيَّةٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا فَقَالَ:.

4- الكافي: ج 1 ص 32 باب صفة العلم و... ح 4 و ج 5 ص 87 ح 2، تحف العقول، ص 292، دعائم الإسلام: ج 2 ص 255 الفصل 15 ح

لا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ: التَّقْوَةُ فِي الدِّينِ، وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا. (1)

بنده ای حقیقت ایمان را به کمال نرساند مگر این که در او سه خصلت باشد؛ فهمیدن احکام دین، و خوب اقتصاد نمودن در امور زندگی، و صبر بر مصیبت ها و پیشامدهای بد.

44- عمر بن حنظله گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: دو نفر از اصحاب خودمان (از شیعیان) راجع به وام یا میراثی با یکدیگر اختلاف پیدا می کنند و نزد سلطان و قضایان وقت که از عامه هستند برای محاکمه می روند، آیا انجام دادن این کار جایز است؟ حضرت فرمود:

«مَنْ تَحَاكَمَ إِلَيْهِمْ فِي حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ فَإِنَّمَا تَحَاكَمَ إِلَى الطَّاعُوتِ، وَمَا يَحْكُمُ لَهُ فَإِنَّمَا يَأْخُذُ سَهْتًا، وَإِنْ كَانَ حَقًّا ثَابِتًا لَهُ؛ لِأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُكْمِ الطَّاعُوتِ، وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُكْفَرُوا بِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاعُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يُكْفَرُوا بِهِ».

کسی که برای موضوعی، حق یا باطل، برای محاکمه نزد آن ها برود، به درستی که برای دریافت حکم الهی، نزد طاغوت رفته است و هر آنچه که طاغوت برایش بدان حکم کند، هرچند حق مسلم وی باشد، اخذ به مال حرام نموده است. زیرا آن مال را بنابر حکم طاغوت دریافت کرده است. و این در حالی است که خداوند امر فرموده که به طاغوت کافر (و روی گردان) باشند. پروردگار تعالی می فرماید: می خواهند نزد طاغوت برای محاکمه بروند حال آن که به ایشان دستور داده شده که نسبت به آن کافر باشند.

عرض کردم: پس باید چگونه عمل کنند؟ فرمود:

«يُنْظَرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالَئِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرِضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ

ص: 57

حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَحَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ».

نظر کنند به شخصی از خود شما (شیعه) که حدیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام ما نظر می افکند و احکام ما را می فهمد، پس باید به حکمیت او راضی شوند چرا که من او را حاکم شما قرار دادم. اگر حاکم طبق دستور ما حکم دهد و یکی از آن ها از او نپذیرد، به درستی که حکم خدا را سبک شمرده و حکم ما (اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)) را رد کرده است و همانا آنکس که حکم ما را رد کند، حکم خدا را رد کرده و این کار در حدّ شرك و وزیدن به خداست.

عرض کردم: اگر هر کدام از آن دو، يك نفر از اصحاب ما (شیعیان) را انتخاب کند و به نظارت او در حقّ خویش راضی شود، ولی آن دو در حکم اختلاف کنند و منشأ اختلافشان، اختلاف حدیث شما باشد، (تکلیف چیست؟) فرمود:

«الْحُكْمُ مَا حَكَمَ بِهِ أَعْدَلُهُمَا وَأَفْقَهُهُمَا وَأَصْدَقُهُمَا فِي الْحَدِيثِ وَأَوْرَعُهُمَا وَلَا يَلْتَمْتُ إِلَى مَا يَحْكُمُ بِهِ الْآخَرُ».

حکم درست آن است که از بین آن دو نفر، فرد عادل تر و فقیه تر و راستگوتر در حدیث و پرهیزکارتر آن را صادر کند و نباید به حکم دیگری اعتنا شود.

گفتم: اگر هر دو آن ها نزد شیعیان عادل و پسندیده باشند و هیچ يك بر دیگری برتری نداشته باشد، باید چطور عمل کنند؟ فرمود:

يُنْظَرُ إِلَى مَا كَانَ مِنْ رِوَايَتِهِمْ عَنَّا فِي ذَلِكَ الَّذِي حَكَمَ بِهِ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِكَ، فَيُؤْخَذُ بِهِ مِنْ حُكْمِنَا وَيُتْرَكُ الشَّاذُّ الَّذِي لَيْسَ بِمَشْهُورٍ عِنْدَ أَصْحَابِكَ؛ فَإِنَّ الْمُجْمَعُ عَلَيْهِ لَا رَيْبَ فِيهِ، وَإِنَّمَا الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ: أَمْرٌ بَيْنَ رُشْدِهِ فَيَتَّبَعُ، وَأَمْرٌ بَيْنَ غَيْبِهِ فَيَجْتَنَّبُ، وَأَمْرٌ مُشْكِلٌ يُرَدُّ عَلَيْهِ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ، قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): حَلَالٌ بَيْنَ وَحَرَامٌ بَيْنَ وَشُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ ، فَمَنْ تَرَكَ الشُّبُهَاتِ نَجَا مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ ، وَ مَنْ أَخَذَ بِالشُّبُهَاتِ ارْتَكَبَ الْمُحَرَّمَاتِ وَهَلَكَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ».

باید آنچه آنان براساس احادیث ما که مورد اتفاق نزد اصحاب توست، حکم نموده اند، مورد توجه قرار گیرد و آنچه را که نزد شیعیان مورد اتفاق و مشهور نیست، رها شود. زیرا در آنچه مورد اتفاق است تردیدی نیست و همانا امور بر سه قسم است؛ 1- امری که درستی و هدایت آن روشن است و باید از آن پیروی شود. 2- امری که گمراهی آن روشن است و باید از انجام آن پرهیز شود. 3- امری که مشکل است (درستی یا نادرستی آن آشکار نیست) و باید برای دریافت حقیقت آن به خداوند و پیامبرش (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ارجاع داده شود. پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: حلالی است روشن و حرامی است روشن و در میان آن ها اموری است مشتبه (پوشیده و نامعلوم). هر آنکس که امور مشتبه را رها کند؛ از محرّمات نجات یافته و هرکس به امور مشتبه عمل کند، لاجرم مرتکب محرّمات نیز شده و ندانسته هلاک خواهد شد.

عرضه داشتیم: اگر هر دو حدیث (مورد استناد) مشهور باشند و افراد مورد اعتماد آن را از شما روایت کرده باشند (چطور؟) فرمود:

«يَنْظُرُ فَمَا وَافَقَ حُكْمُهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَخَالَفَ الْعَامَّةَ فَيُؤَخِّدُ بِهِ ، وَيُتْرَكُ مَا خَالَفَ حُكْمَهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَوَافَقَ الْعَامَّةَ».

باید توجه شود، هرکدام از آن دو حدیث که مطابق قرآن و سنت و مخالف غیر شیعیان است، باید به آن عمل کنند. و آن حدیثی که مخالف قرآن و سنت و موافق غیر شیعه باشد، رها شود.

گفتم: فدایت شوم! به من بفرمایید اگر هر دو فقیه حکم را از قرآن و سنت به دست آورده باشند، ولی یکی از دو خبر را موافق عامّه (غیر شیعه) و دیگری را مخالف عامّه بیابیم، به

کدامیک عمل شود؟ فرمود:

«ما خَالَفَ الْعَامَّةَ فِيهِ الرَّشَادُ».

آن حدیثی که مخالف عامّه باشد، حق است.

گفتم: فدایت شوم، اگر هر دو خبر موافق دو دسته از عامّه باشد؟ فرمود:

«يُنْظَرُ إِلَى مَا هُمْ إِلَيْهِ أَمِيلٌ ، حُكَّامُهُمْ وَقُضَاتُهُمْ فَيَتْرَكُ ، وَيُؤَخَذُ بِالْآخِرِ».

نظر شود به خبری که حاکمان و قاضیان ایشان بیشتر بدان توجه دارند، ترک شده و به آن حدیث دیگر عمل شود.

گفتم: اگر حاکمان عامّه به هر دو خبر با توافق نظر دهند؟ فرمود:

«إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَرْجِهْ حَتَّى تَلْقَى إِمَامَكَ ، فَإِنَّ الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَاتِ» (1).

چون چنین شد صبر کن تا امام خویش را ملاقات کنی، زیرا توقف نزد شبهات از افتادن به هلاکت ها بهتر است.

45- علی بن ابی حمزه گوید: شنیدم حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرمودند:

«تَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ فَإِنَّ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ فَهُوَ أَعْرَابِيٌّ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (2).

دین را خوب بفهمید زیرا هرکس دین را خوب نفهمد مانند صحراگرد (ناآگاه) است. خداوند در کتاب خویش می فرماید: تا در امر دین دانش اندوزند و چون بازگشتند قوم خود را بیم دهند امید است که (از نافرمانی خداوند) بترسند.

46- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

مَنْ أَرَادَ التَّجَارَةَ فَلْيَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ لِيَعْلَمَ بِذَلِكَ مَا يَحِلُّ لَهُ مِمَّا يَحْرُمُ عَلَيْهِ ، وَ

ص: 60

1- الكافي: ج 1 ص 67 ح 10، من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 8 ح 3233، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 301 ب 92 ح 52، الإحتجاج: ص 356.

2- الكافي: ج 1 ص 31 باب فرض العلم و وجوب طلبه و ... ح 6، المحاسن: ج 1 ص 229 ب 15 ح 163.

مَنْ لَمْ يَتَّقْهُ فِي دِينِهِ ثُمَّ اتَّجَرَ تَوَرَّطَ الشُّبُهَاتِ» (1).

هر کس قصد انجام تجارت داشته باشد، نخست باید احکام دین را خوب یاد بگیرد، تا بداند که چه چیز برای او حلال است و چه چیز حرام. و آن کس که احکام دین را به خوبی نیاموخته باشد و به تجارت و کسب پردازد، در شبهه ها (معاملات و اموال شبهه ناک) گرفتار و سردرگم خواهد شد.

47- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَبَصَّرَهُ عُيُوبَهَا وَمَنْ أُوتِيَتْهُنَّ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (2).

هنگامی که خدا خیر بنده ای را بخواهد؛ او را نسبت به دنیا بی رغبت، نسبت به دین آگاه و نسبت به عیب های دنیا بینا سازد و هرکس که این خصلت ها به وی داده شود، همانا خیر دنیا و آخرت به او داده شده است.

48- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) به بشیر فرمود:

«لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَتَّقُهُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَا بَشِيرُ! إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ إِذَا لَمْ يَسَّ تَغْنِ بِفَقْهِهِ احْتِاجَ إِلَيْهِمْ فَإِذَا احْتِاجَ إِلَيْهِمْ أَذْخَلُوهُ فِي بَابِ ضَلَالَتِهِمْ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ» (3).

هیچ خیری در آن کس از شیعیان ما که دین را نمی فهمد، نیست. ای بشیر! همانا هنگامی که یک مرد از شیعیان ما از فهم دین بی نیاز نشده باشد، به آنان (مخالفین اهل بیت (علیهم السلام)) نیازمند خواهد شد و چون به آن ها نیازمند شد، او را در گمراهی خویش وارد می کنند در حالی که نمی فهمد و نمی داند.

### جایگاه فقیه صالح

49- از مولایمان امام حسن زکّی عسکری (علیه السلام) روایت شده که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

ص: 61

1- المقنعة: ص 591. از او: وسائل الشیعة: ج 17 ص 382 ح 22797.

2- الکافی: ج 2 ص 130 باب ذمّ الدنیا و الزهد ... ح 10، مجموعة ورام: ج 2 ص 192 الجزء 2، مشکاة الأنوار: ص 114 الفصل 3.

3- الکافی: ج 1 ص 33 باب صفة العلم و ... ح 6. از او: وسائل الشیعة: ج 21 ص 477 ب 84 ح 27631.

«أَشَدُّ مِنْ يَتِيمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ مِنْ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ يَتِيمٌ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ وَ لَا يَدْرِي كَيْفَ حُكْمُهُ فِيمَا يَبْتَلِي بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ، أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا، وَ هَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا الْمُنْقَطِعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حِجْرِهِ، أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أُرْشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتَنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى» (1).

شدیدتر از حال یتیمی که از پدر و مادرش جدا شده است، یتیم بودن یتیمی است که از امامش جدا شده و بر دست یابی به امامش توانا نیست و آگاه نیست که حکم امام درباره امور دینی که بدان گرفتار است، چیست. آگاه باشید! هرکس از شیعیان ما، به علوم ما عالم باشد و این شخص که نسبت به شرع ما ناآگاه است، -از دیدار ما محروم شده است و در بازداشت از دیدار ما بی سرپرست است- آگاه باشید! هر کس که او را هدایت و راهنمایی کند و شریعت ما را به او بیاموزد، در جمع انبیاء (در محضر والای خدا) همراه ما خواهد بود.

50- حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

«الْفُقَهَاءُ أُمَّتَاءُ الرُّسُلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا».

فقیهان، تا هنگامی که وارد دنیا نشده اند، امین پیامبران هستند.

به حضرت عرض شد: ای پیامبر خدا! معنای ورود آنان در دنیا چیست؟ فرمود:

اتِّبَاعُ السُّلْطَانِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ» (2).

پیروی سلطان، پس چون چنین کنند نسبت به دین خود از آنان برحذر باشید.

51- حضرت امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْفَقِيْهُ كُلُّ الْفَقِيْهِ الَّذِي لَا يَقْنَطُ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَا يُؤْمِنُهُمْ مِنْ

ص: 62

---

1- الاحتجاج: ج 1 ص 15 و التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن الزكي العسكري (عليه السلام): ص 339 ح 214 مانند آن با اختلافی.  
از آن دو: بحار الأنوار: ج 2 ص 2 ح 1. تأویل الآيات: ج 1 ص 74 ح 48 و تفسير البرهان: ج 1 ص 122 ح 15 از تفسير امام.  
2- الكافي: ج 1 ص 43 باب المستأكل ... ح 5. و این الحديث در: أعلام الدين، الدعائم، العدد القويّة، كشف الغمّة و العوالي است  
مراجعه کنید.



مَكْرِ اللَّهِ وَلَا يُؤْسِسُهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَلَا يُرَخِّصُ لَهَا فِي مَعَاصِي اللَّهِ» (1).

فقیه واقعی کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند، و از کیفرش ایمن نگرداند، و از لطف او ایشان را مأیوس ننماید، و اجازه انجام معصیت به آن ها ندهد.

52- و فرمودند:

«الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْسِسُهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ» (2).

فقیه کامل کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید، و از لطف خدا مأیوس نکند، و آن ها را از مکر او ایمن نسازد.

53- امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مکرراً می فرمود:

«... إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالِمِ أَنْ لَا تُكْتَبَ عَلَيْهِ السُّؤَالُ، وَلَا تَجْرُ بِثَوْبِهِ، وَإِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ وَعِنْدَهُ قَوْمٌ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً وَخُصَّةً بِالتَّحِيَّةِ دُونَهُمْ، وَاجْلِسْ بَيْنَ يَدَيْهِ... فَإِنَّ مَا مَثَلُ الْعَالِمِ مَثَلُ النَّخْلَةِ تَنْتَظِرُهَا حَتَّى يَسِدَّ قَطْعُ عَلَيْكَ مِنْهَا شَيْءٌ وَ الْعَالِمُ أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ... وَإِذَا مَاتَ الْعَالِمُ ثَلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلْمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ...» (3).

... همانا از جمله حقوقی که عالم و دانش مند دارد آن است که از او زیاد سؤال نپرسی و (هنگامی که خسته شده و می خواهد برخیزد و برود) جامه او را نکشی (او را وادار به نشستن نکنی) و اگر بر او وارد شدی در حالی که گروهی نزد او بودند، به همه ایشان سلام کنی و او را به سلام و تحیت والائتری اختصاص دهی و روبروی او بنشینی ... پس به درستی که مثل عالم، مثل درخت خرماست، منتظر هستی که چه هنگام چیزی (خرمایی) از آن برای تو بیفتد. اجر و مزد عالم از کسی که روزها را روزه گرفته و شب ها را به پا می ایستد (به راز و نیاز می گذراند) و جنگجوی در راه خدا بزرگتر و برتر است و

ص: 63

1- أعلام الدین: ص 296. از او: بحار الأنوار: ج 75 ص 94 ح 108.

2- نهج البلاغة: ص 483 الكلمة 90، غرر الحکم: ص 48 الكلمة 26.

3- المحاسن: ص 233، الإرشاد، الشيخ المفيد: ج 1 ص 330. بحار الأنوار: ج 2 ص 43 ب 10 ح 9 از المحاسن.

زمانی که عالم از دنیا می رود، در اسلام شکافی پدیدار می شود که تا روز رستاخیز چیزی خلأ آن را پر نمی کند، ...

54- ابان بن تغلب گوید: از امام محمد باقر (علیه السلام) مسأله ای پرسیده شد و حضرت پاسخ فرمود. سؤال کننده عرضه داشت: فقها این چنین نمی گویند. حضرت فرمود:

«يَا وَيْحَكَ؛ وَهَلْ رَأَيْتَ فِقِيهًا قَطُّ؟ إِنَّ الْفَقِيهَ حَقَّ الْفَقِيهِ الرَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا، الرَّاهِبُ فِي الْآخِرَةِ، الْمُتَمَسِّكُ بِسُنَّةِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ)» (1).

وای بر تو! آیا تو هرگز فقیهی دیده ای؟! همانا فقیه حقیقی؛ آن کسی است که زاهد در دنیا، مشتاق آخرت، و چنگ زنده به سنت پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) است.

55- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«سَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْتَنَّا وَ تَجْرِبَةً وَ إِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئًا وَ خُذْ بِالْإِحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ اهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرْبًا مِنَ الْأَسَدِ وَ لَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ عَتَبَةً لِلنَّاسِ» (2).

هر چه را که نمی دانی از علما (دین شناسان) سؤال کن، و مبادا سؤال کردنت او را به مشقت بیاندازد و برای امتحان نمودن دانش او باشد، مبادا در موردی مطابق با نظر (و پسند) خودت عمل کنی، و همیشه مراعات احتیاط بنما، از فتوا دادن بترس همان طور که از شیر می ترسی، و گردنت را پل دیگران قرار نده.

56- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رِوَايَاتِهِمْ عَنَّا؛ فَإِنَّا لَا نَعُدُّ الْفَقِيهَةَ مِنْهُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَكُونَ مُحَدِّثًا».

منزلت های شیعیان ما را با توجه به حجم روایات نیکوی آنان از ما بشناسید. پس به تحقیق ما فقیهی را فقیه نمی شماریم مگر آن که محدث باشد. به حضرت عرض شد: آیا

ص: 64

- 
- 1- الکافی: ج 1 ص 70 باب الأخذ بالسنة و شواهد الكتاب ... ح 8، المحاسن: ج 1 ص 223 ب 11 ح 139.
  - 2- مشکاة الأنوار: ص 328 ب 9. وسائل الشيعة: ج 27 ص 172 ب 12 ح 33524 از خط شهيد اول قدس سره.

مؤمن محدث می شود؟! فرمود:

«يَكُونُ مُفَهِّمًا، وَالْمُفَهِّمُ الْمُحَدِّثُ».(1)

مُفَهِّمٌ است (روح فقه را فهمیده شده)، و مُفَهِّمٌ محدث است.

57- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خَيْرُ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِ تَرْوِيهِ، إِنَّ لِكُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَ لِكُلِّ صَوَابٍ نَوْرًا».

اگر یک حدیث را خوب درک کنی، بهتر از ده حدیث است که بازگویی آن ها باشی (و مفهوم آن را درک نکنی). همانا هر حقیقی، حقیقتی دارد و برای هر کار درستی، نوری هست.

سپس فرمود:

إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شَيْعَتِنَا فَحَقِيقَةً حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عَلَى مَنْبَرِ الْكُوفَةِ: وَإِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً عَمِيَاءَ مُنْكَسِبَةً لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا التُّؤَمَةُ، قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا التُّؤَمَةُ؟ قَالَ: الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ. وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَعَى يَعْصِي خَلْقَهُ مِنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَجَوْرِهِمْ وَإِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَلَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ كَمَا كَانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النَّاسَ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ، ثُمَّ تَلَا: يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ».(2)

همانا ما، به خدا قسم! مردی را که از شیعیان ما است، فقیه به شمار نمی آوریم مگر این که با رمز و کنایه با او حرف بزنیم و او معنای رمز و کنایه ما را بفهمد. همانا

ص: 65

1- رجال الکشی (اختیار معرفة التأقلین): ص 3 الجزء الأول ح 2. از او: وسائل الشیعة: ج 27 ص 149 ب 11 ح 33453 و بحار الأنوار: ج 2 ص 82 ب 14 ح 1.

2- الغيبة، التعمانی: ص 141 ب 10 ح 2. از او: بحار الأنوار: ج 51 ص 112 ب 2 ح 8.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر منبر کوفه فرمود: همانا پس از شما، فتنه های تاریک و کوری آفرین و بی نور خواهد بود که از میان فتنه ها، جز «نومه» نجات نمی یابد. عرض شد: یا امیرالمؤمنین (نومه) چیست؟ فرمود: کسی که مردم را بشناسد ولی مردم او را نشناسند. و بدانید که زمین از حجّتی که از جانب خداوند بر مردم قرار داده شده است، خالی نخواهد بود. ولی خداوند عزّ و جلّ به زودی مردم را به خاطر ظلم و ستم و اسراف آنان که بر خویش روا داشته اند، از دیدار حجّت خود، کور خواهد کرد و اگر زمین یک ساعت از حجّت خدا خالی بماند، به یقین اهل خود را فرو خواهد برد. ولی حجّت خدا مردم را می شناسد و مردم او را نمی شناسند همان طور که یوسف مردم را می شناخت ولی آنان او را نمی شناختند. سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود:

«يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ». (1)

افسوس بر بندگان که هیچ رسولی برای آنان نیامد مگر آن که او را مسخره می کردند.

58- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضَعَتِ الْمَوَازِينُ فُتُورُنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ». (2)

وقتی روز قیامت فرا برسد، خداوند عزّ و جلّ تمام مردم را در یک سرزمین جمع خواهد کرد و ترازوهای سنجش اعمال نهاده می شوند. آنگاه خون شهید آن را با جوهر قلم عالمان دین می سنجند. پس جوهر قلم علما، بر خون های شهیدان برتری می یابد.

59- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره آیه: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» و هر کسی که به او حکمت داده شود، پس همانا خیر و نیکویی بسیاری در دنیا و آخرت) به او داده شده است»، پرسیدم، فرمود:

ص: 66

1- سوره (36) یس (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آیه 31.

2- من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 398 ح 5853. الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 168 المجلس 32 ح 1. الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 521 المجلس 18 ح 1149-56 ... عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وُزِنَ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ بِدِمَاءِ الشُّهَدَاءِ، فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ. بحار الأنوار: ج 2 ص 16 ب 8 ح 35 از امالی طوسي، و ج 2 ص 14 ب 8 ح 26 از امالی صدوق.

إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةَ وَالتَّقْوَةَ فِي الدِّينِ ، فَمَنْ فَقَهُ مِنْكُمْ فَهُوَ حَكِيمٌ ، وَمَا مِنْ أَحَدٍ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَّا إِبْلِيسَ مِنْ فِقِيهِ» (1).

همانا حکمت عبارت است از معرفت شناخت دقیق و بینش. به درستی که هر کدام از شما فقیه در دین باشد، اوست صاحب حکمت. و همانا از دنیا رفتن هیچ یک از مؤمنان نزد ابلیس خوشایندتر از مرگ مؤمن فقیه عادل نیست.

6- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهُ تَلَّمَ فِي الْإِسْلَامِ تَلْمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ» (2).

هنگامی که مؤمن فقیه عادل (فهم مسایل دینی) دیده از جهان فرو می بندد، شکافی در اسلام پدید می آید که هیچ چیز آن را نمی بندد.

61- حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ، وَبَقَاعُ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَ يُعْبُدُ اللَّهَ عَلَيْهَا، وَابْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَ يَصَّ عَدُ بِأَعْمَالِهِ فِيهَا. وَتَلَّمَ فِي الْإِسْلَامِ تَلْمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ. قَالَ: لِأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حُصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِصْنِ سُورِ الْمَدِينَةِ لَهَا» (3).

هنگامی که فرد مؤمن بمیرد، فرشتگان و سرزمین هایی که خدا را در آن عبادت می کرده و درهایی از آسمان که اعمالش از آنها بالا می رفته، بر او گریه می کنند و در اسلام شکافی می افتد که چیزی نمی تواند آن را پر کند. زیرا مؤمنان فقیه - مانند دژهای اطراف شهر - دژهای اسلام هستند.

62- حضرت امام علی الرضا (علیه السلام) فرمود:

«أَفْضَلُ مَا يَقْدَمُهُ الْعَالِمُ مِنْ مُحِبِّينَا وَ مَوَالِينَا أَمَامَهُ لِيَوْمِ فَقْرِهِ وَ فَاقْتِهِ وَ ذُلِّهِ وَ مَسِّ كَنْتِهِ أَنْ يُعِيثَ فِي الدُّنْيَا مَسَّ كَيْنَا مِنْ مُحِبِّينَا مِنْ يَدِ نَاصِبٍ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَ

ص: 67

1- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 151 ح 498. از او: بحار الأنوار: ج 1 ص 215 ب 6 ح 25.

2- الکافی: ج 1 ص 38 باب فقد العلماء ... ح 2.

3- قرب الإسناد: ص 124، الکافی: ج 1 ص 38 باب فقد العلماء ... ح 3 و ج 3 ص 254 باب نوادر ... ح 13، علل الشرائع: ج 2 ص 462 ب 222 ح 2، وسائل الشیعة: ج 3 ص 283 ب 88 ح 3660 و ج 5 ص 187 ب 24 ح 6289 و بحار الأنوار: ج 79 ص 177 ب 2 ح 18.

لِرَسُولِهِ يَقُومُ مِنْ قَبْرِهِ وَالْمَلَائِكَةُ صُفُوفٌ مِنْ شَفِيرِ قَبْرِهِ إِلَى مَوْضِعِ مَحَلِّهِ مِنْ جَنَّاتِ اللَّهِ فَيَحْمِلُونَهُ عَلَى أَجْنِحَتِهِمْ وَيَقُولُونَ طُوبَاكَ يَا دَافِعَ الْكِلَابِ عَنِ الْأَبْرَارِ يَا أَيُّهَا الْمُتَعَصِّبُ لِلْأَيِّمَةِ الْأَخْيَارِ» (1).

بهترین چیزی که عالم از دوستان و یاران ما، برای روز تهی دستی و تنگ دستی و خواری و بینوایی خویش، پیشاپیش می فرستد؛ فریادرسی او در دنیا از مسکین و بی نوایی از محبتین ما است که او را از دست ناصبی دشمن خدا و پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) نجات دهد. از قبرش برمی خیزد در حالی که فرشتگان از کنار قبرش تا جایگاهش در بهشت های خداوند، صف کشیده اند و بر روی بال های خود، او را حمل می کنند، می گویند: آفرین! خوشا به حالت! ای دورکننده سگ ها از نیکان؛ ای غیرت مند در راه امامان پاک!

63- اسحاق بن یعقوب می گوید: از نائب دوم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جناب محمد بن عثمان عمری (رضی الله عنه) خواستم نوشته ام را - که حاوی پرسش هایی بود که برایم مشکل بودند- به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برساند. در پاسخ من توقیعی نوشته ای از جانب حضرت به دست خط ایشان به من رسید مرقوم فرموده بودند:

أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرَشِدُكَ اللَّهُ وَتَبَّتْكَ: ... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (2).

اما آنچه را که پرسیده بودی، خداوند تو را رشد و کمال عنایت کند: ... و اما در اتفاقاتی که رخ می دهد پس به راویان احادیث ما مراجعه کنید، چرا که همانا آنان (به جهت روایت نمودن احادیث و نشر فرهنگ ما اهل بیت (علیهم السلام)) حجت (و دلیل) من بر شما هستند و من حجت خداوند بر آنان هستم.

## وظیفه فقیه صالح در مقابله با بدعت ها

64- حضرت خاتم الأنبياء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

ص: 68

- 1- التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن الزكي العسكري (عليه السلام): ص 350 ح 236. از او: الإحتجاج: ج 1 ص 19.
- 2- كمال الدين: ج 2 ص 483 ب 45، الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 290 ح 4، الإحتجاج: ج 2 ص 469. و إعلام الوری: ص 452 الفصل 3، الخرائج و الجرائح: ج 3 ص 1113، كشف الغمّة: ج 2 ص 531 الفصل 3، منتخب الأنوار المضيئة: ص 122 الفصل 9. وسائل الشيعة: ج 27 ص 140 ب 11 ح 33424، بحار الأنوار ج 2 ص 90 ب 14 ح 13 و ج 53، ص 180 ب 31 ح 10 و ج 75 ص 380 ب 30 ح 1.

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ». (1)

آن زمان که بدعت ها در میان ائمتم آشکار گردند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند. پس هر کس به این وظیفه خود عمل ننماید، لعنت خداوند بر او باد.

65- و فرمودند:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَالْأَفْعَلِيهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ». (2)

آن زمان که بدعت ها در میان ائمتم آشکار شود، بر عالم واجب است علم خود را آشکار سازد، هر کس به این وظیفه خود عمل نکند، لعنت خداوند و فرشتگان و مردم، همگی بر او باد.

66- و از آن حضرت نقل شده که فرمود:

كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا ظَهَرَ فِيكُمْ الْبِدْعُ حَتَّى يَرْبُوفِيهَا الصَّغِيرُ وَيَهْرَمَ الْكَبِيرُ وَيُسَلِّمَ عَلَيْهَا الْأَعَاجِمُ وَإِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ قِيلَ سُنَّةٌ، وَإِذَا عُمِلَ بِالسُّنَّةِ قِيلَ بَدْعَةٌ؟!». (3)

حال شما چگونه است آن هنگام که بدعت ها در میان شما آشکار گردد تا آن که کودکان با آن بزرگ می شوند و بزرگان با آن پیر می شوند و بیگانگان بر آن (دین آلوده به بدعت ها) اسلام می آورند و وقتی بدعت ها آشکار شدند، به آن ها سنت گفته می شود و چون به سنت عمل شود، (به آن) بدعت گفته شود.

67- از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) روایت شده که فرمودند:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلِبَ نُورَ الْإِيمَانِ». (4)

آن زمان که بدعت ها آشکار شوند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، اگر

ص: 69

1- الکافی: ج 1 ص 54 باب البدع و ... ح 2، عوالی الآلای: ج 4 ص 70 الجملة 2 ح 39، نهج الحق: ص 37، منية المرید: ص 186.

وسائل الشیعة: ج 16 ص 269 ح 40، بحار الأنوار: ج 105 ص 15 اجازة 28.

2- بحار الأنوار: ج 54 ص 234.

3- إرشاد القلوب: ج 1 ص 69 ب 17.

4- رجال کشی (اختیار معرفة الناقلین): ص 493 ح 946، علل الشرایع، ج 1 ص 235 ب 171 ح 1، عیون أخبار الرضا (علیه السلام):

ج 1 ص 112 ب 10 ح 2، الغیبة، الشیخ الطوسی: ص 63. بحار الأنوار: ج 48 ص 252 ب 10 از رجال کشی و العلل و الغیبة. وسائل

الشیعة: ج 16 ص 271 ب 40 ح 21546 از العیون.

چنین نکنند، (مبارزه با بدعت ها)، نور ایمان از او گرفته خواهد شد.

68- در حدیث صحیح از امام صادق (علیه السلام) است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَالْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَأَظْهِرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ وَأَكْثِرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَالْقَوْلِ فِيهِمْ وَالْوَقِيعَةَ وَبَاهْتُوهُمْ كَيْ لَا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَيَحْذَرَهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُونَ مِنْ بَدْعِهِمْ. يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَيَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ.» (1)

هر گاه پس از من اهل شک (و تردید اندازان) و اهل بدعت را دیدید از آن ها بیزاری جوید، و بسیار به آن ها دشنام دهید، و درباره آن ها بد گوید، به آنان طعن زنید و (با حجت های قاطع) آنان را بهت زده (و ناچار از سکوت کنید و خفه و وامانده سازید)، تا به فساد در اسلام طمع نکنند، و مردم از آنها برحذر شوند (دوری کنند)، و از بدعت های آن ها نیاموزند، و تا خدا برای شما در برابر این کار حسنات نویسد، و درجات آخرت را برای شما بالا برد.

### لزوم احتیاط و توقف در موضع شبهه

69- امین وحی الهی جبرئیل (علیه السلام) فرمود: از شرط ها و پیمان های اسلام است:

«وَالْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَةِ، (وَ الرَّدُّ) إِلَى الْإِمَامِ، فَإِنَّهُ لَا شُبُهَةَ عِنْدَهُ، ...» (2)

... و این است که در موضع شبهه (در برخورد با مسئله ای که حکم آن روشن نیست) توقف کند (از جانب خود حکمی صادر نکند) و آن را به امام رد کند (واگذار کند) چرا که شبهه ای نزد امام نیست (پاسخ صحیح همه سؤال ها نزد امام است)، ...

70- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) در حدیثی فرمودند:

«وَ إِنَّمَا الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ: أَمْرٌ بَيِّنٌ رُشِدُهُ فَيُتَّبَعُ، وَ أَمْرٌ بَيْنٌ غَيْبٌ فَيُجْتَنَّبُ، وَ أَمْرٌ مُشْكِلٌ يُرَدُّ عَلَيْهِ (حُكْمُهُ) إِلَى اللَّهِ (وَ إِلَى رَسُولِهِ) ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ):

ص: 70

1- الكافي: ج 2 ص 375 باب مجالسة أهل المعاصي ... ح 4. (تنبيه الخواطر) مجموعة ورام: ج 2 ص 162 جزء 2 مانند آن و مرسل. از او: کتاب الوافي: ج 1 ص 245 ح 182-5 و الشافعي، فيض كاشاني: ص 110 ح [137] 6 و وسائل الشيعة: ج 16 ص 267 ب 39 ح 21531-1 و الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل): ج 2 ص 232 ح 1723 و هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام): ج 5 ص 594 ح 149 و مجمع البحرين: ج 2 ص 136 مادة (غيب) و منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئي): ج 13 ص 86 و ج 15 ص 322 و بحار الأنوار: ج 71 ص 202 ب 14 ح 41 و ج 72 ص 161 ب 57 و ج 72 ص 235 ب 66.

2- كتاب الطرف: ص 116 الطرف الأولى. از او: وسائل الشيعة: ج 1 ص 400 ب 15 ح 1044، بحار الأنوار: ج 2 ص 260 ب 31 ح 12 و ج 18 ص 232 ب 1 ح 75 و در آن است: وَ رَفَعَهَا إِلَى الْإِمَامِ، وَ ج 65 ص 392 ب 27 ح 41 و در آن است: إِلَى الْوُصُولِ إِلَى الْإِمَامِ، وَ ج 77 ص 294 ب 3 ح 49 و مستدرک الوسائل: ج 17 ص 322 ب 12 ح 21473-2.



حَلَالٌ بَيْنَ وَحَرَامٍ بَيْنَ وَشُبُهَاتٍ بَيْنَ ذَلِكَ ، فَمَنْ تَرَكَ الشُّبُهَاتِ نَجَا مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ ، وَمَنْ أَخَذَ بِالشُّبُهَاتِ ارْتَكَبَ الْمُحَرَّمَاتِ وَهَلَكَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ».

و همانا امور بر سه قسم هستند، امری که هدایت آن آشکار است از این رو مورد تبعیت واقع می شود. و امری که گمراهی آن آشکار است از این رو مورد اجتناب قرار می گیرد. و امری که مشکل است که علم آن به خدا و پیامبرش (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) واگذار می شود. پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: حلال است آشکار و حرامی است آشکار و شبهه هایی (مسائلی که حلال و حرام بودن آن ها روشن نیست) میان آن. هرکس آن شبهه ها را رها کند (در پی عمل به آن ها نرود) از ارتکاب کارهای حرام نجات یابد و هرکس مرتکب امور مشتبه شود، مرتکب کارهای حرام شده و از موضعی هلاک می شود که از آن بی خبر است.

سپس امام صادق (علیه السلام) در پایان این حدیث فرمودند:

«... فَإِنَّ الْوُقُوفَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَاتِ» (1).

... پس همانا توقف در موضع شبهه ها بهتر از گرفتار آمدن در سختی ترسناک مواضع هلاکت است.

71- رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند:

حَلَالٌ بَيْنَ وَحَرَامٍ بَيْنَ وَبَيْنَهُمَا شُبُهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ تَبَرَّأَ لِدِينِهِ وَعِزِّهِ وَ مَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ كَالرَّاعِي حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهِ إِلَّا إِنْ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمَى وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ تَعَالَى مَحَارِمُهُ» (2).

حلالی است آشکار و حرامی است آشکار و در میان آن دو شبهه هایی وجود دارد که بیشتر مردم از آن آگاهی ندارند. بنابراین هرکس از عمل به شبهه ها بپرهیزد، برای دین و

ص: 71

- 
- 1- الكافي: ج 1 ص 67 باب إختلاف الحديث ... ح 10، من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 8 باب الاتفاق على عدلين ... ح 3233، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 301 ب 92 ح 52، الاحتجاج: ج 2 ص 355، عوالي اللآلي: ج 4 ص 133 الجملة 2 ح 231 . وسائل الشيعة: ج 27 ص 157 ب 12 ح 33472 از الكافي و الفقيه و التهذيب، مستدرک الوسائل: ج 17 ص 321 ب 12 ح 21472-1 از الاحتجاج.
- 2- مستدرک الوسائل: ج 17 ص 323 ب 12 ح 21478 - 7 از عوالي اللآلي، وج 17 ص 324 ب 12 ح 21481-10 از تنبيه الخواطر مانند آن.

آبرویش خلاصی طلب نموده است و آن که در شبهه ها قرار گیرد (خود را به آن آلوده سازد) مرتکب انجام کار حرام شده است. (او) مانند چوپان گرداگرد مرز چراگاه است که نزدیک است در مرز قرار بگیرد (از حدّ خویش تجاوز نماید). آگاه باشید! همانا برای هر پادشاهی، مرزی است و به راستی که مرز خدای تعالی محرمات او (کارهایی که حرام کرده) است.

72- خاتم الأنبياء (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند:

«لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانَهُ حَتَّى يَخْتَوِيَ عَلَى مَادَّةٍ وَثَلَاثِ خِصَالٍ: فِعْلٌ وَعَمَلٌ وَنِيَّةٌ وَبَاطِنٌ وَظَاهِرٌ... بَرِيئاً مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ، وَاقْتِئاً عِنْدَ الشُّبُهَاتِ،...» (1).

ایمان مؤمن کامل نمی شود تا وقتی که دارای یک صد و سه ویژگی باشد: فعل و عمل و نیت و پنهان و آشکارا ... از جمله آن ها این است که از ارتکاب محرمات (کارهایی که خداوند آنها را حرام کرده است) پاک باشد. نزد شبهه ها (اموری که حلال یا حرام بودن آن ها برایش آشکار نیست) توقف کند (به دنبال عمل به آن ها نباشد) ...

73- سیّد الأنبياء و المرسلین محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) به ابوذر فرمودند:

«... يَا أَبَاذَرٍّ إِنَّ الْمُتَمَيِّنَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَتَّقِي مِنْهُ خَوْفًا مِنَ الدُّخُولِ فِي الشُّبُهَةِ...» (2).

... ای اباذر! همانا تقواییشان کسانى هستند که از (نافرمانی) خدای عزّ و جلّ درباره چیزی که از آن پروا نمی شود (از انجام کاری که اجتناب از آن واجب نیست)؛ پرهیز می کنند از ترس این که به شبهه گرفتار آیند، ...

74- حضرت ابوالقاسم محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمودند:

«الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ: أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ رُشْدُهُ فَاتَّبِعْهُ، وَ أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ غَيْبُهُ فَاجْتَنِبْهُ، وَ أَمْرٌ اخْتَلَفَ فِيهِ فَرُدَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (3).

امور سه دسته هستند؛ امری که هدایتش برای تو آشکار است، بنابراین از آن پیروی

ص: 72

1- التّمحيص: ص 74 به ح 171. از او: بحار الأنوار: ج 64 ص 310 ب 14 ح 45 و مستدرک الوسائل: ج 11 ص 178 به ح 12686 - 22 و در آن است: وَبَاطِنٍ وَظَاهِرٍ، وَ ج 17 ص 324 ب 12 ح 21480.

2- الأمالي، الشّيخ الطّوسيّ: (در الأمالي چاپ شده نمی باشد)، مجموعة وّرام: ج 2 ص 62 الجزء 2، مكارم الأخلاق: ص 467 الفصل 5 و در آن است: الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنَ الشَّيْءِ، أعلام الدّين: ص 199. بحار الأنوار: ج 74 ص 75 ح 3 از المكارم، مستدرک الوسائل: ج 11 ص 264 ب 20 ح 12951-6 و ج 17 ص 323 ب 12 ح 21476-5 از الأمالي.

3- من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 400 ح 5858، الأمالي، الشّيخ الصّدوق: ص 305 المجلس 50 ح 1، الخصال: ج 1 ص 153 ح 189، معاني الأخبار: ص 196 باب معنى الغايات ... ح 2. وسائل الشّيعية: ج 27 ص 162 ب 12 ح 33491 از الفقيه و الأمالي و الخصال، بحار الأنوار: ج 2 ص 258 ب 31 ح 1 از الأمالي، و ج 69 ص 203 ب 106 ح 1 از المعاني و الأمالي، و ج 74 ص 126 ب 6 ح 30 از المعاني.

کن و امری که نادرستی آن برای تو آشکار است، از انجام آن پرهیز کن و امری که در آن اختلاف وجود دارد، آن را به خداوند عزّ و جلّ واگذار نما (خود را گرفتار آن نکن).

75- مولای متّقیان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السّلام) فرمودند:

«حَلَالٌ بَيْنَ وَحَرَامٌ بَيْنَ وَشُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَمَنْ تَرَكَ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ فَهُوَ لِمَا اسْتَبَانَ لَهُ أَتْرَكَ وَ الْمَعَاصِيَ حِمَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ يَزْنَعُ حَوْلَهَا يُوشِكُ أَنْ يَدْخُلَهَا» (1).

حلالی است آشکارا و حرامی است آشکارا و در میان آن شبهه‌هایی وجود دارد. هرکس موارد شبهه‌ی حرمت را ترک کند، گذشتن او از ارتکاب فعل حرامی که آشکار است؛ مسلّم تر خواهد بود. و گناهان مرزهای خداوند عزّ و جلّ (مناطق ممنوعه) است، بنابراین هرکس گرداگرد آن بگردد، نزدیک است که وارد آن شود (مرتکب محرمات شود).

76- در عهدنامه امیرالمؤمنین (علیه السّلام) به شهید مالک اشتر (رضی الله عنه) آمده است:

«... ثُمَّ اخْتَرِ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ، مِمَّنْ لَا تَضِيقُ بِهِ الْأُمُورُ، وَلَا تُمَحِّكُهُ (يُمَحِّكُهُ) الصَّوْمُ، وَلَا يَتِمَادِي فِي الرِّزْقِ، وَلَا يَحْضُرُ مِنَ الْفِيءِ إِلَى الْحَقِّ إِذَا عَرَفَهُ، وَلَا تُشْرِفُ نَفْسُهُ عَلَى طَمَعٍ، وَلَا يَكْتَفِي بِأَدْنَى فَهْمٍ دُونَ أَفْصَاهُ، وَأَوْفَقَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ، وَ أَخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ...» (2).

... سپس برای حکم نمودن در میان مردم، نیکوترین رعیت در نظر خودت را برگزین از کسانی که کارها او را در تنگنا قرار ندهد، و کشمکش میان دو طرف دعوا او را به خشم و لجاجت برنیانگیزد، و بر لغزش باقی نباشد (توبه را به تأخیر نیندازد)، و از قبول حق پس از دانستن آن ناراحت نشود، و نفس او به طمع روی نیاورد، و برای فهم حقیقت موضوعی، از تحقیق بسیار به کم بسنده نکند، و در برخورد با شبهه‌ها پرهیزکارترین باشد، و از همه بیشتر در پی به دست آوردن برهان و حجت باشد، ...

ص: 73

1- من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 75 باب نوادر الحدود ... ح 5149، عوالي اللآلي: ج 3 ص 548 باب الحدود ... ح 15. وسائل الشّيعه: ج 27 ص 161 ب 12 ح 33490 و ص 175 ح 33531 از الفقيه.

2- نهج البلاغه: ص 426-433 ک 53. از او: بحار الأنوار: ج 33 ص 604 ب 30 ح 744.

أَمَا بَعْدُ... فَيَا عَجَبًا! وَمَا لِي لَا أَعْجَبُ مِنْ خَطَا هَذِهِ الْفِرْقِ (الْأُمَّة) عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا، لَا يَقْتَصُونَ (لَا يَقْتَنُونَ) أَثَرِ نَبِيِّ وَلَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ (وَلَا يَعْفُونَ عَنْ عَيْبٍ)، (يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَيَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ)، الْمَعْرُوفُ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَ الْمُنْكَرُ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا، (مَفْرَعُهُمْ فِي الْمُعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ تَعْوِيلُهُمْ فِي الْمُهَمَّاتِ عَلَى آرَائِهِمْ)، كَأَنَّ كُلَّ أَمْرٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ، (قَدْ) أَخَذَ (مِنْهَا) فِيمَا يَرَى بِعُرَى ثِقَاتٍ وَ أَسْبَابٍ مُحْكَمَاتٍ». (1)

اما بعد ... شگفتا و چگونه تعجب نکنم از خطای این فرقه ها که از روی اختلاف در دلایلشان درباره دینشان مرتکب شده اند. نه به دنبال آنچه به سوی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) هدایت می کند، می روند و نه به کردار جانشین پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) اقتدا می کنند. و نه به غیب ایمان می آورند و نه از انجام هیچ عیبی (افراط و تفریط) دست می کشند. به شبهه ها عمل می کنند و در شهوتها روان می شوند. «معروف» در میان آنان چیزی است که آن را بشناسند (پسندند) و «منکر» نزد آنان چیزی است که خود آن را انکار کنند (خوش نداشته باشند). پناهگاه آنان در کارهایی که انجام آن ها بسیار دشوار است، خودشان هستند (آنچه می پسندند) و اتکای آنان در کارهای مهم بر نظرهای خودشان است (خودمحور هستند). گویا که هر کدام از آنان، امام خویش است. محققاً چنین باور دارد که به استوارترین دستاویزها چنگ زده و محکم ترین وسیله ها را به کار برده است.

78- در نامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به عثمان بن حنیف آمده است:

«أَمَّا بَعْدُ يَا بَنَ حَنِيفٍ! فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادْبَةٍ فَاسْرَعْتَ إِلَيْهَا، تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُثَقَّلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ وَ مَا

ص: 74

1- الكافي: ج 8 ص 63 ح 22، نهج البلاغة: ص 121 الخطبة 88، غررالحكم: ص 123 ح 2134. وسائل الشيعة: ج 27 ص 160 ب 12 ح 33483 و بحار الأنوار: ج 34 ص 105 ب 31 از نهج البلاغة، و بحار الأنوار: ج 31 ص 554 از الكافي.

ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَعَنِيَّهُمْ مَدْعُوٌّ، فَانْظُرْ إِلَيَّ مَا تَقْضِيهِ مِنْ هَذَا الْمَقْصَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْهُ وَ مَا  
أَيَقَنْتَ بِطَيْبِ وَجْهِهِ فَنَلِّ مِنْهُ» (1)

اما بعد، ای فرزند حنیف! به من خبر رسیده است که مردی از جوانان اهل بصره تو را به یک مهمانی فراخوانده است تو نیز با شتاب به آن مهمانی رفتی. برای تو غذاهای نیکو و رنگارنگ آورده می شد و پی در پی کاسه ها به سوی تو روان می شدند. در حالی که گمان نمی کردم تو مهمانی غذای گروهی را می پذیری که نیازمند آنان مورد جفا قرار گرفته و توانگران آنان دعوت شده باشند. بنگر به آنچه که از این خوردنی ها، تناول کردی (به این که صاحب خانه از چه راهی آن غذاها را تهیه کرده بود دقت کن). آنچه را که حلال یا حرام بودنش بر تو هویدا نبود، بیرون انداز (نخور) و غذایی را که به پاک بودن تمام جهات آن یقین یافتی، از آن بخور.

79- حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

وَإِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ؛ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِدَّ يَأْوُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ، وَ دَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى، وَ أَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ، وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى، فَمَا يَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خَافَهُ، وَ لَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَحَبَّهُ» (2)

و همانا شبهه، شبهه نامیده شد چرا که شبیه به حق است. اما اولیاء خداوند نور آنان در برخورد با شبهه، یقین پیدا کردن است و راهنمای آنان راه هدایت است. اما دشمنان خداوند، بانگ آنان در برخورد با شبهه، گمراهی است و راهنمای آنان نابینایی (کوردلی). بنابراین آن که از مرگ بترسد (به سبب ترس) از آن نجات نمی یابد و آن که

جاودانگی را دوست می دارد (بدین جهت) جاودانگی به او بخشیده نمی شود.

80- حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

ص: 75

1- نهج البلاغة: ص 416 الكتاب 45-45. از او: وسائل الشيعة: ج 27 ص 159 ب 12 ح 33480، و بحار الأنوار: ج 33 ص 473 ب 29 ح 686 و ج 40 ص 340 ب 98 ح 27 و ج 72 ص 448 ب 89 ح 12.

2- نهج البلاغة: ص 81 الخطبة 38، غرر الحكم: ص 72 في الشبهات ... الكلمة 1083 تا قول حضرت (علیه السلام): وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى. و وسائل الشيعة: ج 27 ص 161 ب 12 ح 33487 تا: وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى، و بحار الأنوار: ج 67 ص 181 ب 52 از نهج البلاغة.

«إِنَّ مَنْ صَرَخَ لَهُ الْعَبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَهُ التَّقْوَى عَنْ تَقْحُمِ الشُّبُهَاتِ» (1).

همانا آن کس که عبرت های آنچه از عقوبت ها در مقابل اوست، برایش آشکار باشد، تقوا او را از این که به ورطه ی هولناک شبهه ها گرفتار آید، نگه می دارد.

81- حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

... يَا كَمِيلُ أَخُوكَ دِينُكَ فَأَحْتِطْ لِدِينِكَ بِمَا شِئْتَ، ...» (2).

ای کمیل! برادر تو دین توست، بنابراین در امر دینت به آنچه می توانی احتیاط کن.

82- از وصیت های امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندشان امام حسن مجتبی (علیه السلام):

«... وَأَوْصِيكَ يَا بُنَيَّ بِ- ... وَ الصُّمْتِ عِنْدَ الشُّبُهَةِ، ... وَأَنْهَكَ عَنِ التَّسْرُّعِ بِالْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، ...» (3).

... ای فرزندانم و وصیت می کنم تو را به ... و سکوت کردن در موضع شبهه ... و تو را نهی می کنم از این که در سخن گفتن و عمل کردن شتاب ورزی ...

83- از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند:

«الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبُهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ، وَتَرْكُكَ حَدِيثًا لَمْ تُرَوْهُ خَيْرٌ مِنْ رِوَايَتِكَ حَدِيثًا لَمْ تُحْصِهِ، ...» (4).

ایستادگی در برابر شبهه ها بهتر از افتادن در ورطه ی هولناک هلاکت است و این که حدیثی را که معنای آن را تشخیص نمی دهی، واگذاری، بهتر از این است که حدیثی را که بر آن احاطه نداری، روایت کنی.

84- از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که حضرت فرمودند:

«إِذَا انْقَبَتِ الْمُحَرَّمَاتِ وَ تَوَزَّعَتِ عَنِ الشُّبُهَاتِ وَ أَدْبَيْتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَ تَنَقَّلْتِ بِالْوَأْفَلِ فَقَدْ أَكْمَلْتِ فِي الدِّينِ الْفَضَائِلَ» (5).

ص: 76

1- نهج البلاغة: ص 57 الخطبة 16. غررالحکم: ص 472 الكلمة 10786 و 10787، مجموعة ورام: ج 2 ص 8 الجزء 2، أعلام الدین: ص 147 باب صفة المؤمن ... وسائل الشيعة: ج 27 ص 161 ب 12 ح 33488 و بحار الأنوار: ج 32 ص 47 ب 1 ح 30 از نهج البلاغة، و بحار الأنوار: ج 75 ص 3 تتمه باب 15 ح 51 از کتاب مطالب السؤل محمد بن طلحة.

2- الأمالي، الشيخ المفيد: ص 283 المجلس 33 ح 9. الأمالي، الطوسي: ص 110 المجلس 4 ح 168-22 از شيخ مفيد. بحار الأنوار: ج 2 ص 258 ب 31 ح 4 و وسائل الشيعة: ج 27 ص 167 ب 12 ح 33509 از الأمالي شيخ طوسي.

3- الأمالي، الشيخ المفيد: ص 220 المجلس 26 ح 1، الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 7 المجلس 1 ح 8، كشف الغمة: ج 1 ص 535. بحار الأنوار: ج 42 ص 202 ب 127 ح 7 و ج 75 ص 98 ب 18 ح 1 از الأمالي شيخ مفيد و طوسي، وسائل الشيعة: ج 27 ص 167 ب

12 ح 33510 از الأمالي ابن الطوسي.

4- تفسير العياشي: ج 1 ص 8 ح 2، رسالة في المهر، الشيخ المفيد: ص 30. وسائل الشيعة: ج 27 ص 171 ب 12 ح 33520 از تفسیر،

مستدرک الوسائل: ج 17 ص 329 ب 12 ح 21484- از رسالة المهر.

5- مستدرک الوسائل: ج 17 ص 324 ب 12 ضمن ح 21482 - 11 از غررالحکم.

هنگامی که از انجام دادن کارهای حرام پروا نمودی و دامان از آلودگی به شبهه‌ها پاک‌دستی و کارهای واجب را ادا کردی و نافلة‌ها را نیز به جا آوردی، به راستی که فضیلت‌ها را در دین (خود) کامل کرده‌ای.

85- حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ» (1).

پاکدامنی، توقف کردن نزد شبهه‌هاست.

و فرمودند:

«... وَ لَا وَرَعَ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، ...» (2).

... و هیچ پاکدامنی‌ای، مانند توقف نزد شبهه‌ها نیست، ...

و فرمودند:

«مِنَ الْحَزْمِ الْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ» (3).

از جمله موارد خودداری، توقف کردن نزد شبهه‌هاست.

86- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ» (4).

پاکدامن‌ترین مردم آن کسی است که در شبهه‌ها باز ایستد.

87- حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) درباره این آیه: «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ - وَأَنْ كَسَانِي كَمَا مَرْتَكِبُ گناهان می‌شوند، جزای یک گناه مانند آن است و چهره‌های آنان را خواری و ذلت می‌پوشاند، برای آنان هیچ بازدارنده‌ای از (عذاب) خدا وجود ندارد» فرمودند:

هَؤُلَاءِ أَهْلُ الْبِدْعِ وَالشُّبْهَاتِ وَالشَّهَوَاتِ يُسَوِّدُ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ» (5).

آنان اهل بدعت‌ها و شبهه‌ها و شهوت‌ها هستند، خدا چهره‌هاشان را سیاه می‌کند

ص: 77

1- عیون الحکم و المواعظ، اللیثی: ص 68 الفصل 1 ح 1722 و غرر الحکم، ص 125 ح 2185.

2- نهج البلاغة: ص 488 الحکمة 113، روضة الواعظین: ج 2 ص 434، مشکاة الأنوار: ص 115 الفصل 3. وسائل الشیعة: ج 27



ص 161 ب 12 ح 33486 و بحار الأنوار ج 2 ص 260 ب 31 ح 15 و ج 66 ص 409 ب 38 ح 122 و مستدرک الوسائل: ج 12 ص 46 ب 62 ح 13480 - 17 از نهج البلاغة، بحار الأنوار: ج 67 ص 316 ب 58 ح 23 از الرّوضة و ج 75 ص 13 تتمّه باب 15 ح 71 از مطالب السّؤل .

3- مستدرک الوسائل: ج 17 ص 324 ب 12 ح 21482 - 11 از غرر الحکم.

4- الخصال: ج 1 ص 16 ح 56، تحف العقول، ص 489 - و روي عن الإمام الخالص الهادي أبي محمّد الحسن بن عليّ (عليهم السّلام): بحار الأنوار: ج 2 ص 258 ب 31 ح 2 و ج 67 ص 305 ب 57 ح 25 و ج 68 ص 206 ب 65 ح 14 و ج 70 ص 349 ب 137 ح 42 و ج 75 ص 192 ب 23 ح 5 از الخصال، مستدرک الوسائل: ج 17 ص 324 ب 12 ح 21483 - 12 از كتاب الغايات، جعفر بن أحمد القميّ.

5- تفسير القميّ: ج 1 ص 311. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 298 ب 34 ح 19 و وسائل الشّيعه: ج 27 ص 172 ب 12 ح 33522 و در آن است: يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ.

سپس (در آن حال) او را ملاقات می کنند.

88- حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْاِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ، وَ تَرَكُّكَ حَدِيثًا لَمْ تَرَوْهُ خَيْرٌ مِنْ رِوَايَتِكَ حَدِيثًا لَمْ تُحْصِهِ». (1)

ایستادن (دست نگه داشتن) در مقابل شبهه بهتر از گرفتار شدن در هلاکت است و این که حدیثی را که معنای آن را تشخیص نمی دهی، واگذاری، بهتر از این است که حدیثی را که بر آن احاطه نداری، روایت کنی.

89- زرارة بن أعین می گوید: به حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) عرض کردم: حقّ خدا بر بندگانش چیست؟ فرمود:

«حَقُّ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَنْ يَقُولُوا بِمَا (ما) يَعْلَمُونَ وَ يَكْفُوا عَمَّا لَا يَعْلَمُونَ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ وَ اللَّهُ أَدَّوْا إِلَيْهِ حَقَّهُ». (2)

حقّ خداوند بر بندگانش این است که بدان چه علم دارند لب به سخن بکشایند و از آنچه درباره آن آگاهی ندارند، بگذرند (خود را به آن آلوده نکنند). آنگاه که چنین کردند به تحقیق حقّ خداوند را ادا کرده اند.

90- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«... إِنَّ النِّكَاحَ أَحْرَى وَ أَحْرَى أَنْ يُحْتَاطَ فِيهِ وَ هُوَ فَرْجٌ وَ مِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ...». (3)

... همانا نکاح سزاوارتر و اولی است که در آن بیشتر دقت و احتیاط شود، و این اختیار همبستری به کسی دادن است، و از این راه است که فرزند پیدا می شود ...

91- فضیل بن عیاض گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: چه کسی پاکدامن است؟ حضرت امام (علیه السلام) فرمودند:

الَّذِي يَتَوَرَّعُ مِنْ (عَنْ) مَحَارِمِ اللَّهِ وَ يَجْتَنِبُ هُوْلَاءَ وَ إِذَا لَمْ يَتَّقِ الشُّبُهَاتِ

ص: 78

1- الكافي: ج 1 ص 50 باب التّوادر... ح 9، و كتاب الزّهد، حسين بن سعيد اهوازی: ص 19 ب 2 ح 41- ... عن أحدهما (عليهما السلام) مانند آن تا: الهَلَكَةُ، و المحاسن: ج 1 ص 215 ب 8 ح 102 عن أحدهما (عليهما السلام) مانند آن. وسائل الشّیعة: ج 27 ص 154 ب 12 ح 33465 از الكافي و المحاسن، و الوسائل: ج 27 ص 157 ب 12 ح 33476 از كتاب الزّهد.

2- المحاسن: ج 1 ص 204 ب 4 ح 53، الكافي: ج 1 ص 50 باب التّوادر... ح 12. وسائل الشّیعة: ج 27 ص 168 ب 12 ح 33512 و بحار الأنوار: ج 2 ص 118 ب 16 از المحاسن، و الوسائل: ج 27 ص 24 ب 4 ح 33109 و ص 155 ب 12 ح 33467 از الكافي. و در التّوحد: ص 459 ب 67 ح 27- عن زرارة قال سألت أبا جعفر (عليه السلام): ما حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ؟ قَالَ: أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ، وَ يَقْفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ الْأَمَالِي شَيْخِ صَدُوق: ص 420؛ المجلس 65 ح 14 مانند التّوحد، روضة الواعظین: ج 2 ص 468. وسائل الشّیعة: ج 27 ص 163 ب 12 ح 33495 از التّوحد و الأمالي، بحار الأنوار: ج 2 ص 113 ب 16 ح 2 از الأمالي.

3- من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 84 باب الوكالة... ح 3383، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 214 ب 86 ح 5. وسائل الشّیعة: ج 19 ص 163

ب2 ح 24369 وج 20 ص 259 ب157 ح 25574 وج 27 ص 159 ب 12 ح 33479 از الفقيه.

وَقَعَ فِي الْحَرَامِ وَهُوَ لَا يَعْرِفُهُ» (1).

کسی که از انجام کارهایی که خداوند حرام فرموده است، دامان پاک بدارد، و از اینان (...). بپرهیزد. و وقتی که از انجام شبهه ها نهراسد، قطعاً به انجام کار حرام دچار خواهد شد در حالی که آن را نمی شناسد (از حرام بودن انجام آن کار آگاهی ندارد).

92- حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الْعَالِمُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» (2).

کسی که بدون داشتن بینش صحیح عمل می کند، مانند کسی است که در بیراهه حرکت می کند. سرعت پیمایش او برایش جز دوری از مسیر اصلی، چیز دیگری ندارد.

93- بعضی از خطبه های امام باقر (علیه السلام)، به امام صادق (علیه السلام) عرضه شد تا این که به موضعی رسیدند. حضرت فرمودند:

کفایت کن (بس کن) و ساکت شو.

سپس فرمودند:

«(إِنَّهُ) لَا يَسَعُكُمْ فِيمَا يَنْزِلُ بِكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا الْكُفَّ عَنْهُ وَ الشَّيْبُ وَ الرَّدُّ إِلَى أَيْمَةِ الْهُدَى حَتَّى يَحْمِلُوكُمْ فِيهِ عَلَى الْقَصْدِ وَ يَجْلُوا عَنْكُمْ فِيهِ الْعَمَى وَ يَعْرِفُوكُمْ فِيهِ الْحَقُّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: فَاسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (3).

آنچه به دست شما می رسد که از درستی آن آگاهی ندارید، در مقابل آن وظیفه ای ندارید جز این که توقف کنید و بررسی نمایید و آن را به امامان هدایت و اگزار کنید تا شما را به حقیقت برسانند و کوری (گمراهی) را از شما برطرف سازند و حق را به شما بشناسانند، الله تعالی می فرماید: «پس بپرسید از اهل ذکر اگر (آنچه) نمی دانید».

ص: 79

1- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 360 ح 25، معانی الأخبار: ص 252 باب معنی الورع من الناس ... ح 1. وسائل الشیعة: ج 16 ص 258 ب 37 ح 21506 و ج 27 ص 162 ب 12 ح 33493 و بحار الأنوار: ج 67 ص 303 ب 57 ح 15 و ج 72 ص 369 ب 82 ح 6 از المعانی.

2- المحاسن: ج 1 ص 198 ب 2 ح 24 و الکافی: ج 1 ص 43 باب من عمل بغير علم ... ح 1. فقه الرضا علیه السلام: ص 381 ب 106 عن العالم (علیه السلام) مانند الکافی و در آن زیادت است: عَنِ الطَّرِيقِ، من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 401 ح 5864 و در آن است: فَلَا تَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا، الأمامی، شیخ صدوق: ص 421، المجلس 65 ح 18 مانند الفقيه و در آن است: وَ لَا يَزِيدُهُ، الأمامی، شیخ مفید: ص 42 المجلس 5 ح 11- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) يَقُولُ: الْعَالِمُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى سَبِيلِ بَقِيْعَةٍ لَا تَزِيدُهُ سُرْعَةَ سَيْرِهِ إِلَّا بُعْدًا. تحف العقول، ص 362 از امام جعفر صادق (علیه السلام)، و در آن است: غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا تَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا، كنز الفوائد: ج 2 ص 109 از امام جعفر صادق (علیه السلام): مانند الکافی و در آن است: لَا تَزِيدُهُ، روضة الواعظین: ج 1 ص 10- از رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) مانند الفقيه و در آن است: وَ لَا تَزِيدُهُ، أعلام الدین: ص 83 از امام صادق (علیه السلام).

السّلام)، عدّة الدّاعي: ص 74 القسم 6: از رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مانند الفقيه و در آن است: لَا يَزِيدُهُ، عوالي اللائلي: ج 4 ص 73 الجملة 2 ح 50 از امام جعفر صادق (عليه السّلام) مانند العدّة. مستطرفات السّرائر: ص 644 از المحاسن و در آن است: فَلَا يَزِيدُهُ، مشكاة الأنوار: ص 134 الفصل 8 از المحاسن و در آن است: وَلَا تَزِيدُهُ، مستطرفات السّرائر: 623 از الفقيه و در آن است: فَلَا يَزِيدُهُ، وسائل الشّيعه: ج 27 ص 24 ب 4 ح 33110 از الكافي و الفقيه والأمامي شيخ صدوق، و ص 166 ب 12 ح 33504 از الأمالي شيخ مفيد و در آن است: لَا يَزِيدُهُ، بحار الأنوار: ج 1 ص 206 ب 5 ح 1 از الأمالي شيخ صدوق و ج 1 ص 208 ب 5 ح 9 از الأمالي شيخ مفيد و در آن است: عَلَى السَّرَابِ بِقِيَعَةٍ لَا يَزِيدُهُ، و ج 75 ص 244 ب 23 از التحف مانند آن.

3- الكافي: ج 1 ص 50 باب التّوادر ... ح 10. المحاسن: ج 1 ص 216 ب 8 ح 106... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السّلام) اُكْتُبَ فَأَمَلِي عَلَيْهِ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُكُمْ فِيمَا يَنْزِلُ بِكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا الْكُفُّ عَنْهُ وَ التَّثْبُتُ فِيهِ وَ رُدُّهُ إِلَى أئِمَّةِ الْهُدَى حَتَّى يَحْمِلُوكُمْ فِيهِ عَلَى الْقَصْدِ. تفسير العيّاشي: ج 2 ص 260 ح 30- عَنْ حَمَزَةَ بْنِ مُحَمَّدِ الطَّيَّارِ قَالَ عَرَضْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السّلام) كَلَاماً لِأَبِي فَقَالَ: اُكْتُبْ فَإِنَّهُ لَا يَسَعُكُمْ فِيمَا نَزَلَ بِكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ - إِلَّا الْكُفُّ عَنْهُ وَ التَّثْبُتُ فِيهِ، وَ رُدُّهُ إِلَى أئِمَّةِ الْهُدَى حَتَّى يَحْمِلُوكُمْ فِيهِ عَلَى الْقَصْدِ، وَ يَجْلُو عَنْكُمْ فِيهِ الْعَمَى، قَالَ اللَّهُ «فَسَّ تَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». وسائل الشّيعه: ج 27 ص 25 ب 4 ح 33113 و ص 155 ب 12 ح 33466 از الكافي، بحار الأنوار: ج 2 ص 120 ب 12 ح 33، از المحاسن. و بحار الأنوار: ج 2 ص 120 ب 16 ح 32 از المحاسن: ج 1 ص 216 ب 8 ح 104... إِنَّهُ لَا يَسَعُكُمْ فِيمَا يَنْزِلُ بِكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا الْكُفُّ عَنْهُ وَ التَّثْبُتُ فِيهِ، وَ الرُّدُّ إِلَى أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يُعْرِفُوكُمْ فِيهِ الْحَقُّ وَ يَحْمِلُوكُمْ فِيهِ عَلَى الْقَصْدِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «فَسَّ تَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، بحار الأنوار: ج 23 ص 183 ب 9 ح 42 از تفسير عيّاشي و در آن است: وَ التَّثْبُتُ، وَ مستدرك الوسائل: ج 17 ص 268 ب 7 ح 21303-2 از تفسير عيّاشي، و در بحار و مستدرك است: عَرَضْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السّلام) بَعْضَ خُطْبِ أَبِيهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَوْضِعٍ فَقَالَ: كُفَّ فَاسْكُتْ. ثُمَّ قَالَ لِي: اُكْتُبْ، وَ أَمَلِي عَلَيَّ: أَنَّهُ لَا يَسَعُكُمْ ....

«إِنَّ مَنْ أَجَابَ فِي كُلِّ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ لَمْ يَجُنْ». (1)

همانا کسی که به تمام آنچه از او پرسیده می شود، پاسخ گوید، حتما دیوانه است.

95- عبدالرحمان بن الحجاج گوید: به حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) گفتم: اگر دو نفر حاجی در حال احرام، با هم تیری پرتاب کنند و حیوانی را شکار کنند، آیا جان فدای آن شکار، بین آن دو نفر تقسیم می شود، یا هر کدامشان باید یک جان فدا تقدیم کنند؟ آن حضرت فرمود:

نه. هر یک باید به تنهایی جان فدای آن شکار را تقدیم کند.

گفتم: برخی از شیعیان حکم این مسأله را پرسیدند و من ندانستم پاسخ آن چیست؟ فرمود:

«إِذَا أُصْبِتُمْ بِمِثْلِ هَذَا فَلَمْ تَدْرُوا فَعَلَيْكُمْ بِالْإِحْتِيَاظِ حَتَّى تَسْأَلُوا عَنْهُ فَتَعْلَمُوا». (2)

اگر با چنین مسایلی برخورد کردید و حکم آن را ندانستید، باید احتیاط کنید، تا آن هنگام که از ما پرسید و تکلیف خود را معلوم کنید.

96- عبدالله بن وضاح گوید: به عبد صالح حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) نوشتیم: آنگاه که قرص خورشید ناپدید شود و شب رو کند سپس بر درازای شب افزوده شده و خورشید از ما پوشیده شود و بر بالای کوه، سرخی بلند شود و مؤذنان اذان بگویند، آنگاه نماز گزارم و اگر روزه باشم افطار کنم یا صبر کنم تا آن سرخی که بالای کوه است از میان برود؟ امام (علیه السلام) در پاسخ من چنین نوشتند:

«أَرَى لَكَ أَنْ تَنْتَظِرَ حَتَّى تَذَهَبَ الْحُمْرَةُ، وَ تَأْخُذَ بِالْحَائِطَةِ لِدِينِكَ». (3)

باید منتظر بمانی تا این که قرمزی از میان برود و باید در دین خود احتیاط کنی.

## جایگاه خمس

97- مردی از بازرگانان فارس و پیروان امام رضا (علیه السلام)، به ایشان نامه نوشت و درباره

ص: 80

1- معانی الأخبار: ص 238 باب معنی الجنون ... ح 2. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 117 ب 16 ح 15 و وسائل الشیعة: ج 27 ص 165 ب 12 ح 33500 و در آن است: فَهُوَ الْمَجْنُونُ.

2- الکافی: ج 4 ص 391 باب القوم یجتمعون علی الصّید و ... ح 1. تهذیب الأحکام: ج 5 ص 466 ب 26 ح 277. وسائل الشیعة، ج 13 ص 46 ب 18 ح 17201 و ج 27 ص 154 ب 12 ح 33464 از الکافی، بحار الأنوار: ج 2 ص 259 ب 31 ح 10 از التهذیب.

3- تهذیب الأحکام: ج 2 ص 259 ب 13 ح 68، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار: ج 1 ص 264 ب 149 ح 13 مانند التهذیب و در آن است: عبدالله بن صباح... فَوْقَ اللَّيْلِ... الَّتِي فَوْقَ اللَّيْلِ. وسائل الشیعة: ج 4 ص 176 ب 16 ح 4840 و ج 10 ص 124 ب 52

ح 13015 مانند الاستبصار و در آن است: ... عن عبدالله بن وضّاح ... و بحار الأنوار: ح 2259 ب 31 ح 11 از التّهذیب و در آن است:  
... حَتَّى تَذَهَبَ الْحُمْرَةُ فَكَتَبَ ...

خمس اجازه خواست (تا ایشان به او ببخشند)، آن حضرت در پاسخ او نوشتند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، صَدَّقَ مِنْ عَلَيَّ الْعَمَلِ الثَّوَابَ وَعَلَى الضَّيْقِ الْهَمَّ لَا يَحِلُّ مَالٌ إِلَّا مِنْ وَجْهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ وَإِنَّ الْخُمْسَ عَوْنًا عَلَى دِينِنَا وَعَلَى عِيَالِنَا وَعَلَى مَوَالِينَا وَمَا تَبَدَّلُهُ وَنَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تَزُورُوهُ، عَنَّا وَلَا تُحَرِّمُوا أَنْفُسَكُمْ دَعَانَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ اخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَتَمْحِصُ ذُنُوبِكُمْ، وَمَا تُمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمِ فَاقَتِكُمْ وَالْمُسْلِمُ مَنْ يَفِي اللَّهَ بِمَا عَاهَدَ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ الْمُسْلِمُ مَنْ أَجَابَ بِاللِّسَانِ وَ خَالَفَ بِالْقَلْبِ، وَالسَّلَامُ» (1).

بسم الله الرحمن الرحيم همانا خداوند واسع و کریم است. برای انجام کار (ی که مورد رضایتش باشد) ثواب و برای تنگ نظری، غم و اندوه را ضمانت کرده است. هیچ مالی حلال نیست مگر از راهی که خداوند آن را حلال کرده است و به راستی که خمس یاری ما بر دین و عیالات و دوستانمان است و وسیله بذل و بخشش ما و حفظ آبرویمان در برابر کسی است که از او بیم داریم. آن را از ما دریغ ندارید و خود را از دعای ما محروم نسازید تا آنجا که بر آن توانا هستید؛ زیرا پرداخت خمس، گشایش روزی شما و مایه پاک شدن گناهان شما و ذخیره ای است که برای روز بی نوائی خود پس انداز می کنید. و مسلمان تنها کسی است که برای خدا بدان چه با او پیمان بسته است، وفا کند. و مسلمان نیست کسی که به زبان پذیرا و به دل مخالف است، والسلام.

### جایگاه حدیث و سخن اهل بیت اطهار (علیهم السلام)

98 - امام به حق ناطق حضرت جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

«حَدِيثِي حَدِيثُ أَبِي، وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ،

ص: 81

---

1- الكافي: ج 1 ص 547 باب الفیء و ... ح 25، المقنعة: ص 283 ب 38، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 139 ب 39 ح 17، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار: ج 2 ص 59 ب 32 ح 9، عوالي اللآلی: ج 2 ص 77 المسلك 4 ح 206 با اختصار: ج 3 ص 126 ب 5 ح 6. وسائل الشيعة: ج 9 ص 538 ب 3 ح 12665 از الكافي.



و حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)، وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (1)

حدیث (و سخن) من حدیث پدر من است، و حدیث پدرم حدیث جد من است، و حدیث جدم حدیث امام حسین است، و حدیث امام حسین حدیث امام حسن، و حدیث امام حسن حدیث امیرالمؤمنین (علیهم السلام) است، و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتار خداوند عز و جل است (امامان و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از خود چیزی نمی گویند و آنچه می گویند همانند قرآن سخن و خواست خداوند می باشد).

99- قتیبه گوید: مردی مسأله ای از امام صادق (علیه السلام) پرسید و حضرت جوابش را فرمود، آن مرد گفت: بفرمائید، اگر چنین و چنان باشد جوابش چیست؟ به او فرمود:

«مَهْ مَا أَجَبْتُكَ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) لَسْنَا مِنْ أَرَأَيْتَ فِي شَيْءٍ». (2)

خاموش، هرچه من به تو جواب دهم از گفته رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ما به هیچ وجه از خود رأیی نداریم.

و عنبسة گوید: مردی از امام جعفر صادق (علیه السلام) سؤالی نمود و آن حضرت پاسخ او را دادند، پس آن مرد عرض کرد: اگر چنین و چنان باشد سخن (قول دیگر) درباره آن چیست؟ به او فرمودند:

«مَهُمَا أَجَبْتُكَ فِيهِ لِشَيْءٍ فَهُوَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) لَسْنَا نَقُولُ بِرَأْيِنَا مِنْ شَيْءٍ». (3)

هرگاه در مورد چیزی پاسخت را دادم بدان آن از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است، ما از رای و نظر خویش چیزی نمی گوئیم.

ص: 82

1- الكافي: ج 1 ص 53 باب رواية الكتب و... ح 14. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2 ص 186 مانند آن با اختلاف و اختصار. إعلام الوری: ص 285 الفصل 4 از الإرشاد، الخرائج و الجرائح: ج 2 ص 894 و روضة الواعظین: ج 1 ص 210 و كشف الغمّة: ج 2 ص 170 مانند الإرشاد. منية المرید: ص 373 الفصل 1، و وسائل الشیعة: ج 27 ص 83 ب 8 ح 33271 از الكافي، بحار الأنوار: ج 2 ص 178 ب 23 ح 28 از المنية.

2- الكافي: ج 1 ص 58 باب البدع و الرأي و... ح 21. از او: الوافي: ج 1 ص 258 ح 199 - 22.

3- بصائر الدرجات: ص 300 ب 14 ح 8. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 173 ب 23 ح 6.

100- جابر گوید: حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) به من فرمود:

«يَا جَابِرُ وَاللَّهِ لَوْ كُنَّا نَحَدِّثُ النَّاسَ أَوْ حَدَّثْنَا هُمْ بِرَأْيِنَا لَكُنَّا مِنَ الْهَالِكِينَ وَ لَكِنَّا نَحَدِّثُهُمْ بِأَثَارٍ عِنْدَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) يَتَوَارَثُهَا كَابِرٌ عَنْ كَابِرٍ نَكْنِزُهَا كَمَا يَكْنِزُ هَوْلَاءٌ ذَهَبَهُمْ وَ فِضَّتَهُمْ». (1)

ای جابر! به حضرت الله سوگند اگر ما از روی رای و نظر خویش برای مردم حدیث می گفتیم از هالکان می شدیم، ولی ما به شما حدیث هایی می گوئیم که از رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) گنجینه کرده ایم و آن را از پدران خود به ارث برده ایم، همانگونه که این مردم طلا و نقره خود را ذخیره می کنند.

101- سماعة گوید: به ابو الحسن امام موسی کاظم (علیه السلام) عرض کردم: هر آنچه را که می فرمایید در کتاب الله و سنت او است و یا این که به رای و نظر خود می گوئید؟ فرمود:

«بَلْ كُلُّ شَيْءٍ نَقُولُهُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ». (2)

بلکه هر آنچه را که می گوئیم در کتاب الله و سنت پیامبر اوست.

102- از امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام) نقل شده که فرمود (تردید از راوی است):

«لَا تُكْذِبُوا بِحَدِيثِ أَتَاكُمْ أَحَدٌ؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّهُ مِنَ الْحَقِّ، فَتُكْذِبُوا اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ». (3)

حدیثی را که کسی از ما برای شما نقل کند (بدون تحقیق) تکذیب نکنید، پس به درستی که شما نمی دانید شاید که حق بوده باشد (که اگر آن کلام را ندانسته تکذیب کنید) خدا را از بالای عرش او تکذیب نموده اید (زیرا که سخن اهل بیت (علیهم السلام) کلام خداوند است).

### صوفیان همگی مخالف اهل بیت نبوت (علیهم السلام) می باشند

103- محمد بن الحسین بن ابی الخطاب که از خواص اصحاب چند امام معصوم (علیهم السلام) است گفت: با امام هادی علی بن محمد (علیهما السلام) در مسجد النبی بودم. گروهی از اصحاب حضرت نزد

ص: 83

1- بصائر الدرجات: ص 300 ب 14 ح 6.

2- بصائر الدرجات: ص 301 ب 15 ح 1، الاختصاص: ص 281. از آن ها: بحار الأنوار: ج 2 ص 173 ب 23 ح 8.

3- بصائر الدرجات: ص 538 ب 22 ح 5، علل الشرائع: ج 2 ص 395 ب 131 ح 13 به سند خود از امام جعفر صادق (علیه السلام) مانند آن و در آن است: أَتَاكُمْ بِهِ مُرْجَبِيٌّ وَ لَا قَدْرِيٌّ وَ لَا خَارِجِيٌّ نَسَبُهُ الْبَيْنَا، فَإِنَّكُمْ ... شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ. بحار الأنوار: ج 2 ص 186 ب 26 ح 10 از البصائر.

ایشان آمدند و ابوهاشم جعفری از جمله آن ها بود. او سخنوری بلیغ بود و نزد حضرت جایگاهی بزرگ داشت. سپس گروهی از صوفیان داخل مسجد الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) شدند و به تهلل گفتن پرداختند، در حالی که حضرت امام علی هادی (علیه السلام) نشسته بودند و گروهی از یارانشان از جمله سخنور شیعه ابوهاشم جعفری، گرد آن حضرت بودند، امام فرمودند:

لَا تَلْتَفِتُوا بِهَوَآءِ الْخَدَّاعِينَ؛ فَإِنَّهُمْ خُلَفَاءُ الشَّيَاطِينِ، وَ مُخَرَّبُوا قَوَاعِدَ الدِّينِ، يَتَزَهَّدُونَ لِرَاحَةِ الْأَجْسَامِ، وَيَتَهَجَّدُونَ لِتَصِيدِ الْأَنْعَامِ، يَتَجَوَّعُونَ عُمراً حَتَّى يَدْبِيحُوا (يَدْبِيحُوا) لِلاِيكافِ حُمراً، لَا يَهْلُلُونَ إِلَّا لِعُرُورِ النَّاسِ، وَلَا يَقْلَلُونَ الْعِذَاءَ إِلَّا لِمَلَأِ الْعِيسَاءِ وَ اخْتِلَاسِ قَلْبِ الدَّفَنَاسِ يُكَلِّمُونَ النَّاسَ بِامَلَائِهِمْ فِي الْحُبِّ، وَ يَطْرَحُونَهُمْ بِإِذْلَالِهِمْ (بِإِذْلِيلَائِهِمْ - بِأَدَالِيهِمْ) فِي الْجُبِّ، أُرَادُهُمُ الرِّقْصَ وَ التَّصَدِيَةَ، وَ أَذْكَارَهُمُ التَّرْتُّمَ وَ التَّغْنِيَةَ، فَلَا يَتَّبِعُهُمْ إِلَّا السُّفَهَاءُ، وَ لَا يَعْتَقِدُهُمْ إِلَّا الْحُمَقَاءُ، فَمَنْ ذَهَبَ إِلَى زِيَارَةِ أَحَدٍ مِنْهُمْ حَيًّا أَوْ مَيِّتًا فَكَأَنَّمَا ذَهَبَ إِلَى زِيَارَةِ الشَّيْطَانِ، وَ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ وَ مَنْ أَعَانَ أَحَدًا مِنْهُمْ فَكَأَنَّمَا أَعَانَ يَزِيدَ وَ مَعَاوِيَةَ وَ أَبَاسْفِيَانَ».

به این نیرنگ بازان نگاه نکنید که جانشینان (هم پیمانان) شیاطین و ویرانگران شالوده های دین هستند. برای آسایش تن، زهد پیشه می کنند و برای شکار شب زنده داری کنند، عمری را به گرسنگی سپری می کنند تا جاهلان را بفریبند. جز برای فریب مردم تهلل نمی گویند و از غذای اندک استفاده می کنند تا ظرف های بزرگ خود را پراز غذا کنند و دل های مردم پست و فرومایه را مجذوب خود سازند. با مردم مهربانانه سخن می گویند و با گمراهی های خود آنان را به درون چاه می افکنند. وردشان رقصیدن و سوت کشیدن است و ذکرشان ترتم و آوازه خوانی. تنها بی خردان از آن ها پیروی می کنند و ابلهان به آنان معتقد می شوند، هرکس به دیدار زنده یا مرده آنان برود، گویا به دیدار

شیطان و بت پرستان رفته و هرکس به یکی از آنان کمک کند؛ گویا به به یزید و معاویه و ابوسفیان یاری کرده است.

یکی از یاران حضرت عرض کرد: حتی اگر (آن صوفی) به حقوق شما معترف باشد؟ حضرت نگاهی خشم آلود به او افکنده فرمودند:

«دَعَّ ذَا عُنْكَ، مَنْ اعْتَرَفَ بِحُقُوقِنَا لَمْ يَذْهَبْ فِي عُقُوقِنَا، أَمَا تَدْرِي أَنَّهُمْ أَحْسَسُ طَوَائِفِ الصُّوفِيَّةِ، وَ الصُّوفِيَّةُ كُلُّهُمْ (مُخَالَفُونَ) مِنْ مُخَالَفِينَا، وَ طَرِيقَتُهُمْ مُغَايِرَةٌ لَطَرِيقَتِنَا، وَ إِنْ هُمْ إِلَّا نَصَارَى وَ مَجُوسُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، أُولَئِكَ الَّذِينَ يَجْحَدُونَ فِي إِطْفَاءِ نُورِ اللَّهِ، وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (1).

این سخن را رها کن، آن کس که به حقوق ما معترف باشد، از ما سرپیچی نمی کند، مگر نمی دانی؟! اینان پست ترین طایفه صوفیان اند؟ و صوفیان همگی از مخالفان ما هستند، و روش آنان با روش ما مغایر است. آنان جز نصاری و مجوس این امت نیستند، آنان کسانی هستند که در خاموش کردن نور خداوند می کوشند، و خداوند نور خویش کامل می کند گرچه کافران نپسندند. (2)

### کمال ایمان: ... قول قول آل محمد است و بس

104- از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند:

«مَنْ سَرَّ أَنْ يَسْتَكْمِلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلْ الْقَوْلَ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ قَوْلَ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) فِيمَا أَسْرَوُا وَ (فِيمَا) مَا أَعْلَنُوا وَ فِيمَا بَلَّغَنِي عَنْهُمْ وَ فِيمَا لَمْ يَبْلُغَنِي» (3).

هر کسی خوش دارد که همه ایمان را کامل گرداند، پس بگوید: قول من در همه چیز قول آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، در آنچه پنهان نموده و آنچه آشکار ساخته اند، و در آنچه از جانب ایشان به من رسیده و در آنچه به من نرسیده است.

ص: 85

1- حدیقة الشیعة: ج 4 ص 802 فصل 2: ابن حمزه و سیّد مرتضی رازی از شیخ مفید رحمه الله به واسطه ای نقل کرده اند که او به سند خود نقل نموده از محمد بن الحسین بن ابی الخطاب که از خواص اصحاب چند امام معصوم (علیهم السلام) است، که او گفت: كُنْتُ مَعَ الْهَادِي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ)، فَأَتَاهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، مِنْهُمْ أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ كَانَ رَجُلًا بَلِيغًا وَ كَانَتْ لَهُ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ جَمَاعَةٌ مِنَ الصُّوفِيَّةِ وَ جَلَسُوا فِي جَانِبِ مُسْتَدِيرًا وَ أَخَذُوا بِالتَّهْلِيلِ فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): .

2- ملا محمد طاهر قمم رحمه الله در تحفة الأخبار: ص 22 مرقوم فرموده: مرحوم سیّد مرتضی رازی از شیخ مفید به سند صحیح از حضرت امام علی التقی (علیه السلام) روایت کرده: محمد بن حسین بن ابی الخطاب گوید: من با امام علی التقی (علیه السلام) در مسجد النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ) بودم، در آن حال جمعی از اصحاب آن حضرت از جمله ابوهاشم جعفری - که فردی بلیغ و سخنور و نزد امام از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. بر آن حضرت وارد شدند. پس از آن گروهی صوفی وارد مسجد شده و در گوشه ای از مسجد حلقه زده و به گفتن لا إله إلا الله پرداختند. امام (علیه السلام) به ما فرمود: ... . مقام الفضل: ج 2 ص 412 و البراهین القاطعة: ج 2 ص 348 الفرقة 7 و الإثنا عشرية: ص 28 از کتاب حدیقة الشیعة. و إكليل المنهج في تحقيق المطلب، محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی کرباسی: ص 128: وفي كتاب قرب الإسناد مسنداً عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ الْهَادِي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

(عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، فَأَتَاهَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، مِنْهُمْ أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَكَانَ رَجُلًا بَلِيغًا وَكَانَتْ لَهُ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):. و الهدايا لشيعة أئمة الهدى: ج 1 ص 106 المقدمة 10- وروى الشيخ المفيد رحمه الله بإسناده عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ... . منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئي): ج 14 ص 16 المقام 8 الحادي والعشرون في حديقة الشيعة عن السيد المرتضى ابن الداعي الحسن الرازي و ابن حمزة جميعاً، عن المفيد، بسنده عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ...، ورواه المحدث الجزائري أيضاً في الأنوار التعمانية من كتاب قرب الإسناد مسنداً عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب مثله.

3- الكافي: ج 1 ص 391 باب التسليم وفضل المسلمين ... ح 6. و مختصر البصائر: ص 266 باب ما جاء في التسليم لما جاء عنهم (عليهم السلام) وفي من رده و أنكره ... ح 6/260 از (بصائر الدرجات سعد بن عبد الله) ... و در آن است: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيَقُلْ: الْقَوْلُ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ قَوْلَ آلِ مُحَمَّدٍ فِيمَا أَسْرُؤَا وَ مَا أَعْلَنُوا، وَ فِيمَا بَلَّغَنِي عَنْهُمْ وَ فِيمَا لَمْ يَبْلُغَنِي. بحار الأنوار: ج 25 ص 364 ب 13 ح 2 و عوالم العلوم و المعارف، ج 20 قسم 2 الصادق (عليه السلام) ب 17 ح 1 از مختصر البصائر. رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين: ج 6 ص 414 و الشافي: ص 295 ح 5/429 و الوافي: ج 2 ص 112 ح 572-6 و تفسير البرهان: ج 5 ص 864 ب 4 ح 28/12121 و الإيقاظ من الهجعة: ص 7 و مرآة العقول: ج 4 ص 282 همه از الكافي.

أَنَا وَرَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَلَى الْحَوْضِ وَمَعَنَا عَثْرَتُنَا فَمَنْ أَرَادَنَا فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا وَلْيَعْمَلْ بِأَعْمَالِنَا فَإِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) لَنَا شَفَاعَةٌ فَتَنَافَسُوا فِي لِقَائِنَا عَلَى الْحَوْضِ فَإِنَّا نَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَنَا وَنَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءَنَا وَ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا، ... وَ مَنْ تَرَكَ الْأَخْذَ عَمَّنْ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ؛ قَبِضَ اللَّهُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ...» (1).

من و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کنار حوض قرار می گیریم و خاندان ما هم با ما خواهند بود، هرکس می خواهد نزد ما بیاید باید به گفته های ما عمل کند و کارهای ما را انجام دهد. همانا ما اهل بیت (علیهم السلام)، اهل (و صاحب) شفاعت هستیم؛ اینک برای ملاقات ما بشتابید. ما در کنار حوض (کوثر) هستیم دشمنان خود را از آن دور و دوستان خود را از آن سیراب می کنیم. هرکس از آن حوض سیراب گردد، هرگز تشنه نمی شود، ... و هرکس دریافت (معارف، احکام و اخلاق را) از کسی که حضرت الله امر فرموده به اطاعت نمودن از او ترک گوید، شیطانی بر او مسلط می کند که همواره با او خواهد بود ...

توضیح: در کلام امام (علیه السلام) روشن است که هرکس سخنی جز سخن اهل بیت نبوت (علیهم السلام) بگوید و یا سخن آنان ملاک در کارهایش نباشد، به یقین حضرت الله تعالی او را به شیطانی واگذار می کند تا این که مسلط بر نفس او گردد و او را برده خود سازد.

106- در حدیث موثقی از ابو حمزه ثمالی که گوید: امام جعفر صادق (علیه السلام) به من فرمودند:

«إِيَّاكَ وَ الرُّئَاسَةَ، وَ إِيَّاكَ أَنْ تَطَّأَ أَعْقَابَ الرِّجَالِ».

از ریاست بپرهیز، و بپرهیز از اینکه دنبال مردم بروی.

ابو حمزه گوید: عرضه داشتم: قربانت کردم! ریاست را دانستم، اما اینکه دنبال مردم بروم، من دو سوّم هر چه دارم از این است که دنبال مردم رفته ام. به من فرمود:

ص: 86

«لَيْسَ حَيْثُ تَذَهَبُ إِلَيْكَ أَنْ تَنْصِبَ رَجُلًا دُونَ الْحُجَّةِ فَتَصَدَّقَهُ فِي كُلِّ مَا قَالَ» (1).

چنین نیست که فهمیدی، مقصود این است که تو غیر از حجت خدا شخص دیگری را بدون دلیل (به جای او) به امامت برگزینی و هر چه گوید تصدیقش نمایی.

و آن حضرت به سفیان بن خالد مانند همین کلام را فرموده و اضافه نمودند:

«و تَدْعُو النَّاسَ إِلَى قَوْلِهِ» (2).

و مردم را برای شنیدن (و پذیرفتن) گفتارش دعوت کنی.

### تسلیم معصوم

107 - حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّكُمْ لَا تَكُونُونَ صَالِحِينَ حَتَّى تَعْرِفُوا وَلَا تَعْرِفُونَ حَتَّى تُصَدِّقُوا وَلَا تُصَدِّقُونَ حَتَّى تُسَلِّمُوا أَبْوَابَ أَرْبَعَةٍ لَا يَصِلُ لُحُ أُولَئِهَا إِلَّا بِأَخْرِهَا صَدَلٌ أَصْحَابُ الثَّلَاثَةِ وَ تَاهُوا نَيْهَاً بَعِيداً إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا بِالْوَفَاءِ بِالشُّرُوطِ وَ الْعُهُودِ وَ مَنْ وَفَى اللَّهَ بِشُرُوطِهِ وَ اسْتَكْمَلَ مَا وَصَفَ فِي عَهْدِهِ نَالَ مَا عِنْدَهُ وَ اسْتَكْمَلَ وَعْدَهُ...» (3).

به راستی شما مردمی صالح و شایسته نباشید، تا معرفت پیدا کنید، و معرفت پیدا نکنید تا باور کنید، و باور نکنید تا این که تسلیم شوید، چهار در است، که نخستین آن ها شایسته نباشد جز به همراهی آخرشان، آن ها که از سه در وارد شوند گمراه گردند، و در سرگردانی و گمراه دوری بیافتند. به راستی حضرت الله تبارک و تعالی جز کار شایسته را نپذیرد، و جز وفاء به شرط و پیمان را نپذیرد، هر که برای خدا به قرار او پایید و پیمانی که وصف نماید بکار بندد، بدانچه نزد خدا است برسد، و آنچه را وعده داده

ص: 87

1- الكافي: ج 2 ص 298 باب طلب الرئاسة ... ح 5، معاني الأخبار: ص 169 باب معنى وطء أعقاب الرجال ... ح 1. وسائل الشیعة: ج 27 ص 126 ب 10 ح 33387-6 و بحار الأنوار: ج 70 ص 150 ب 124 ح 4 از الكافي. بحار الأنوار: ج 2 ص 83 ب 14 ح 5 و ج 70 ص 153 ب 124 ح 10 از المعاني.

2- معاني الأخبار: ص 179 باب معنى قول الصادق جعفر بن محمد (عليه السلام): من طلب الرئاسة هلك ... ح 1. از او: وسائل الشیعة: ج 27 ص 129 ب 10 ح 33396-15.

3- الكافي: ج 1 ص 181 باب معرفة الإمام و الرد إليه ... ح 6، و ج 2 ص 47 باب خصال المؤمن ... ح 3.

است کاملاً دریابد ... .

108- حضرت امام محمد باقر و یا امام جعفر صادق (علیهما السلام) فرمودند:

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَيُّمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَيُرَدَّ إِلَيْهِ وَيُسَلَّمَ لَهُ...» (1).

بنده مؤمن نباشد تا این که به حضرت الله و رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) و همه امامها و امام زمانش (علیهم السلام) معرفت داشته باشد، و در کارهایش به امام زمانش مراجعه کند، و تسلیم او باشد، ... .

## ولایت فاطمی

109- حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«... لَقَدْ كَانَتْ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا) طَاعَتُهَا مَفْرُوضَةً عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ، وَالْإِنْسِ، وَالطَّيْرِ، وَالْبَهَائِمِ (وَالْوَحْشِ)، وَالْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَلَائِكَةِ...».

و همانا مسلماً اطاعت از (حضرت فاطمه که دروهای حضرت الله بر او باد) بر همه آفریده های الله، از جنیان، انسان ها، پرندگان، چهارپایان، حیوان های وحشی، پیامبران و فرشتگان واجب بوده (و می باشد)، ... (2).

## حدیث لوح، سرّ الله و دین انبیاء و ملائکه

110 - ابوبصیر گوید: امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

پدرم به جابر بن عبد الله انصاری فرمود:

من با تو کاری دارم، چه وقت برایت آسان تر است که تو را تنها بینم و درباره آن از تو سؤال کنم؟ جابر به ایشان گفت: هر وقت شما دوست بدارید، پس روزی با او در خلوت نشستند و به او فرمودند: درباره لوحی که آن را در دست مادرم حضرت فاطمه (علیها السلام) دختر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) دیده ای و آنچه مادرم به تو فرمود که در آن لوح نوشته بود، به من خبر ده. جابر گفت: خدا را گواه می گیرم که من در زمان

ص: 88

1- الکافی: ج 1 ص 180 باب معرفة الإمام والرّدّ إليه ... ح 2. از او: وسائل الشیعة: ج 27 ص 63 ب 7 ح 33207 - 5 و إثبات الهداة: ج 1 ص 106 ب 6 ح 27 و الإيقاظ من الهجعة: ص 104 - 106 ح 34 / 34.

2- دلائل الإمامة: ص 104 - 106 ح 34/34.



حیات رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) خدمت مادر تان حضرت فاطمه (علیها السلام) رفتم و آن حضرت را به ولادت حضرت حسین (علیه السلام) تبریک گفتیم، در دستشان لوح سبزی دیدم که گمان کردم از زمرد است و نوشته ای سفید در آن دیدم که چونان رنگ خورشید درخشان) بود. به آن حضرت عرض کردم: ای دختر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)! پدر و مادرم به قربانت، این لوح چیست؟ فرمود: این لوحی است که حضرت الله آن را به رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) اهدا فرموده، اسم پدرم و اسم شوهرم و اسم دو پسر و اسم اوصیاء از فرزندانم در آن نوشته است و پدرم آن را به عنوان مژدگانی به من عطا فرموده. جابر گوید: سپس مادر تان حضرت فاطمه (علیها السلام) آن را به من دادند، من آن را خواندم و رونویسی کردم. پس پدرم به او فرمود: ای جابر! آن را بر من عرضه می داری؟ عرض کرد: آری. آن گاه پدرم همراه جابر به منزل او رفتند، جابر صحیفه یی از پوست را بیرون آورد. پدرم فرمود: ای جابر، تو در نوشته ات نگاه کن تا من برایت بخوانم، جابر در نسخه خود نگریست و پدرم آن را قرائت فرمود، حتی حرفی با حرفی اختلاف نداشت. آن گاه جابر گفت: پس الله را گواه می گیرم که این گونه در آن لوح نوشته دیدم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ نُورِهِ وَ سَمِيعِهِ وَ حِجَابِهِ وَ دَلِيلِهِ، نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. عَظُمَ يَا مُحَمَّدُ اسْمُ مَا فِي وَ أَشَدُّ كُرْ آلَائِي، وَ لَا تَجْحَدْ نِعْمَائِي. إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ مَدِيدُ الْمَظْلُومِينَ وَ دِيَانُ الدِّينِ. إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَمَنْ رَجَا غَيْرَ فَضْلِي أَوْ خَافَ غَيْرَ عَذْلِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ. فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ، إِنِّي لَمْ أَبْعَثْ نَبِيًّا وَ أَكْمَلْتُ أَيَّامَهُ وَ انْقَضَتْ بُيُوتُهُ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ وَصِيًّا، وَ إِنِّي فَضَّلْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ، وَ فَضَّلْتُ وَصِيَّكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ، وَ أَكْرَمْتُكَ بِشَبْلِيكَ وَ سَبْطِيكَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ،

فَجَعَلْتُ حَسَنًا مَعْدِنَ عِلْمِي بَعْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ أَبِيهِ، وَجَعَلْتُ حُسَيْنًا حَازِنَ وَحْيِي، وَ أَكْرَمْتُهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَتَمْتُ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، فَهُوَ أَفْضَلُ مَنْ أُسْتُسِّدَّ هَدًى وَ أَرْفَعُ الشُّهُدَاءَ دَرَجَةً. جَعَلْتُ كَلِمَتِي التَّامَّةَ عِنْدَهُ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ مَعَهُ، بَعَثْتَهُ أُثَيْبَ وَ أَعَاقِبَ. أَوْلَهُمْ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَ زَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ. وَ ابْنُهُ شَبِيهُ جَدِّهِ الْمَحْمُودِ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ لِعِلْمِي وَ الْمَعْدِنُ لِحِكْمَتِي. سَدَّ يَهْلِكُ الْمُرْتَابُونَ فِي جَعْفَرٍ، الرَّادُّ عَلَيْهِ كَالرَّادِّ عَلَيَّ، حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لِأَكْرَمِ مَنْ مَثَوَى جَعْفَرٍ وَ لَأَسْرَتَهُ فِي أَشْيَاعِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ. أُتِيحَتْ بَعْدَهُ بِمُوسَى فِتْنَةٌ عَمِيَاءُ حِنْدِسٍ، لِأَنَّ خَيْطَ فَرَضِي لَا يَنْقَطِعُ وَ حُجَّتِي لَا تَخْفَى، وَ أَنَّ أَوْلِيَائِي يُسْتَقْوُونَ بِالْكَأْسِ الْأَوْفَى، وَ مَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَ نِعْمَتِي، وَ مَنْ غَيَّرَ آيَةً مِنْ كِتَابِي فَقَدْ افْتَرَى عَلَيَّ. وَ يُلُّ لِلْمُفْتَرِينَ الْجَاحِدِينَ عِنْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ مُوسَى عَبْدِي وَ حَبِيبِي وَ خَيْرَتِي فِي عَلِيِّ وَ لِيٍّ وَ نَاصِرِي، وَ مَنْ أَضْعَ عَلَيْهِ أَعْبَاءَ النُّبُوَّةِ وَ أَمْتَحِنَهُ بِالِإِضْطِرَاعِ بِهَا، يُقْتَلُهُ عَفْرِيَّتُ مَسِّ تَكْبِيرٍ يُدْفَنُ فِي الْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ إِلَى جَنْبِ شَرِّ خَلْقِي. حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لِأَسْرَتِهِ بِمُحَمَّدٍ ابْنِهِ وَ خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ وَارِثِ عِلْمِهِ، فَهُوَ مَعْدِنُ عِلْمِي وَ مَوْضِعُ سِرِّي وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي، لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ بِهِ إِلَّا شَفَعْتُهُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبَ النَّارَ. وَ أَخْتِمُ بِالسَّعَادَةِ لِابْنِهِ عَلِيِّ وَ لِيٍّ وَ نَاصِرِي وَ الشَّاهِدِ فِي خَلْقِي وَ أَمِينِي عَلَى وَحْيِي، أُخْرِجُ مِنْهُ الدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِي، وَ الْمَعْدِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ. وَ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ م ح م د رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ بَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ، فَيُذَلُّ أَوْلِيَائِي فِي زَمَانِهِ وَ

تَتَهَادَى رُؤُوسُهُمْ كَمَا تَتَهَادَى رُؤُوسُ الثَّرَكِ وَالذَّلِيمِ ، فَيَقْتُلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيَكُونُونَ حَافِينَ مَرْعُوبِينَ وَجَلِينَ ، نُصْبِعُ الْأَرْضَ بِدِمَائِهِمْ ، وَيَقْسُو  
 الْوَيْلُ وَالرَّثَّةُ فِي نَسَائِهِمْ ، أَوْلَيْكَ أَوْلِيَانِي حَقًّا ، بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ ، وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَزْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَعْلَالَ ، أَوْلَيْكَ عَلَيْهِمْ  
 صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ» (1)

بسم الله الرحمن الرحيم این نامه ای از جانب خداوند عزیز حکیم برای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر او، و نور او و سفیر او و حجاب او (واسطه میان خالق و مخلوق) و راهنمای او، که روح الامین (حضرت جبرئیل) از نزد پروردگار جهان بر او نازل شده است. ای محمد! اسماء مرا بزرگ شمار، و نعمت های مرا سپاسگزار، و الطاف مرا انکار مکن. همانا من الله که جز من شایان پرستش نیست، منم شکننده جباران (ستمگران)، و انتقام جوی ستم دیدگان، و جزا دهنده روز رستاخیز. همانا من الله که جز من شایان پرستش نیست، هرکه جز فضل مرا امیدوار باشد، و از غیر عدالت من بترسد، او را عذابی کنم که هیچ يك از جهانیان را نکرده باشم، پس تنها مرا پرستش کن، و تنها بر من توکل نما. همانا من هیچ پیغمبری را مبعوث نساختم که دورانش کامل شود، و مدتش تمام گردد، جز این که برای او وصی و جانشینی قرار دادم. و همانا من تو را بر پیغمبران برتری دادم، و وصی ترا بر اوصیاء دیگر فضیلت دادم، و ترا به دو شیرزاده، و دو نوه ات: حسن و حسین (علیهما السلام) گرامی داشتم. و حسن (علیه السلام) را بعد از سپری شدن روزگار پدرش معدن علم خود قرار دادم. و حسین (علیه السلام) را خزانه دار وحی خود ساختم، و او را به شهادت گرامی داشتم، و پایان کارش را به سعادت رسانیدم، پس او برترین شهادت، و مقامش از همه آن ها عالی تر است. کلمه تاّمه (معارف و حجج) خود را همراه او، و حجّت رسای خود (براهین قطعی امامت) را نزد او قرار دادم، به سبب عترت او ثواب دهم و عقوبت کنم. نخستین آن ها سرور عبادت کنندگان، و زینت اولیاء

ص: 91

1- الکافی: ج 1 ص 527 باب ما جاء في الإثني عشر والتصّ عليهم (عليهم السلام) ... ح 3- محمد بن يحيى و محمد بن عبد الله، عن عبد الله بن جعفر، عن الحسن بن ظريف و علي بن محمد، عن صالح بن أبي حمّاد، عن بكر بن صالح، عن عبد الرحمن بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال:.. و الإمامة و التبصرة من الحيرة: ص 103 ب 27 ح 92 - حدّثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر الحميريّ جميعاً، عن أبي الحسن صالح بن أبي حمّاد و الحسن بن طريف جميعاً عن بكر بن صالح، عن عبد الرحمن بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:.. و الهداية الكبرى: ص 364-366 ب 14. و إثبات الوصية: ص 168 و 271- أبو الحسن صالح بن أبي حمّاد و الحسن بن طريف جميعاً عن بكر بن صالح، عن عبد الرحمن بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام):.. و الغيبة، التعمانيّ: ص 62 ب 4 ح 5 - حدّثني موسى بن محمد القميّ أبو القاسم بشيراز سنة ثلاث عشرة و ثلاثمائة قال: حدّثنا سعد بن عبد الله الأشعريّ، عن بكر بن صالح، عن عبد الرحمن بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليه السلام) قال:.. و كمال الدين و تمام النعمة: ج 1 ص 308 ب 28 ح 1- حدّثنا أبي و محمد بن الحسن (رضي الله عنهما) قال: حدّثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر الحميريّ جميعاً: عن أبي الحسن صالح بن أبي حمّاد و الحسن بن طريف جميعاً عن بكر بن صالح. و حدّثنا أبي و محمد بن المتوكل و محمد بن عليّ ماجيلويه و أحمد بن عليّ بن إبراهيم و الحسن بن إبراهيم ناتانة و أحمد بن زياد الهمدانيّ (رضي الله عنهم)، قالوا: حدّثنا عليّ بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم بن هاشم، عن بكر بن صالح، عن عبد الرحمن بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام). و عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ج 1 ص 41 ب 6 ح 2 مانند كمال الدين. و الاختصاص: ص 210- حدّثنا محمد بن معقل قال: حدّثنا أبي، عن عبد الله بن جعفر الحميريّ عند قبر الحسين (عليه السلام) في الحائر سنة ثمان و تسعين و مائتين قال: حدّثنا الحسن بن ظريف بن ناصح، عن بكر بن صالح، عن عبد الرحمن بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام):.. و الغيبة، الشيخ الطوسيّ: ص 143- أخبرني جماعة، عن أبي جعفر محمد بن سفيان البزوفريّ، عن أبي عليّ أحمد بن إدريس و عبد الله بن جعفر الحميريّ

معاً، عن أبي الخير صالح بن أبي حمّاد الرّازيّ والحسن بن ظريف جميعاً، عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام): صفوة الأخبار (مخطوط)؛ الشّيخ فضل الله بن محمود قرن 5: ص 132- رواية أبي بصير. وإعلام الوري بأعلام الهدى: ج 2 ص 173 الفصل 2 مانند الكمال والعيون ومناقب آل أبي طالب (عليهم السّلام): ج 1 ص 296- از كتاب مولد فاطمة (عليها السّلام) (الشّيخ الصدوق): أنّه أخبرني أبي سمع محمّد بن موسى بن المتوكّل ومحمّد بن عليّ ماجيلويه وأحمد بن عليّ بن إبراهيم والحسين بن إبراهيم بن تاتانة وأحمد بن زياد الهمدانيّ بأسانيدهم: عن جابر بن عبد الله قال للباقر (عليه السّلام):. والإحتجاج: ج 1 ص 67- روى أبو بصير، عن أبي عبد الله الصادق (عليه السّلام) أنّه قال:.. وجامع الأخبار: ص 18 الفصل 7- عن الصدوق قال: حدّثنا أبي رحمه الله، عن سعد بن عبد الله، عن أبي الحسن صالح بن أبي حمّاد، عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السّلام):. والرّوضة في فضائل أمير المؤمنين (عليه السّلام): ص 62 ح 46 والفصائل: ص 113 و 114، ابن شاذان القميّ: قال أبو بصير: عن أبي عبد الله جعفر بن محمّد الصادق (عليه السّلام). وألقاب الرّسول وعترته ضمن (مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمّة (عليهم السّلام)): ص 160 و مشارق أنوار اليقين: ص 60 الفصل 14 ... حديث اللّوح الذي رواه جابر عن الزّهراء (عليها السّلام) وهو لوح أهداه الله إلى رسوله (صلّى الله عليه وآله وسلّم) فيه اسمه واسم الخلفاء من بعده نسخته:.. وإرشاد القلوب إلى الصّواب: ج 2 ص 290- عن أبي عبد الله (عليه السّلام) قال:.. والصّراط المستقيم إلى مستحقّي التّقديم: ج 2 ص 137 و 138 فمن النّصوص الصّحيحة التي أخرجها جابر وقال: أشهد بالله أنّي هكذا رأيته مكتوباً في اللّوح:.. والجواهر السّنيّة: ص 201 از الكافي. وبحار الأنوار: ج 36 ص 195 ب 40 ح 3 از الكمال والعيون والاحتجاج والاختصاص وغيبة الطّوسيّ والتّعمانيّ. وعوالم العلوم: ج 3/15 ص 68 ح 6، و ج 11/2 ص 848 ح 6، از كمال الدّين والعيون. وإثبات الهداة بالنّصوص والمعجزات: ج 2 ص 5 ب 9 ح 73 از الكافي والكمال والعيون وغيبة الطّوسيّ والتّعمانيّ والاحتجاج وإعلام الوري والمشارق والإرشاد الشّيخ المفيد والصّراط المستقيم والمناقب والإثبات وتقريب المعارف وإرشاد القلوب. ودر كتب مخالفين: در بحر المناقب: ص 33 مخطوط، الشّيخ جمال الدّين محمّد بن أحمد الحنفيّ الموصليّ الشّهير بابن حسنويه بنابر نقل كتاب شرح إحقاق الحقّ: ج 5 ص 114 ح 109 قال: وفي اللّوح المَحْفُوظ الَّذِي نَزَلَ بِهِ جَبْرِئِيلُ (عليه السّلام) فِيهِ مَا يَنْفَعُ الْمُسْتَبْصِرِينَ وَهُوَ مَحْذُوفٌ الْأَسَانِيدُ يُرْفَعُ إِلَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) أَنَّهُ قَالَ: قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ (عَلَيْهِ السّلام):.. وفرائد السّمطين: ج 2 ص 136 ب 32 ح 432 - 435 - أنبأني المشايخ الكرام السّيد الإمام جمال الدّين رضيّ الإسلام أحمد بن طائوس الحسنيّ والسّيد الإمام النّسابة جلال الدّين عبد الحميد بن فخر بن معد بن فخر الموسويّ وعلامة زمانه نجم الدّين أبو القاسم جعفر بن الحسن بن يحيى ابن سعيد الحلّيّون رحمهم الله كتابة: عن السّيد الإمام شمس الدّين شيخ الشّرف فخر بن معد بن فخر الموسويّ، عن شاذان بن جبرئيل القميّ، عن جعفر بن محمّد الدورستيّ عن أبيه، عن أبي جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ (رضي الله عنهم) قال: حدّثني أبي ومحمّد بن الحسن (رضي الله عنهما)، قالوا: حدّثنا سعد ابن عبد الله وعبد الله بن جعفر الحميريّ جميعاً عن أبي الخير صالح بن أبي حمّاد والحسن بن ظريف جميعاً، عن بكر بن صالح. و حدّثنا أبي ومحمّد بن موسى بن المتوكّل ومحمّد بن عليّ ماجيلويه وأحمد بن عليّ ابن ماجيلويه وأحمد بن عليّ بن إبراهيم، و الحسن بن إبراهيم بن ناتانة وأحمد ابن زياد الهمدانيّ (رضي الله عنهم) قالوا: حدّثنا عليّ بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم ابن هاشم، عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير: عن أبي عبد الله (عليه السّلام) قال:.. وبه حديث لوح اينان اشاره کرده اند: الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2 ص 138 فصل في تاريخ ولادة الإمام السّجاد (عليه السّلام) ... و ج 2 ص 159 فصل في تاريخ ولادة الإمام الباقر (عليه السّلام) ... و ج 2 ص 182 فصل في تاريخ ولادة الإمام الصادق (عليه السّلام) ... وقال: روت الشّيعه ... والفصول المختارة: ص 304 فصل الاعتراض على مذهب الكيسانيّة و ردّ أدلّتها .... وإشارة به حديث لوح کرده و بعضی از آن را نقل فرموده است فقيه أبو الصّلاح الحلبيّ در كتاب شريف تقريب المعارف: ص 182 و 421: وَرَوَوْا قِصَّةَ اللّوْحِ الَّذِي أَهْبَطَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَيِّمَةِ الْإِثْنِي عَشَرَ. وَرَوَوْا ذَلِكَ مِنْ عِدَّةِ طُرُقٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ ... وفرموده: وَرَوَوْا

عن أبي بصير، عن أبي عبدالله جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام) . . . و اشاره به حديث لوح کرده است إربلي در كتاب كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج 2 ص 84 و ج 2 ص 124: و روت الشيعة في خبر اللّوح الذي هبط به جبرئيل على رسول الله (صلّى الله عليه وآله و سلّم) . . . و ج 2 ص 167 و ص 508 ب 25. و اشاره به حديث لوح کرده است عليّ بن يوسف بن المطهر الحلبيّ در كتاب العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة: ص 84.

گذشته من است. و پسر او که مانند جدّ محمود (پسندیده) خود محمّد (علیه السّلام) است، او شکافنده علم من، و معدن حکمت من است. شك کنندگان در باره جعفر (علیه السّلام) هلاک می شوند، هرکه او را (به امامت) نپذیرد (و سخنش را اطاعت نکند) مانند آن است که مرا نپذیرفته، سخن و وعده پابرجای من است که: مقام جعفر (علیه السّلام) را گرامی دارم، و او را نسبت به شیعیانش و یارانش و دوستانش مسرور سازم. پس از او (امام بر حق) موسی است که در زمان او آشوبی سخت و گیج کننده فراگیر شود، زیرا رشته و جوب اطاعت من منقطع نگردد، و حجت من پنهان نشود، و همانا اولیای من با جامی سرشار سیراب شوند. هر کس یکی از آن ها را انکار کند، همانا نعمت مرا انکار کرده، و آن که يك آیه از کتاب مرا تغییر دهد، پس به تحقیق بر من دروغ بسته است. پس از گذشتن دوران بنده و دوست و برگزیده ام موسی، وای بر دروغ بندان و منکرین علیّ (الرّضا) (علیه السّلام) ولیّ و یاور من، و کسی که بارهای سنگین نبوّت را به دوش او گذارم، و بوسیله انجام دادن آن ها امتحانش کنم، او را مردی پلید و گردنکش (مأمون) می کشد، و در شهری که بنده صالح (ذو القرنین) آن را ساخته است، پهلوی بدترین مخلوقم (هارون) به خاک سپرده می شود. فرمان و وعده من ثابت شده که او را به وجود پسرش محمّد (علیه السّلام)، و خلیفه اش پس از او، و وارث علمش مسرور سازم، پس اوست معدن علم من، و محلّ سرّ (وراز) من، و حجّت من بر خلقم، بنده یی به او ایمان نیاورد مگر این که بهشت را جایگاهش سازم، و شفاعت او را نسبت به هفتاد تن از خاندانش، که همگی مستوجب آتش باشند بپذیرم. و عاقبت کار پسرش علی (علیه السّلام) را، که ولی و باور من، و گواه در میان مخلوق من، و امین بر وحی من است به سعادت رسانم. از او به وجود آورم دعوت کننده بسوی راهم، و خزانه دار علمم حسن (علیه السّلام) را. و این رشته امامت را به پسر او «م ح م د» (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) که رحمت برای جهانیانست کامل کنم، او کمال موسی، و بهاء (شکوه و زیبایی) عیسی، و صبر ایّوب را دارد. پس در زمان غیبت او دوستانم خوار گردند، و سرهای آنها هدیه فرستاده شود،

چنان که سرهای ترك و دیلم (کافران) هدیه فرستاده شود، پس کشته شوند، و سوزانده شوند، و آن ها ترسان، و بیمناک، و هراسان باشند، زمین از خونشان رنگین گردد، و ناله و واویلا در میان زنانشان بلند شود، آن ها دوستان حقیقی منند. به سبب آن ها هر آشوب سخت و تاریک را بزدایم، و به سبب آن ها زلزله ها و سنگینی ها و زنجیرها را دفع می نمایم  
بر آنان درودها و رحمت از پروردگارشان باد، و تنها ایشانند، هدایت شدگان».

عبد الرّحمان بن سالم گوید: ابوبصیر گفت: اگر در دوران عمرت جز این حدیث نشنیده باشی، تو را کفایت کند، پس آن را از نا اهلش مخفی دار.

و شیخ صدوق علیه الرّحمة به روایت دیگر خود از جابر بن یزید جعفری از امام محمّد باقر (علیه السّلام) از جابر بن عبد الله الأنصاری روایت کند که گفت: (1)

بر مولای خود حضرت فاطمه زهرا (علیها السّلام) داخل شدم و در مقابل ایشان لوحی بود که پرتو آن چشم را خیره می کرد، و در آن دوازده نام بود: سه نام در روی و سه نام در پشت و سه نام در آخر و سه نام در حاشیه آن بود، پس آن ها را بر شمردم و دوازده نام بود. عرض کردم: این ها اسامی چه کسانی است؟ فرمود: این ها اسامی اوصیاء است، اولین ایشان پسر عموی من، و یازده نفر دیگر از فرزندان من هستند، که آخرین آنان حضرت قائم (صلوات الله علیهم اجمعین) است.

جابر گوید: نام محمّد در سه موضع و نام علی در چهار موضع آن بود.

و همچنین شیخ صدوق علیه الرّحمة به روایت دیگر خود از ابوالجارود، از حضرت امام محمّد باقر (علیه السّلام) از جابر بن عبد الله الأنصاری روایت می کند که گفت: (2)

بر حضرت فاطمه زهرا (علیها السّلام) داخل شدم و جلوی ایشان لوحی بود که در آن نام اوصیاء نوشته بود پس آن ها را شمردم دوازده بود که آخرین آن ها حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشّریف) بود، سه نام محمّد و چهارتای از آنان علی بود.

و روایت کند به دیگر سند خود از اسحاق بن عمّار، از امام جعفر صادق (علیه السّلام) که فرمود: (3)

ای اسحاق! آیا به تو بشارت ندهم؟

ص: 93

1- کمال الدّین: ج 1 ص 308 ب 28 ح 2 و عیون أخبار الرّضا (علیه السّلام): ج 1 ص 46 ب 5 ح 5.

2- کمال الدّین: ج 1 ص 308 ب 28 ح 3 و عیون أخبار الرّضا (علیه السّلام): ج 1 ص 6 ب 6 ح 6.

3- کمال الدّین: ج 1 ص 308 ب 28 ح 4 و عیون أخبار الرّضا (علیه السّلام): ج 1 ص 45 ب 6 ح 3.

گفتم: ای فرزند رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)! فدای شما شوم، آری. فرمود:

صحیفه ای یافتیم که به املائی رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و خط نوشته حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، و در آن نوشته است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ، ...»

و حدیث لوح را همان گونه که در این باب نقل کردم ذکر فرمود. سپس حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

ای اسحاق! این دین ملائکه، و رسولان است، آن را از غیر اهلش صیانت کن، تا خداوند تو را صیانت کند، و کار تو را اصلاح کند.

سپس فرمود:

هر که به این عقیده باشد از عذاب خدای تعالی ایمن خواهد بود.

و همچنین شیخ صدوق علیه الرحمة به روایت دیگر خود از عبدالله بن محمد بن جعفر از جدش روایت کند که گفت: [\(1\)](#)

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرزندانش را جمع کرد و عموی آن ها زید بن علی نیز در میان آن ها بود، سپس امام باقر (علیه السلام) نوشته ای را که به املائی رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) و خط نوشته حضرت علی (علیه السلام) بود بیرون آوردند و در آن نوشته شده بود:

«هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»،

و حدیث لوح را نقل کرد تا آنجا که می گوید:

«أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ».

... سپس گوید:

این سرّ حضرت الله، و دین او، و دین ملائکه اوست، آن را صیانت کن، و از ناهلان و غیر اولیاء الله پنهان دار.

و شیخ طوسی (قدّس سرّه) در کتاب الامالی به سند خود ... از محمد بن سنان، از حضرت ابو عبد

ص: 94

---

1- کمال الدین: ج 1 ص 308 ب 28 ح 5 و عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج 1 ص 45 ب 6 ح 4.



الله جعفر صادق (علیه السلام) نقل کرده که حضرت فرمود:

روزی پدرم به جابر فرمود: ای جابر! من با تو کاری دارم، می خواهم روزی با هم تنها باشیم. وقتی که با هم تنها شدند، پدرم به جابر فرمود: به من از آن لوحی که در دست مادرم حضرت فاطمه (علیها السلام) دیدی خبر بده. جابر عرضه داشت: خداوند را شاهد می گیرم من روزی به نزد فاطمه دختر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتم تا که تولّد فرزندش حضرت حسین (علیه السلام) را تبریک بگویم، پس دیدم در دست آن حضرت لوحی سبز رنگ از زبرجد سبز را، و در آن نوشته ای هست که از نور خورشید درخشان تر می باشد و از مشک از فریویش معطرتر است. پس من عرض کردم: ای دختر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، این چیست؟ به من فرمود: این لوحی است که حضرت الله عزّ و جلّ آن را به پدرم هدیه داده است. در آن نام پدرم و شوهرم علی و نام سایر اوصیاء بعد از او از فرزندان من نوشته شده است. پس من از حضرتش خواهش کردم که آن لوح را به من دهند تا از آن نسخه ای بردارم پس چنین نمود و من از آن نسخه ای برداشتم. پس حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم به وی فرمود: آیا می خواهی آن نسخه را با نسخه من مقابله کنیم. جابر گفت: بلی. جابر رفت از منزل آن نسخه را آورد که در روی کاغذ نوشته شده بود. پدرم به جابر گفت: تو به صحیفه خودت نگاه کن من هم صحیفه خودم را می خوانم. و در آن صحیفه نوشته شده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ أَنْزَلَهُ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ يَا مُحَمَّدُ عَظْمَ أَسْمَائِي وَأَشْكَرُ نِعْمَتِي وَلَا تَجْحَدُ آلَائِي وَلَا تَرْجُ سِوَائِي وَلَا تَحْشُ غَيْرِي فَإِنَّهُ مَنْ يَرْجُ سِوَائِي وَيَحْشُ غَيْرِي أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا لَا أَعَدُّهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَاصْطَفَيْتُ وَصِيكَ عَلَيَّ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ جَعَلْتُ الْحَسَنَ عَيْبَةً عِلْمِي مِنْ

بَعْدَ انْقِضَاءِ مُدَّةِ أَبِيهِ وَ الْحَسَنِ بْنِ خَيْرِ أَوْلَادِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فِيهِ تَثْبُتُ الْإِمَامَةُ وَ مِنْهُ الْعَقِبُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ وَ الْبَاقِرُ الْعِلْمِ  
 الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِي عَلَى مِنْهَاجِ الْحَقِّ وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ فِي الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ تَلَبَّسُ مَنْ بَعْدَهُ فِتْنَةً صَمَاءُ فَالْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ كَذَّبَ عَثْرَةَ نَبِيِّ وَ  
 خَيْرَةَ خَلْقِي وَ مُوسَى الْكَاطِمُ الْغَيْظِ وَ عَلِيُّ الرِّضَا يَقْتُلُهُ عَفْرِيَّتُ كَافِرٍ يُدْفَنُ بِالْمَدِينَةِ الَّتِي بَنَاهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ إِلَى جَنْبِ شَرِّ خَلْقِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدٌ  
 الْهَادِي شَبِيهُ جَدِّهِ الْمَيْمُونِ وَ عَلِيُّ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِي وَ الذَّابُّ عَنْ حَرَمِي وَ الْقَائِمُ فِي رَعِيَّتِي وَ الْحَسَنُ الْأَعَزُّ يَخْرُجُ مِنْهُ ذُو الْإِسْمَيْنِ خَلْفٌ  
 مُحَمَّدٌ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ عَلَى رَأْسِهِ غَمَامَةٌ بَيضاءُ تُظَلُّهُ مِنَ الشَّمْسِ وَ يُنَادِي مُنَادٍ بِلِسَانٍ فَصِيحٍ يَسْمَعُهُ الثَّقَلَانِ وَ مِنْ بَيْنِ الْخَافِقِينَ هَذَا  
 الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا. (1)

بسم الله الرحمن الرحيم این نوشته ای از حضرت الله عزیز و حکیم است، که آن را روح الامین بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کرده است. ای محمد! نام های مرا بزرگ بشمار، و نعمت هایم را شکرگذار باش، و الطاف مرا انکار مکن، و به غیر از من به کسی امیدوار مباش، و از غیر من هم از کسی نترس. همانا کسی که به غیر من امیدوار باشد، و از غیر من بترسد، او را چنان عذاب می کنم که تاکنون هیچ کس را مانند او عذاب نکرده باشم. ای محمد! همانا من تو را بر پیامبرانم برگزیدم، و وصی تو را به سایر اوصیاء برتری دادم، و حسن (علیه السلام) را صندوقچه علم خودم نمودم تا این که بعد از پایان مدت (امامت) پدرش (علیه السلام) جانشین او باشد. و حسین (علیه السلام) را که بهترین اولاد اولین و آخرین می باشد، و در (نسل) او تثبیت امامت است، و بعد از او هم علی زین العابدین (علیه السلام) (امام) است، و بعد از او محمد (علیه السلام) که شکافنده علم من است، و دعوت کننده مردم به راه من بر روش حق است، و بعد از او جعفر (علیه السلام) است که در عقل و عمل خود صادق است، و بعد از او دوره تاریکی و فتنه

ص: 96

1- الأماي، الشیخ الطوسی: ص 291 المجلس 11 ح 566 - 13- أبو محمد الفحام، قال: حدّثني عمي، قال: حدّثني أبو العباس أحمد بن عبد الله بن عليّ الرأس، قال: حدّثنا أبو عبد الله عبد الرحمن بن عبد الله العمريّ، قال: حدّثنا أبو سلمة يحيي بن المغيرة، قال: حدّثني أخي محمد بن المغيرة، عن محمد بن سنان، عن سيّدنا أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) قال: . از اون بشارة المصطفى لشيعة المرتضى: ص 183 و 184. و در كتاب تأويل الآيات الظاهرة: ص 210 - المقدّد بن غالب بن الحسن رحمه الله، عن رجاله بإسناد متصل إلى عبد الله بن سنان الأسديّ، عن جعفر بن محمد (عليهما السلام) مانند آن با اختلاف. از او: تفسير البرهان: ج 2 ص 775 ح 5/4537.

می آید. پس وای و تمامی وای (و هلاکت) بر کسی که بنده و منتخب من از میان خلقم، موسی (علیه السلام) را تکذیب کند. بعد از او هم علی رضا (علیه السلام) است، او را يك عفریت کافر می کشد، و در شهری دفن می شود که بنده صالح من آن شهر را بنا کرده، و او را در کنار شرورترین خلق خداوند دفن می کنند. و پس از او محمد هادی به راه من و دفاع کننده از حریم من، قیام کننده در میان رعیتش کریمانه (و به عدالت) و نیکویی است، و از (نسل) او دو نفر خارج می شوند صاحبان دو نام علی و حسن (علیه السلام)، و آخر از همه م ح م د (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، که در آخر زمان ظاهر می شود، و بر سرش ابری سفید رنگ است که او را از تابش نور خورشید حفظ می کند، و با زبان بسیار فصیح مردم را صدا می کند. صدایش را به همه انسان ها و ملائکه می شنوند (و یا صدایش را می شنوند). و آن (صدا): این است همان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) (که زمین را چنان که از ستم پر شده با عدالت پر می کند.

«...دَعَوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخِرَ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (1).

وَ صَدَّ لِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ، وَ ظَّالِمِيهِمْ، وَ قَاتِلِيهِمْ، وَ غَاصِبِي حُقُوقِهِمْ، وَ مُخَالَفِيهِمْ، وَ مُنْكَرِي فَضَائِلِهِمْ وَ مَنَاقِبِهِمْ، وَ مُدَّعِي شُؤْنِهِمْ وَ مَرَاتِبِهِمْ، وَ مَنْ قَاسَ بِآلِ مُحَمَّدٍ غَيْرَهُمْ، أَوْ حَرَّفَ كَلَامَهُمْ، وَ مَنْ سَمِعَ بِذَلِكَ وَ رَضِيَ بِهِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ أَجْمَعِينَ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ.

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

تَمَّ بِيَدِ الْفَقِيرِ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى عَبْدَ الزَّهْرَاءِ (عَلَيْهَا السَّلَام)

حیدر حسین حیدر الترتبی الكربلائی عفی الله عن والديه و عنه و غفر لهم

عید الله الأكبر یوم الغدیر سنة 1430

ص: 97

- 1- سورة (59) الحشر آیه 8.
- 2- سورة (53) النجم آیه 4 و 5.
- 3- عیون أخبار الرضا (عليه السلام): ج 1 ص 307 ب 28 ح و معاني الأخبار: ص 180 ح 1.  
وسائل الشيعة: ج 27 ص 92 ب 8 ح 33297 - 52 از العيون، بحار الأنوار: ج 2 ص 30 ب 9 ح 13 از المعاني والعيون.
- 4- الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 4 ح 6 و الخصال: ج 1 ص 207 ح 27 و معاني الأخبار: ص 189 ح 1. روضة الواعظين: ج 1 ص 211 و مختصر البصائر: ص 339 ح 18/372 از شيخ صدوق.
- 5- الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 64 المجلس 15 ح 11، التحصين: ص 598، بشارة المصطفى ص 39، مشارق أنوار اليقين: ص 52 مرسل با اختلاف. نهج الإيمان: ص 154 و بحار الأنوار: ج 38 ص 94 ب 61 ح 10 از الأمالي.
- 6- الكافي: ج 2 ص 414 باب أدني ما يكون به العبد مؤمنا... ح 1.
- 7- مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة (عليهم السلام): ص 116 المنقبة 16.
- 8- الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 197 المجلس 36 ح 2، جامع الأخبار: ص 13 الفصل 5. بحار الأنوار: ج 38 ص 97 ب 61 ح 14 از الأمالي.
- 9- الكافي: ج 1 ص 184 باب معرفة الإمام و الردّ إليه ... ح 9 و بصائر الدرجات: ص 497 ب 16 ح 8، منتخب البصائر: ص 55، تفسير فرات: ص 142 ح 142-174.
- 10- سورة (23) المؤمنون آیه 74: «وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ».
- 11- الاحتجاج: ج 1 ص 227، مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام): ج 2 ص 24، تفسير فرات:

ص 142 ح 142-174. بحار الأنوار: ج 23 ص 328 ب 19 ح 9 از الاحتجاج، وج 24 ص 248 ب 62 ح 2 وج 4 ص 205 ب 94 ح 12  
از المناقب از اميرالمؤمنين و امام محمد باقر (عليهما السلام).

12- تحف العقول، ص 171، بشارة المصطفى: ص 24. وسائل الشيعة: ج 27 ص 103 ح 33328 از تحف العقول.

13- بحار الأنوار: ج 29 ص 558 - از كتاب الإرشاد لكيفية الطلب في أئمة العباد تصنيف محمد بن الحسن الصفار.

14- الخصال، حديث الأربعة: ج 2 ص 626 ح 10. از او: بحار الأنوار: ج 27 ص 88 ب 4 ح 39 وج 10 ص 104 ب 7 ح 1.

15- تفسير القمي: ج 2 ص 104 - فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعَ أَسْأَلُ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ:  
«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»، فَكَتَبَ إِلَيَّ الْجَوَابَ: أَمَا بَعْدُ.

و تفسير فرات الكوفي: ص 283 ح 388 - حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعْنَعًا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: أَخْرَجَ إِلَيْنَا  
صَحِيفَةً فَذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ كَتَبَ إِلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ كَبِرْتُ وَضَعُفْتُ وَعَجَزْتُ عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا كُنْتُ أَقْوَى عَلَيْهِ فَأُحِبُّ  
جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْ تُعَلِّمَنِي كَلَاماً يُقَرِّبُنِي مِنْ رَبِّي وَيَزِيدُنِي فَهْمًا وَعِلْمًا. فَكَتَبَ إِلَيَّ قَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِكِتَابٍ فَأَقْرَأْهُ وَتَفَهَّمْهُ ... قَالَ عَلِيُّ بْنُ  
الْحُسَيْنِ (عليه السلام): ... مانند تفسير قمي با اندک اختلافی.

و تفسير فرات الكوفي: ص 285 ح 385 - حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ [مُعْنَعًا] عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جُنْدَبٍ إِلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي  
طَالِبٍ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي [إِنْ] فِي ضَعْفٍ فَقَوِّنِي قَالَ فَأَمَرَ عَلِيُّ الْحَسَنَ ابْنَهُ أَنْ أَكْتُبَ إِلَيْهِ كِتَابًا قَالَ فَكَتَبَ الْحَسَنُ: ... مَنْ فَارَقْنَا هَلَكٌ - مانند  
تفسير قمي با اندک اختلافی -.

16- الكافي: ج 2 ص 18 باب دعائم الإسلام ... ح 3 والمحاسن: ج 1 ص 286 ب 46 ح 429.

17- الخصال: ج 1 ص 277 ح 21. از او: وسائل الشيعة: ج 1 ص 23 ب 1 ح 24 و بحار الأنوار: ج 65 ص 376 ب 27 ح 21.

18- بصائر الدرجات: ص 10 ب 6 ح 5. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 91 ب 14 ح 17.

19- الكافي: ج 1 ص 400 ح 5، بصائر الدرجات: ص 9 ب 6 ح 3. بحار الأنوار: ج 2 ص 91 ب 14 ح 19 و ج 101 ص 317 ب 3 ح 13.

20- الكافي: ج 1 ص 399 ح 3، بصائر الدرجات، ص 10 ب 6 ح 4. از هردو: بحار الأنوار: ج 2 ص 92 ب 14 ح 20 و ج 46 ص 335 ب 8 ح 21.

21- الكافي: ج 1 ص 49 باب التوادد ... ح 8.

22- الكافي: ج 1 ص 399 باب أنه ليس شيء من الحق في ... ح 2.

23- الكافي: ج 1 ص 210 باب أن أهل الذكر الذين ... ح 1، بصائر الدرجات: ص 40 ب 19 ح 13 ... عن أبي جعفر (عليه السلام) في قول الله تعالى: «فاسألوا أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون»، قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): ... الأئمة هم أهل الذكر قال الله تعالى: «وإنه لذكر لك ولقومك وسوف تسألون» قال نحن قومه ونحن المسؤلون.

و بصائر الدرجات: ص 37 ب 18 ح 6 ... عن أبي جعفر عليه السلام: في قول الله تبارك وتعالى «وإنه لذكر لك ولقومك وسوف تسألون» قال الأئمة لذكر القرآن ونحن قومه ونحن المسؤلون.

و بصائر الدرجات: ص 37 ب 18 ح 1 و الكافي: ج 1 ص 211 باب أن أهل الذكر ... ح 5 ... عن أبي عبد الله عليه السلام: في قول الله تعالى: «وإنه لذكر لك ولقومك وسوف تسألون» قال الأئمة لذكر القرآن ونحن قومه ونحن المسؤلون.

و تفسير القمي: ج 2 ص 286 ... عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له قوله: «وإنه لذكر لك ولقومك وسوف تسألون» فقال: الأئمة لذكر القرآن، ونحن قومه ونحن المسؤلون.

24- ثواب الأعمال: ص 14، الخصال: ج 2 ص 432، المحاسن: ج 1 ص 13 ب 8 ح 38، بشارة المصطفى: ص 269. بحار الأنوار: ج 27 ص 53 ب 1 ح 5 و ج 65 ص 377 ب 27 ح 24.

25- الأمالي، الشيخ الصمدوق: ص 268 المجلس 45 ح 14، وفضائل الأشهر الثلاثة: ص 86 ح 65 و ص 112 ح 106، وروضة الواعظين: ج 1 ص 42 باب في فضل التوحيد. وسائل الشيعة: ج 1 ص 25 ب 1 ح 29 و بحار الأنوار: ج 65 ص 376 ب 27 ح 22 از الأمالي، و بحار الأنوار: ج 93 ص 257 ب 30 ذيل حديث 39 از الفضائل.

26- الكافي: ج 1 ص 210 ح 2. از او: وسائل الشيعة: ج 17 ص 64 ب 7 ح 3320.

27- وسائل الشيعة: ج 27 ص 119 ب 9 ح 33366 از رسالة الراوندي قدس سره في أحوال أحاديث أصحابنا (رضي الله عنهم).

28- كفاية الأثر: ص 255 ب 34 ح 1. از او: بحار الأنوار: ج 36 ص 403 ب 46 ح 15.

29- بحار الأنوار: ج 26 ص 158 ب 11 ح 5 از كتاب المحتضر از كتاب سيّد حسن كيش: باسناده إلى يونس بن ظبيان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) أنّه قال له:.

30- صفات الشيعة: ص 3 ح 4.

31- معاني الأخبار: ص 399 باب نوادر المعاني ... ح 57.

32- رجال الكشي (إختيار معرفة الناقلين): ص 3 الجزء 1 ح 4. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 82 ب 14 ح 2.

33- الكافي: ج 8 ص 124 ح 95، رجال الكشي (إختيار معرفة الناقلين): ص 454 ح 859 به اختصار.

34- عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ص 303 ب 28 ح 63، بشارة المصطفى (صلى الله عليه وآله وسلّم): ص 221. بحار الأنوار: ج 2 ص 15 ب 16 ح 11 و ج 26 ص 239 ب 4 ح 1 و وسائل الشيعة: ج 27 ص 128 ب 10 ح 33394 از العيون.

35- صفات الشيعة: ص 3 ح 2. از او: الوسائل: ج 27 ص 116 ب 9 ح 33358 و بحار الأنوار: ج 65 ص 167 ب 19 ح 24.

36- مستطرفات السرائر: ص 640 از كتاب أنس العالم تصنيف صفواني. از او: بحار الأنوار: ج 27

ص 58 ب 1 ح 19.

37- الكافي: ج 8 ص 311 و 312 ح 485. از او: الوسائل: ج 27 ص 185 ب 13 ح 33556-25.

38- الكافي: ج 1 ص 441 أبواب التاريخ، باب مولد النبي (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ووفاته ح 8، الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 604 المجلس 88 ح 4. تأويل الآيات الظاهرة: ص 191 و بحار الأنوار: ج 16 ص 368 ب 11 ح 78 از الكافي، و بحار الأنوار: ج 37 ص 295 ب 54 ح 10 از الأمالي.

39- الكافي: ج 1 ص 32 باب صفة العلم و... ح 1. از او: وسائل الشيعة: ج 27 ص 43 ب 6 ح 33167.

40- دعائم الإسلام: ج 2 ص 534 كتاب آداب القضاة... ح 1899. از او: مستدرک الوسائل: ج 17 ص 245 ب 4 ح 21245-12 و ج 347/17 ب 1 ح 21542-1. رك. بحار الأنوار: ج 75 ص 229 ب 23 ح 107 از تحف العقول، ص 315-322.

41- اليقين: ص 358-369 ب 127 و التحصين، السيد علي بن طاووس قدس سره: ص 589 ب 29، روضة الواعظين: ج 1 ص 98، الاحتجاج: ج 1 ص 65، الصراط المستقيم: ج 1 ص 301، العدد القوية: ص 180. بحار الأنوار: ج 37 ص 215 ب 52 ح 86 از الإحتجاج و اليقين.

42- كنز الفوائد، الكراجكي: ج 1 ص 352. از او: وسائل الشيعة: ج 27 ص 169 ب 12 ح 33515، و بحار الأنوار: ج 2 ص 260 ب 31 ح 17 و ج 28/71 ب 18 ح 7 و مستدرک الوسائل: ج 12 ص 217 ب 14 ح 13924-2.

43- الكافي: ج 1 ص 58 باب البدع والرأي والمقاييس ح 19. از او: الوافي: ج 1 ص 260 ح 201 - 24، و مرآة العقول: ج 1 ص 200.

44- الكافي: ج 1 ص 58 ح 19. ونهج البلاغة.

45- بصائر الدرجات: ص 148 ب 13 ح 7. از او بحار الأنوار: ج 26 ص 35 ب 1 ح 60 و مستدرک الوسائل: ج 18 ص 11 ب 83 ح 21855-8 به اختصار.

46- الأمالي، الشيخ الطوسي: ج 2 ص 144. و مكارم الأخلاق: ص 458 إلى 463 الفصل 5- يَقُولُ

ص: 102



مَوْلَايَ أَبِي طَوَّلَ اللَّهُ عُمُرَهُ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ هَذِهِ الْأَوْزَاقُ مِنْ وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِأَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) الَّتِي أَخْبَرَنِي بِهَا الشَّيْخُ الْمُفِيدُ أَبُو الْوَفَاءِ عَبْدُ الْجَبَّارِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُقَرِّي الرَّازِيُّ وَ الشَّيْخُ الْأَجَلُّ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ بَابُوَيْهِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا) إِجَارَةً قَالَا أَمَلَى عَلَيْنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُّ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ قُدَّسَ سِرُّهُ وَأَخْبَرَنِي بِذَلِكَ الشَّيْخُ الْعَالِمُ الْحَسَنُ بْنُ الْفَتْحِ الْوَاعِظُ الْجُرْجَانِيُّ فِي مَشْهُدِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ قُدَّسَ سِرُّهُ قَالَ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ رَجَاءُ بْنُ يَحْيَى الْعَبْرَتَانِيُّ الْكَاتِبُ سَنَةَ أَرْبَعِ عَشْرَةَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ فِيهَا مَاتَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمُّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهِنَاءِ [الْهُنَائِي] قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَرْبٍ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّوَلِيُّ عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ قَالَ: قَدِمْتُ الرَّبَذَةَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي ذَرِّ جُنْدَبِ بْنِ جُنَادَةَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) فَحَدَّثَنِي أَبُو ذَرِّ قَالَ دَخَلْتُ ذَاتَ يَوْمٍ فِي صَدْرِ نَهَارِهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي مَسْجِدِهِ فَلَمْ أَرِ فِي الْمَسْجِدِ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى جَانِبِهِ جَالِسٌ فَاعْتَمَمْتُ خَلْوَةَ الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَيِّ أَنْتَ وَ أُمِّي أَوْصِيَنِي بِوَصِيَّةٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا فَقَالَ:..

47- الكافي: ج 1 ص 32 باب صفة العلم و ... ح 4 و ج 5 ص 87 ح 2، تحف العقول، ص 292، دعائم الإسلام: ج 2 ص 255 الفصل 15 ح 969.

48- المحاسن: ج 1 ص 5 ب 1 ح 11، تحف العقول، ص 446. بحار الأنوار: ج 1 ص 213 ب 6 ح 11 از المحاسن.

49- الكافي: ج 1 ص 67 ح 10، من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 8 ح 3233، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 301 ب 92 ح 52، الإحتجاج: ص 356.

50- الكافي: ج 1 ص 31 باب فرض العلم و وجوب طلبه و ... ح 6، المحاسن: ج 1 ص 229 ب 15

51- المقنعة: ص 591. از او: وسائل الشّيعّة: ج 17 ص 382 ح 22797.

52- الكافي: ج 2 ص 130 باب ذمّ الدّنيا و الرّهد ... ح 10، مجموعة ورام: ج 2 ص 192 الجزء 2، مشكاة الأنوار: ص 114 الفصل 3.

53- الكافي: ج 1 ص 33 باب صفة العلم و ... ح 6. از او: وسائل الشّيعّة: ج 21 ص 477 ب 84 ح 27631.

54- الاحتجاج: ج 1 ص 15 و التّفسير المنسوب إلى الإمام الحسن الرّكبيّ العسكريّ (عليه السّلام): ص 339 ح 214 مانند آن با اختلافي. از آن دو: بحار الأنوار: ج 2 ص 2 ح 1. تأويل الآيات: ج 1 ص 74 ح 48 و تفسير البرهان: ج 1 ص 122 ح 15 از تفسير امام.

55- الكافي: ج 1 ص 43 باب المستأكل ... ح 5. و اين الحديث در: أعلام الدّين، الدّعائم، العدد القويّة، كشف الغمّة و العوالي است مراجعه كنيد.

56- أعلام الدّين: ص 296. از او: بحار الأنوار: ج 75 ص 94 ح 108.

57- نهج البلاغة: ص 483 الكلمة 90، غرر الحكم: ص 48 الكلمة 26.

58- المحاسن: ص 233، الإرشاد، الشّيخ المفيد: ج 1 ص 330. بحار الأنوار: ج 2 ص 43 ب 10 ح 9 از المحاسن.

59- الكافي: ج 1 ص 70 باب الأخذ بالسّنّة و شواهد الكتاب ... ح 8، المحاسن: ج 1 ص 223 ب 11 ح 139.

60- مشكاة الأنوار: ص 328 ب 9. وسائل الشّيعّة: ج 27 ص 172 ب 12 ح 33524 از خطّ شهيد أول قدّس سرّه.

61- رجال الكشيّ (إختيار معرفة الثّاقليين): ص 3 الجزء الأوّل ح 2. از او: وسائل الشّيعّة: ج 27 ص 149 ب 11 ح 33453 و بحار الأنوار: ج 2 ص 82 ب 14 ح 1.

62- الغيبة، التّعمنيّ: ص 141 ب 10 ح 2. از او: بحار الأنوار: ج 51 ص 112 ب 2 ح 8.

63- سورة (36) يس (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آية 31.

64- من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 398 ح 5853. الأمالي، الشيخ الصدوق: ص 168 المجلس 32 ح 1. الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 521 المجلس 18 ح 1149-56 ... عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وُزِنَ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ بِدِمَاءِ الشُّهَدَاءِ، فَيَرَجَّحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ. بحار الأنوار: ج 2 ص 16 ب 8 ح 35 از امالي طوسي، و ج 2 ص 14 ب 8 ح 26 از امالي صدوق.

65- تفسير العياشي: ج 1 ص 151 ح 498. از او: بحار الأنوار: ج 1 ص 215 ب 6 ح 25.

66- الكافي: ج 1 ص 38 باب فقد العلماء ... ح 2.

67- قرب الإسناد: ص 124، الكافي: ج 1 ص 38 باب فقد العلماء ... ح 3 و ج 3 ص 254 باب نوادر ... ح 13، علل الشرائع: ج 2 ص 462 ب 222 ح 2. وسائل الشيعة: ج 3 ص 283 ب 88 ح 3660 و ج 5 ص 187 ب 24 ح 6289 و بحار الأنوار: ج 79 ص 177 ب 2. ح 18.

68- التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن الزكي العسكري (عليه السلام): ص 350 ح 236. از او: الإحتجاج: ج 1 ص 19.

69- كمال الدين: ج 2 ص 483 ب 45، الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 290 ح 4، الإحتجاج: ج 2 ص 469. و إعلام الوري: ص 452 الفصل 3، الخرائج و الجرائح: ج 3 ص 1113، كشف الغمّة: ج 2 ص 531 الفصل 3، منتخب الأنوار المضيئة: ص 122 الفصل 9. وسائل الشيعة: ج 27 ص 140 ب 11 ح 33424، بحار الأنوار ج 2 ص 90 ب 14 ح 13 و ج 53، ص 180 ب 31 ح 10 و ج 75 ص 380 ب 30 ح 1.

70- الكافي: ج 1 ص 54 باب البدع و ... ح 2، عوالي اللآلي: ج 4 ص 70 الجملة 2 ح 39، نهج الحق: ص 37، منية المرید: ص 186. وسائل الشيعة: ج 16 ص 269 ب 40 ح 21538، بحار الأنوار: ج 105 ص 15 اجازة 28.

71- بحار الأنوار: ج 54 ص 234.

ص: 105

72- إرشاد القلوب: ج 1 ص 69 ب 17.

73- رجال الكشي (إختيار معرفة التأقلين): ص 493 ح 946، علل الشرايع، ج 1 ص 235 ب 171 ح 1، عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ج 1 ص 112 ب 10 ح 2، الغيبة، الشيخ الطوسي: ص 63. بحار الأنوار: ج 48 ص 252 ب 10 از رجال كشي و العلل و الغيبة. وسائل الشيعة: ج 16 ص 271 ب 40 ح 21546 از العيون.

74- الكافي: ج 2 ص 375 باب مجالسة أهل المعاصي ... ح 4. (تنبيه الخواطر) مجموعة ورام: ج 2 ص 162 جزء 2 مانند آن و مرسل. از او: كتاب الوافي: ج 1 ص 245 ح 182-5 و الشافعي، فيض كاشاني: ص 110 ح [137] 6 و وسائل الشيعة: ج 16 ص 267 ب 39 ح 21531-1 و الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل): ج 2 ص 232 ح 1723 و هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام): ج 5 ص 594 ح 149 و مجمع البحرين: ج 2 ص 136 مادة (غيب) و منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئي): ج 13 ص 86 و ج 15 ص 322 و بحار الأنوار: ج 71 ص 202 ب 14 ح 41 و ج 72 ص 161 ب 57 و ج 72 ص 235 ب 66.

75- كتاب الطرف: ص 116 الطرف الأولى. از او: وسائل الشيعة: ج 1 ص 400 ب 15 ح 1044، بحار الأنوار: ج 2 ص 260 ب 31 ح 12 و ج 18 ص 232 ب 1 ح 75 و در آن است: وَرَفَعَهَا إِلَى الْإِمَامِ، و ج 65 ص 392 ب 27 ح 41 و در آن است: إِلَى الْوُصُولِ إِلَى الْإِمَامِ، و ج 77 ص 294 ب 3 ح 49 و مستدرک الوسائل: ج 17 ص 322 ب 12 ح 21473-2.

76- الكافي: ج 1 ص 67 باب إختلاف الحديث ... ح 10، من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 8 باب الاتفاق على عدلين ... ح 3233، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 301 ب 92 ح 52، الاحتجاج: ج 2 ص 355، عوالي اللآلي: ج 4 ص 133 الجملة 2 ح 231. وسائل الشيعة: ج 27 ص 157 ب 12 ح 33472 از الكافي و الفقيه و التهذيب، مستدرک الوسائل: ج 17 ص 321 ب 12 ح 21472-1 از الاحتجاج.

77- مستدرک الوسائل: ج 17 ص 323 ب 12 ح 21478 - 7 از عوالي اللآلي، و ج 17 ص 324 ب 12 ح 21481-10 از تنبيه الخواطر مانند آن.

ص: 106

78- التّمحيص: ص 74 به ح 171. از او: بحار الأنوار: ج 64 ص 310 ب 14 ح 45 و مستدرک الوسائل: ج 11 ص 178 به ح 12686 - 22 و در آن است: وَبَاطِنٍ وَظَاهِرٍ، و ج 17 ص 324 ب 12 ح 21480.

79- الأمالي، الشّیخ الطّوسيّ: (در الأمالي چاپ شده نمی باشد)، مجموعه ورام: ج 2 ص 62 الجزء 2، مکارم الأخلاق: ص 467 الفصل 5 و در آن است: الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنَ الشَّيْءِ، أعلام الدّین: ص 199. بحار الأنوار: ج 74 ص 75 ح 3 از المکارم، مستدرک الوسائل: ج 11 ص 264 ب 20 ح 12951-6 و ج 17 ص 323 ب 12 ح 21476-5 از الأمالي.

80- من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 400 ح 5858، الأمالي، الشّیخ الصّدوق: ص 305 المجلس 50 ح 1، الخصال: ج 1 ص 153 ح 189، معاني الأخبار: ص 196 باب معنى الغايات ... ح 2. وسائل الشّیعة: ج 27 ص 162 ب 12 ح 33491 از الفقيه و الأمالي و الخصال، بحار الأنوار: ج 2 ص 258 ب 31 ح 1 از الأمالي، و ج 69 ص 203 ب 106 ح 1 از المعاني و الأمالي، و ج 74 ص 126 ب 6 ح 30 از المعاني.

81- من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 75 باب نوادر الحدود ... ح 5149، عوالي اللآلي: ج 3 ص 548 باب الحدود ... ح 15. وسائل الشّیعة: ج 27 ص 161 ب 12 ح 33490 و ص 175 ح 33531 از الفقيه.

82- نهج البلاغة: ص 426-433 ک 53. از او: بحار الأنوار: ج 33 ص 604 ب 30 ح 744.

83- الكافي: ج 8 ص 63 ح 22، نهج البلاغة: ص 121 الخطبة 88، غرر الحكم: ص 123 ح 2134. وسائل الشّیعة: ج 27 ص 160 ب 12 ح 33483 و بحار الأنوار: ج 34 ص 105 ب 31 از نهج البلاغة، و بحار الأنوار: ج 31 ص 554 از الكافي.

84- نهج البلاغة: ص 416 الكتاب 45-45. از او: وسائل الشّیعة: ج 27 ص 159 ب 12 ح 33480، و بحار الأنوار: ج 33 ص 473 ب 29 ح 686 و ج 40 ص 340 ب 98 ح 27 و ج 72 ص 448 ب 89 ح 12.

ص: 107

- 85- نهج البلاغة: ص 81 الخطبة 38، غررالحكم: ص 72 في الشّبهات ... الكلمة 1083 تا قول حضرت (عليه السّلام): وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى. وسائل الشيعة: ج 27 ص 161 ب 12 ح 33487 تا: وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى، وبحار الأنوار: ج 67 ص 181 ب 52 از نهج البلاغة.
- 86- نهج البلاغة: ص 57 الخطبة 16. غررالحكم: ص 472 الكلمة 10786 و 10787، مجموعة ورام: ج 2 ص 8 الجزء 2، أعلام الدّين: ص 147 باب صفة المؤمن ... وسائل الشيعة: ج 27 ص 161 ب 12 ح 33488 وبحار الأنوار: ج 32 ص 47 ب 1 ح 30 از نهج البلاغة، وبحار الأنوار: ج 75 ص 3 تتمّه باب 15 ح 51 از كتاب مطالب السّؤل محمد بن طلحة.
- 87- الأمالي، الشّيخ المفيد: ص 283 المجلس 33 ح 9. الأمالي، الطّوسي: ص 110 المجلس 4 ح 168-22 از شيخ مفيد. بحار الأنوار: ج 2 ص 258 ب 31 ح 4 و وسائل الشيعة: ج 27 ص 167 ب 12 ح 33509 از الأمالي شيخ طوسي.
- 88- الأمالي، الشّيخ المفيد: ص 220 المجلس 26 ح 1، الأمالي، الشّيخ الطّوسي: ص 7 المجلس 1 ح 8، كشف الغمّة: ج 1 ص 535. بحار الأنوار: ج 42 ص 202 ب 127 ح 7 و ج 75 ص 98 ب 18 ح 1 از الأمالي شيخ مفيد و طوسي، وسائل الشيعة: ج 27 ص 167 ب 12 ح 33510 از الأمالي ابن الطّوسي.
- 89- تفسير العيّاشي: ج 1 ص 8 ح 2، رسالة في المهر، الشّيخ المفيد: ص 30. وسائل الشيعة: ج 27 ص 171 ب 12 ح 33520 از تفسير، مستدرک الوسائل: ج 17 ص 329 ب 12 ح 21484- از رسالة المهر.
- 90- مستدرک الوسائل: ج 17 ص 324 ب 12 ضمن ح 21482 - 11 از غررالحكم.
- 91- عيون الحكم والمواعظ، اللّيثي: ص 68 الفصل 1 ح 1722 و غررالحكم، ص 125 ح 2185.
- 92- نهج البلاغة: ص 488 الحكمة 113، روضة الواعظين: ج 2 ص 434، مشكاة الأنوار: ص 115 الفصل 3. وسائل الشيعة: ج 27 ص 161 ب 12 ح 33486 و بحار الأنوارن ج 2 ص 260 ب 31 ح 15 و ج 66 ص 409 ب 38 ح 122 و مستدرک الوسائل: ج 12 ص 46 ب 62 ح 13480- 17 از نهج البلاغة، بحار الأنوار: ج 67 ص 316 ب 58 ح 23 از الرّوضة و ج 75 ص 13 تتمّه باب 15 ح 71 از

93- مستدرک الوسائل: ج 17 ص 324 ب 12 ح 21482 - 11 از غررالحکم.

94- الخصال: ج 1 ص 16 ح 56، تحف العقول، ص 489 - وروي عن الإمام الخالص الهادي أبي محمد الحسن بن عليّ (عليهم السلام): بحار الأنوار: ج 2 ص 258 ب 31 ح 2 وج 67 ص 305 ب 57 ح 25 وج 68 ص 206 ب 65 ح 14 وج 70 ص 349 ب 137 ح 42 وج 75 ص 192 ب 23 ح 5 از الخصال، مستدرک الوسائل: ج 17 ص 324 ب 12 ح 21483 - 12 از کتاب الغايات، جعفر بن أحمد القميّ.

95- تفسير القميّ: ج 1 ص 311. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 298 ب 34 ح 19 و وسائل الشّيعه: ج 27 ص 172 ب 12 ح 33522 و در آن است: يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ.

96- الكافي: ج 1 ص 50 باب التّوادر... ح 9، و كتاب الزّهد، حسين بن سعيد اهوازي: ص 19 ب 2 ح 41- ... عن أحدهما (عليهما السلام) مانند آن تا: الهلّكّة، و المحاسن: ج 1 ص 215 ب 8 ح 102 عن أحدهما (عليهما السلام) مانند آن. وسائل الشّيعه: ج 27 ص 154 ب 12 ح 33465 از الكافي و المحاسن، و الوسائل: ج 27 ص 157 ب 12 ح 33476 از كتاب الزّهد.

97- المحاسن: ج 1 ص 204 ب 4 ح 53، الكافي: ج 1 ص 50 باب التّوادر... ح 12. وسائل الشّيعه: ج 27 ص 168 ب 12 ح 33512 و بحار الأنوار: ج 2 ص 118 ب 16 از المحاسن، و الوسائل: ج 27 ص 24 ب 4 ح 33109 و ص 155 ب 12 ح 33467 از الكافي. و در التّوحيد: ص 459 ب 67 ح 27- عن زرارة قال سألت أبا جعفر (عليه السلام): ما حُجَّةُ اللهِ عَلَى الْعِبَادِ؟ قَالَ: أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ، وَيَقْفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ الْأَمَالِي شيخ صدوق: ص 420؛ المجلس 65 ح 14 مانند التّوحيد، روضة الواعظين: ج 2 ص 468. وسائل الشّيعه: ج 27 ص 163 ب 12 ح 33495 از التّوحيد و الأمالي، بحار الأنوار: ج 2 ص 113 ب 16 ح 2 از الأمالي.

98- من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 84 باب الوكالة... ح 3383، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 214 ب 86 ح 5. وسائل الشّيعه: ج 19 ص 163 ب 2 ح 24369 و ج 20 ص 259 ب 157 ح 25574 و

99- تفسیر العیاشی: ج 1 ص 360 ح 25، معانی الأخبار: ص 252 باب معنی الورع من الناس ... ح 1. وسائل الشیعة: ج 16 ص 258 ب 37 ح 21506 و ج 27 ص 162 ب 12 ح 33493 و بحار الأنوار: ج 67 ص 303 ب 57 ح 15 و ج 72 ص 369 ب 82 ح 6 از المعانی.

100- المحاسن: ج 1 ص 198 ب 2 ح 24 و الكافي: ج 1 ص 43 باب من عمل بغير علم ... ح 1. فقه الرضا عليه السلام: ص 381 ب 106 عن العالم (عليه السلام) مانند الكافي و در آن زیادت است: عَنِ الطَّرِيقِ، من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 401 ح 5864 و در آن است: فَلَا تَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا، الأمالي، شيخ صدوق: ص 421، المجلس 65 ح 18 مانند الفقيه و در آن است: وَلَا يَزِيدُهُ، الأمالي، شيخ مفيد: ص 42 المجلس 5 ح 11- عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) يَقُولُ: الْعَالِمُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى سَبْرٍ بِقِيَعَةٍ لَا تَزِيدُهُ سُرْعَةَ سَيْرِهِ إِلَّا بُعْدًا. تحف العقول، ص 362 از امام جعفر صادق (عليه السلام)، و در آن است: غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا تَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا، كنز الفوائد: ج 2 ص 109 از امام جعفر صادق (عليه السلام): مانند الكافي و در آن است: لَا تَزِيدُهُ، روضة الواعظين: ج 1 ص 10- از رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مانند الفقيه و در آن است: وَلَا تَزِيدُهُ، أعلام الدّين: ص 83 از امام صادق (عليه السلام)، عِدَّة الدَّاعِي: ص 74 القسم 6: از رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مانند الفقيه و در آن است: لَا يَزِيدُهُ، عوالي اللآلي: ج 4 ص 73 الجملة 2 ح 50 از امام جعفر صادق (عليه السلام) مانند العِدَّة. مستطرفات السّرائر: ص 644 از المحاسن و در آن است: فَلَا يَزِيدُهُ، مشكاة الأنوار: ص 134 الفصل 8 از المحاسن و در آن است: وَلَا تَزِيدُهُ، مستطرفات السّرائر: 623 از الفقيه و در آن است: فَلَا يَزِيدُهُ، وسائل الشیعة: ج 27 ص 24 ب 4 ح 33110 از الكافي و الفقيه و الأمالي شيخ صدوق، و ص 166 ب 12 ح 33504 از الأمالي شيخ مفيد و در آن است: لَا يَزِيدُهُ، بحار الأنوار: ج 1 ص 206 ب 5 ح 1 از الأمالي شيخ صدوق و ج 1 ص 208 ب 5 ح 9 از الأمالي شيخ مفيد و در آن است: عَلَى السَّرَابِ بِقِيَعَةٍ لَا يَزِيدُهُ، و ج 75 ص 244 ب 23 از التحف مانند آن.



101- الكافي: ج 1 ص 50 باب التّوادر ... ح 10. المحاسن: ج 1 ص 216 ب 8 ح 106... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السّلام) اُكْتُبَ فَأَمْلِي عَلَيهِ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُكُمْ فِيمَا يَنْزِلُ بِكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا- الْكَفُّ عَنْهُ وَ التَّثْبُتُ فِيهِ وَ رُدُّهُ إِلَى أُمَّةِ الْهَدْيِ حَتَّى يَحْمِلُوكُمْ فِيهِ عَلَى الْقَصْدِ. تفسير العياشي: ج 2 ص 260 ح 30- عَنْ حَمْرَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الطَّيَّارِ قَالَ عَرَضْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السّلام) كَلَاماً لِأَبِي فَقَالَ: اُكْتُبَ فَإِنَّهُ لَا يَسَعُكُمْ فِيمَا نَزَلَ بِكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ - إِلَّا الْكَفُّ عَنْهُ وَ التَّثْبُتُ فِيهِ، وَ رُدُّهُ إِلَى أُمَّةِ الْهَدْيِ حَتَّى يَحْمِلُوكُمْ فِيهِ عَلَى الْقَصْدِ، وَ يَجْلُو عَنْكُمْ فِيهِ الْعَمَى، قَالَ اللَّهُ «فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». وسائل الشيعة: ج 27 ص 25 ح 4 ص 33113 و ص 155 ب 12 ح 33466 از الكافي، بحار الأنوار: ج 2 ص 120 ب 12 ح 33، از المحاسن. و بحار الأنوار: ج 2 ص 120 ب 16 ح 32 از المحاسن: ج 1 ص 216 ب 8 ح 104... أَنَّهُ لَا يَسَعُكُمْ فِيمَا يَنْزِلُ بِكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا الْكَفُّ عَنْهُ وَ التَّثْبُتُ فِيهِ، وَ الرُّدُّ إِلَى أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يُعْرِفُوكُمْ فِيهِ الْحَقُّ وَ يَحْمِلُوكُمْ فِيهِ عَلَى الْقَصْدِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، بحار الأنوار: ج 23 ص 183 ب 9 ح 42 از تفسير عياشى و در آن است: وَ التَّثْبُتُ، وَ مستدرك الوسائل: ج 17 ص 268 ب 7 ح 21303-2 از تفسير عياشى، و در بحار و مستدرك است: عَرَضْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السّلام) بَعْضَ خُطْبِ أَبِيهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَوْضِعٍ فَقَالَ: كُفَّ فَاسْكُتْ. ثُمَّ قَالَ لِي: اُكْتُبْ، وَ أَمْلِي عَلَيَّ: أَنَّهُ لَا يَسَعُكُمْ ...

102- معاني الأخبار: ص 238 باب معنى الجنون ... ح 2. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 117 ب 16 ح 15 و وسائل الشيعة: ج 27 ص 165 ب 12 ح 33500 و در آن است: فَهُوَ الْمَجْنُونُ.

103- الكافي: ج 4 ص 391 باب القوم يجتمعون على الصيد و ... ح 1. تهذيب الأحكام: ج 5 ص 466 ب 26 ح 277. وسائل الشيعة، ج 13 ص 46 ب 18 ح 17201 و ج 27 ص 154 ب 12 ح 33464 از الكافي، بحار الأنوار: ج 2 ص 259 ب 31 ح 10 از التهذيب.

104- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 259 ب 13 ح 68، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار: ج 1 ص 264 ب 149 ح 13 مانند التهذيب و در آن است: عبدالله بن صباح... فوق الليل... التي

فَوْقَ اللَّيْلِ. وسائل الشيعة: ج 4 ص 176 ب 16 ح 4840 و ج 10 ص 124 ب 52 ح 13015 مانند الاستبصار و در آن است: ... عن عبدالله بن وضّاح ...، وبحار الأنوار: ح 2259 ب 31 ح 11 از التهذيب و در آن است: ... حَتَّى تَذَهَبَ الْحُمْرَةُ فَكَتَبَ ...

105- الكافي: ج 1 ص 547 باب الفيء و ... ح 25، المقنعة: ص 283 ب 38، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 139 ب 39 ح 17، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار: ج 2 ص 59 ب 32 ح 9، عوالي اللآلي: ج 2 ص 77 المسلك 4 ح 206 با اختصار: ج 3 ص 126 ب 5 ح 6. وسائل الشيعة: ج 9 ص 538 ب 3 ح 12665 از الكافي.

106- الكافي: ج 1 ص 53 باب رواية الكتب و ... ح 14. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2 ص 186 مانند آن با اختلاف و اختصار. إعلام الوری: ص 285 الفصل 4 از الإرشاد، الخرائج و الجرائح: ج 2 ص 894 و روضة الواعظین: ج 1 ص 210 و كشف الغمّة: ج 2 ص 170 مانند الإرشاد. منية المرید: ص 373 الفصل 1، و وسائل الشيعة: ج 27 ص 83 ب 8 ح 33271 از الكافي، بحار الأنوار: ج 2 ص 178 ب 23 ح 28 از المنية.

107- الكافي: ج 1 ص 58 باب البدع و الرأي و ... ح 21. از او: الوافي: ج 1 ص 258 ح 199 - 22.

108- بصائر الدرجات: ص 300 ب 14 ح 8. از او: بحار الأنوار: ج 2 ص 173 ب 23 ح 6.

109- بصائر الدرجات: ص 300 ب 14 ح 6.

110- بصائر الدرجات: ص 301 ب 15 ح 1، الاختصاص: ص 281. از آن ها: بحار الأنوار: ج 2 ص 173 ب 23 ح 8.

111- بصائر الدرجات: ص 538 ب 22 ح 5، علل الشرائع: ج 2 ص 395 ب 131 ح 13 به سند خود از امام جعفر صادق (عليه السلام) مانند آن و در آن است: أَنَا كُمْ بِهِ مُرَجِيٌّ وَلَا قَدْرِيٌّ وَلَا خَارِجِيٌّ نَسَبُهُ الْبِنَاءُ، فَإِنَّكُمْ ... شَيْءٌ مِّنَ الْحَقِّ. بحار الأنوار: ج 2 ص 186 ب 26 ح 10 از البصائر.

112- حديقة الشيعة: ج 4 ص 802 فصل 2: ابن حمزه و سيّد مرتضى رازی از شيخ مفيد رحمه الله به واسطه ای نقل کرده اند که او به سند خود نقل نموده از محمد بن الحسين بن ابی الخطاب که از

خواص اصحاب چند امام معصوم (عليهم السلام) است، كه او گفت: كُنْتُ مَعَ الْهَادِي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، فَأَتَاهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، مِنْهُمْ أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَكَانَ رَجُلًا بَلِيغًا وَكَانَتْ لَهُ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ جَمَاعَةٌ مِنَ الصُّوفِيَّةِ وَجَلَسُوا فِي جَانِبِ مُسْتَدِيرًا وَأَخَذُوا بِالتَّهْلِيلِ فَقَالَ (عليه السلام): .

113- ملا محمد طاهر قمم رحمه الله در تحفة الأخبار: ص 22 مرقوم فرموده: مرحوم سيّد مرتضى رازى از شيخ مفيد به سند صحيح از حضرت امام عليّ التقيّ (عليه السلام) روايت کرده: محمد بن حسين بن أبي الخطاب گوید: من با امام عليّ التقيّ (عليه السلام) در مسجد النبيّ (صلّى الله عليه وآله وسلم) بودم، در آن حال جمعی از اصحاب آن حضرت از جمله ابوهاشم جعفری - كه فردی بليغ و سخنور و نزد امام از جایگاه ویژه ای برخوردار بود. بر آن حضرت وارد شدند. پس از آن گروهی صوفی وارد مسجد شده و در گوشه ای از مسجد حلقه زده و به گفتن لا إله إلا الله پرداختند. امام (عليه السلام) به ما فرمود: ... . مقام الفضل: ج 2 ص 412 و البراهين القاطعة: ج 2 ص 348 الفرقة 7 و الإثنا عشرية: ص 28 از كتاب حديقة الشيعة. و إكليل المنهج في تحقيق المطلب، محمد جعفر بن محمد طاهر خراسانی كرباسی: ص 128: وفي كتاب قرب الإسناد مسنداً عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ الْهَادِي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، فَأَتَاهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، مِنْهُمْ أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَكَانَ رَجُلًا بَلِيغًا وَكَانَتْ لَهُ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): . و الهدايا لشيعة أئمة الهدى: ج 1 ص 106 المقدمة 10- وروى الشيخ المفيد رحمه الله بإسناده عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ... .

منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی): ج 14 ص 16 المقام 8 الحادي والعشرون في حديقة الشيعة عن السيّد المرتضى ابن الداعي الحسن الرّازيّ و ابن حمزة جميعاً، عن المفيد، بسنده عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب ...، ورواه المحدث الجزائري أيضاً في الأنوار التعماتية من كتاب قرب الإسناد مسنداً عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب مثله.

114- الكافي: ج 1 ص 391 باب التّسليم وفضل المسلمين ... ح 6. و مختصر البصائر: ص 266

ص: 113

باب ما جاء في التسليم لما جاء عنهم (عليهم السلام) وفي من رده وأنكره ... ح 6/260 از (بصائر الدرجات سعد بن عبد الله) ... ودر آن است: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ كُلَّهُ فَلْيُقَلِّ: الْقَوْلُ مِنِّي فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ قَوْلَ آلِ مُحَمَّدٍ فِيمَا أَسْرَوْا وَمَا أَعْلَنُوا، وَفِيمَا بَلَغَنِي عَنْهُمْ وَفِيمَا لَمْ يَبْلُغَنِي. بحار الأنوار: ج 25 ص 364 ب 13 ح 2 و عوالم العلوم و المعارف، ج 20 قسم 2 الصادق (عليه السلام) ب 17 ح 1 از مختصر البصائر. رياض السالكين في شرح صحيفة سيّد السّاجدين: ج 6 ص 414 و الشّافي: ص 295 ح 5/429 و الوافي: ج 2 ص 112 ح 572-6 و تفسير البرهان: ج 5 ص 864 ب 4 ح 28/12121 و الإيقاظ من الهجعة: ص 7 و مرآة العقول: ج 4 ص 282 همه از الكافي.

115- تفسير فرات الكوفي: ص 366-368 ح 499.

116- الكافي: ج 2 ص 298 باب طلب الرئاسة ... ح 5، معاني الأخبار: ص 169 باب معنى وطء أعقاب الرجال ... ح 1. وسائل الشيعة: ج 27 ص 126 ب 10 ح 33387-6 و بحار الأنوار: ج 70 ص 150 ب 124 ح 4 از الكافي. بحار الأنوار: ج 2 ص 83 ب 14 ح 5 و ج 70 ص 153 ب 124 ح 10 از المعاني.

117- معاني الأخبار: ص 179 باب معنى قول الصادق جعفر بن محمد (عليه السلام): من طلب الرئاسة هلك ... ح 1. از او: وسائل الشيعة: ج 27 ص 129 ب 10 ح 33396-15.

118- الكافي: ج 1 ص 181 باب معرفة الإمام و الردّ إليه ... ح 6، و ج 2 ص 47 باب خصال المؤمن ... ح 3.

119- الكافي: ج 1 ص 180 باب معرفة الإمام و الردّ إليه ... ح 2. از او: وسائل الشيعة: ج 27 ص 63 ب 7 ح 33207-5 و إثبات الهداة: ج 1 ص 106 ب 6 ح 27 و الإيقاظ من الهجعة: ص 104-106 ح 34/34.

120- دلائل الإمامة: ص 104-106 ح 34/34.

121- الكافي: ج 1 ص 527 باب ما جاء في الإثني عشر و النّصّ عليهم (عليهم السلام) ... ح 3- محمد بن يحيى و محمد بن عبد الله، عن عبد الله بن جعفر، عن الحسن بن ظريف و علي بن

ص: 114

محمّد، عن صالح بن أبي حمّاد، عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السّلام)، قال: . و الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص 103 ب27 ح 92 - حدّثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر الحميريّ جميعاً، عن أبي الحسن صالح بن أبي حمّاد و الحسن بن طريف جميعاً عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السّلام) قال: . و الهداية الكبرى: ص 366-364 ب14. و إثبات الوصيّة: ص 168 و 271- أبو الحسن صالح بن أبي حمّاد و الحسن بن طريف جميعاً عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السّلام): . و الغيبة، التّعمانّي: ص 62 ب4 ح 5 - حدّثني موسى بن محمّد القميّ أبو القاسم بشيراز سنة ثلاث عشرة و ثلاثمائة قال: حدّثنا سعد بن عبد الله الأشعريّ، عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله جعفر بن محمّد (عليه السّلام) قال: . و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج 1 ص 308 ب28 ح 1- حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن (رضي الله عنهما) قال: حدّثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر الحميريّ جميعاً: عن أبي الحسن صالح بن أبي حمّاد و الحسن بن طريف جميعاً عن بكر بن صالح. و حدّثنا أبي و محمّد بن المتوكّل و محمّد بن عليّ ماجيلويه و أحمد بن عليّ بن إبراهيم و الحسن بن إبراهيم ناتانة و أحمد بن زياد الهمدانيّ (رضي الله عنهم)، قالوا: حدّثنا عليّ بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم بن هاشم، عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السّلام). و عيون أخبار الرّضا (عليه السّلام): ج 1 ص 41 ب6 ح 2 مانند كمال الدّين. و الاختصاص: ص 210- حدّثنا محمّد بن معقل قال: حدّثنا أبي، عن عبد الله بن جعفر الحميريّ عند قبر الحسين (عليه السلام) في الحائر سنة ثمان و تسعين و مائتين قال: حدّثنا الحسن بن طريف بن ناصح، عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام): . و الغيبة، الشّيخ الطّوسيّ: ص 143- أخبرني جماعة، عن أبي جعفر محمّد بن سفّيان البزوفريّ، عن أبي عليّ أحمد بن إدريس و عبد الله بن جعفر الحميريّ معاً، عن أبي الخير صالح بن أبي حمّاد الرّازيّ و الحسن بن طريف جميعاً، عن بكر بن صالح، عن عبد الرّحمان بن

سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام):.. صفوة الأخبار (مخطوط)؛ الشيخ فضل الله بن محمود قرن5: ص132- رواية أبي بصير. وإعلام الوري بأعلام الهدى: ج2 ص 173 الفصل 2 مانند الكمال و العيون و مناقب آل أبي طالب (عليهم السلام): ج1 ص 296- از كتاب مولد فاطمة (عليها السلام) (الشيخ الصدوق): أنه أخبرني أبي سمع محمد بن موسى بن المتوكل و محمد بن علي ماجيلويه و أحمد بن علي بن إبراهيم و الحسين بن إبراهيم بن تاتانة و أحمد بن زياد الهمداني بأسانيدهم: عن جابر بن عبد الله قال للباقر (عليه السلام):.. و الإحتجاج: ج1 ص 67- روى أبو بصير، عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام) أنه قال:.. و جامع الأخبار: ص 18 الفصل 7- عن الصدوق قال: حدثنا أبي رحمه الله، عن سعد بن عبد الله، عن أبي الحسن صالح بن أبي حماد، عن بكر بن صالح، عن عبد الرحمن بن سالم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام):.. و الروضة في فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام): ص 62 ح 46 و الفضائل: ص 113 و 114، ابن شاذان القمي: قال أبو بصير: عن أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام). و ألقاب الرسول و عترته ضمن (مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمة (عليهم السلام)): ص 160 و مشارق أنوار اليقين: ص 60 الفصل 14 ... حديث اللوح الذي رواه جابر عن الزهراء (عليها السلام) و هو لوح أهداه الله إلى رسوله (صلى الله عليه و آله و سلم) فيه اسمه و اسم الخلفاء من بعده نسخته:.. و إرشاد القلوب إلى الصواب: ج2 ص 290- عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:.. و الصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم: ج2 ص 137 و 138 فمن التصوص الصّحيفة التي أخرجها جابر و قال: أشهد بالله أنّي هكذا رأيته مكتوباً في اللوح:.. و الجواهر السنية: ص 201 از الكافي. و بحار الأنوار: ج36 ص 195 ب 40 ح 3 از الكمال و العيون و الإحتجاج و الاختصاص و غيبة الطوسي و النعماني. و عوالم العلوم: ج3/15 ص 68 ح 6، و ج 11/2 ص 848 ح 6، از كمال الدين و العيون. و إثبات الهداة بالتصوص و المعجزات: ج2 ص 5 ب 9 ح 73 از الكافي و الكمال و العيون و غيبة الطوسي و النعماني و الإحتجاج و إعلام الوري و المشارق و الإرشاد الشيخ المفيد و الصراط المستقيم و المناقب و الإثبات و تقريب المعارف و إرشاد القلوب.

در بحر المناقب: ص 33 مخطوط، الشيخ جمال الدين محمد بن أحمد الحنفي الموصلي الشهير بابن حسنويه بنا بر نقل كتاب شرح إحقاق الحق: ج 5 ص 114 ح 109 قال: وفي اللوح المحفوظ الذي نزل به جبرئيل (عليه السلام) فيه ما ينفع المستبصرين وهو محذوف الأسانيد يُرْفَعُ إِلَى جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) أَنَّهُ قَالَ: قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):. و فرائد السمطين: ج 2 ص 136 ب 32 ح 432 - 435 - أنبأني المشايخ الكرام السيد الإمام جمال الدين رضي الإسلام أحمد بن طوس الحسيني و السيد الإمام النسابة جلال الدين عبد الحميد بن فخار بن معد بن فخار الموسوي و علامة زمانه نجم الدين أبو القاسم جعفر بن الحسن بن يحيى ابن سعيد الحلبيون رحمهم الله كتابة: عن السيد الإمام شمس الدين شيخ الشرف فخار بن معد بن فخار الموسوي، عن شاذان بن جبرئيل القمي، عن جعفر بن محمد الدورستاني عن أبيه، عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي (رضي الله عنهم) قال: حدثني أبي و محمد بن الحسن (رضي الله عنهما)، قالوا: حدثنا سعد ابن عبدالله و عبدالله بن جعفر الحميري جميعاً عن أبي الخير صالح بن أبي حماد و الحسن بن طريف جميعاً، عن بكر بن صالح. و حدثنا أبي و محمد بن موسى بن المتوكل و محمد بن علي ماجيلويه و أحمد بن علي ابن ماجيلويه و أحمد بن علي بن إبراهيم، و الحسن بن إبراهيم بن ناتانة و أحمد ابن زياد الهمداني (رضي الله عنهم) قالوا: حدثنا علي بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم ابن هاشم، عن بكر بن صالح، عن عبد الرحمن بن سالم، عن أبي بصير: عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال:..

و به حديث لوح اينان اشاره کرده اند:

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج 2 ص 138 فصل في تاريخ ولادة الإمام السجاد (عليه السلام) ... و ج 2 ص 159 فصل في تاريخ ولادة الإمام الباقر (عليه السلام) ... و ج 2 ص 182 فصل في تاريخ ولادة الإمام الصادق (عليه السلام) ... و قال: روت الشيعة ... و الفصول المختارة: ص 304 فصل الاعتراض على مذهب الكيسانية و رد أدلتها .... و اشاره به حديث لوح کرده و

بعضی از آن را نقل فرموده است فقیه أبو الصّلاح الحلبيّ در کتاب شريف تقريب المعارف: ص 182 و 421: وَ رَوَّاهُ قِصَّةَ اللَّوْحِ الَّذِي أَهْبَطَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ) فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ. وَ رَوَّاهُ ذَلِكَ مِنْ عِدَّةِ طُرُقٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ ... وَ فرموده: وَ رَوَّاهُ عَنْ أَبِي بصير، عَنْ أَبِي عبد الله جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام) ... وَ اشاره به حديث لوح کرده است إربلي در کتاب كشف الغمة في معرفة الأئمة: ج 2 ص 84 و ج 2 ص 124: وَ روت الشيعة في خبر اللوح الذي هبط به جبرئيل على رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) ... وَ ج 2 ص 167 و ص 508 ب 25. وَ اشاره به حديث لوح کرده است علي بن يوسف بن المطهر الحلبيّ در کتاب العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة: ص 84.

122- كمال الدين: ج 1 ص 308 ب 28 ح 2 و عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ج 1 ص 46 ب ح 5.

123- كمال الدين: ج 1 ص 308 ب 28 ح 3 و عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ج 1 ص 6 ب ح 6.

124- كمال الدين: ج 1 ص 308 ب 28 ح 4 و عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ج 1 ص 45 ب ح 3.

125- كمال الدين: ج 1 ص 308 ب 28 ح 5 و عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ج 1 ص 45 ب ح 4.

126- الأمالي، الشيخ الطوسي: ص 291 المجلس 11 ح 566 - 13 - أبو محمد الفحام، قال: حدّثني عمّي، قال: حدّثني أبو العباس أحمد بن عبد الله بن عليّ الرأس، قال: حدّثنا أبو عبد الله عبد الرّحمان بن عبد الله العمريّ، قال: حدّثنا أبو سلمة يحيى بن المغيرة، قال: حدّثني أخي محمد بن المغيرة، عن محمد بن سنان، عن سيّدنا أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) قال: . از اون بشارة المصطفى لشيعة المرتضى: ص 183 و 184. و در کتاب تأويل الآيات الظاهرة: ص 210 - المقلّد بن غالب بن الحسن رحمه الله، عن رجاله بإسناد متصل إلى عبد الله بن سنان الأسديّ، عن جعفر بن محمد (عليهما السلام) مانند آن با اختلاف. از او: تفسير البرهان: ج 2 ص 775 ح 4537/5.

127- سورة (10) يونس (عليه السلام) آيه 11.



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

